امرالله صفوی
۸۷/۵/۲

خط مؤلف

اذ قال الصادق [illegible] ... والخشوع ومنه تنشب
السقطات والجدل ويغرس في القلوب ... الكواكب وإلى [illegible]
سبيل الأرض والدلائل [illegible] ... حتى جزع [illegible] المسجد
واجتمع اصحابه حوله ... [illegible]
بان الله اراد [illegible] في القرآن فقال ... الأرض [illegible]
منظرة [illegible] ... السماء والأرض [illegible] الصادق
[illegible] ... العرش [illegible] جميع الخلائق
[illegible] السموات السبع والارضون السبع ... [illegible]
من خلق ربنا [illegible]

لا اله الا الله عدد الليالي والدهور لا اله الا الله
لا اله الا الله عدد امواج
عدد السنين والشهور لا اله الا الله عدد امواج
البحور لا اله الا الله ورحمته خير مما يجمعون لا اله الا الله
عدد الشوك والشجر لا اله الا الله عدد الشعر والوبر
لا اله الا الله عدد الحجر والمدر لا اله الا الله عدد لمح العيون
القطر والمطر لا اله الا الله عدد لمح العيون لا اله
الا الله في الليل اذا عسعس والصبح اذا تنفس لا اله
الا الله عدد الرياح في البراري والصخور لا اله
الا الله من اليوم الى يوم ينفخ في الصور

تا سپهر [illegible] ... جهان [illegible]

خط مؤلف

اذ قال الصادق علیه السلام ... ومن التجاء ... والخشوع ومنه یشعب

الشطوط والجداول ونیرس فی القلوب ... الکوال ... ذاکر ...

سید الاذکار والاوائل ... ما یجزع ... المسجد

واجتمع اصحابه حوله ... فقام ... فقال

یا رسول الله ... فی القرآن فقال ... علیهم السلام والارض ...

منظرته ... الصادق

... والارضین ...

وبکت له السموات السبع والارضون السبع ... فی الجنة ...

من خلق ربنا ...

لا اله الا الله عدد اللیالی والدهور لا اله الا الله عدد امواج البحور لا اله الا الله عدد السنین والشهور لا اله الا الله خیر مما یجمعون لا اله الا الله عدد الشعر والوبر لا اله الا الله عدد الشوک والشجر لا اله الا الله عدد الحجر والمدر لا اله الا الله عدد اللمح بالبصر لا اله الا الله عدد القطر والمطر لا اله الا الله فی اللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفس لا اله الا الله عدد الریاح فی البراری والصخور لا اله الا الله من الیوم الی یوم ینفخ فی الصور

دوای گرده بجهت زخم به ترکیب مفید به باغ فی مانند اگر زخم در دماغ باشد و اگر در پای [illegible]

ب باشد موی ادمی سوخته کاسنی کاغذ سوخته برگ عناب گل ارمنی کنند
٢ ٢ ٢ ٢ ١

گردی سوخته سفیداب قلعی سعد توتیای کرمانی [illegible]
١ ١ ١

بجهت ضیق النفس پر سیاوشان زوفا اصل السوس الکبر برگ موز بادام
٢ ١ ٢ ٢ عدد ٤ عدد

سپستان ورادل لب دوا سه کوبیده کیسه در ظرف ریخته دو پیاله اب برادر ریخته
٤ عدد

صبح در دیگر سفید جوش بند تا نصف اب تحلیل رود در اصناف صاف نموده بنوشند تا [illegible] روز

روز چهارم اخر [illegible] و از ترش و اب سرد و گوشت برنج [illegible] بعد از جوش

بجهت ناخن [illegible] زخم [illegible] بنویسند بجهت ان [illegible] و در میان دو

پا او در میان [illegible] بجای [illegible]

بجهت تو کفنه تو کیند نوال التوکوا

بسم اسم [illegible] بحق و اله الا جبار و بحق النون و القهار

هر در منه که جبرئیل امین در غزوه تبوک بر رسول الله صلی الله علیه نازل گشت [illegible] لشکر اسلام عرض کرد

این کلمات را اورده ام نادِ علیاً مظهر العجائب تجده عوناً لک فی النوائب حضرت

فرمود که [illegible] بخوانند رسید عرض کرد [illegible] کل هم و غم سینجلی

بعظمتک یا الله بنبوتک یا محمد بولایتک یا علی یا علی یا علی حضرت

[illegible] قبل از اتمام سه نوبت حاضر شد [illegible] از [illegible]

[illegible] باشد [illegible] بخوانند [illegible] بجهت [illegible]

[illegible] مرتبه [illegible] در حضور [illegible] رسول [illegible]

[illegible] بجهت [illegible] چهل [illegible] بخوان [illegible]

[illegible] بخوان بجهت [illegible] دولت [illegible] بخوان [illegible]

بخوان [illegible] روز [illegible] بخوان [illegible] چهار بار بخوان

بجهت کشف امور [illegible] روز چهل بار بجهت [illegible] بخوان

حل مشکل [illegible] افتتاح دولت و اقبال [illegible]

[illegible] روز [illegible] بخوان بجهت [illegible] روز چهل بار بخوان

بجهت کشف علوم [illegible] رفع [illegible] دولت [illegible]

[illegible] روز صد بار بخوان قبول عامه [illegible] روز چهل بار بخوان

فرد سیوطی عمر ذکر رونق مقابر وکمینت بعد بهر المحلیل خلیل
زود مرکم رسید ودوست فراموش گشته عوض بار دگر بار رحمت بدید بر
شد

۱۲۳ هزار اجبار
صد و چهل [illegible]

۱۲۳ هزار شش صد
شصت

[illegible]

وقف کرد این کتاب را [illegible] الاولاد
[illegible] ۱۲۴۹

فی فضل باب العبادة
عن [illegible] عمرو بن جمیع عن
ابی عبد الله علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله
افضل الناس من عشق العبادة فعانقها
واحبها بقلبه وباشرها بجسده وتفرغ لها فهو
لا یبالی علی ما اصبح من الدنیا علی عسر ام علی یسر

نقشه [illegible] هزار شصد

[illegible] عمل [illegible] یکسو
[illegible] واعف عمن [illegible] علیه
واستغن [illegible]

و اگر بعد از اسم علاه که صد و ده میباشد از صباح و در روز جمعه سازد ...
از فتوحات ربوبی و اخروی او را حاصل کی چهل روز از روز ... هفت بار بخوانند
دور از علم ... بیدع

در سوره یونس الذین آمنوا وکانوا یتقون لهم البشری فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة
لا تبدیل لکلمات الله ذلک هو الفوز العظیم

در سوره هود من کان یرید الحیوة الدنیا و زینتها نوف الیهم اعمالهم فیها وهم فیها
لا یبخسون اولئک الذین لیس لهم فی الآخرة الا النار وحبط ما صنعوا فیها وباطل ما کانوا
یعملون ونیز الم ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات واخبتوا الی ربهم اولئک
اصحاب الجنة هم فیها خالدون مثل الفریقین کالاعمی والاصم والبصیر والسمیع
هل یستویان مثلا افلا تذکرون ونیز الم الذین یصدون عن سبیل الله
ویبغونها عوجا وهم بالآخرة هم کافرون

قسمت شب و روز

کفتم که ذکر عقل مطلق باشد — در شان علی چه وصف لایق باشد
کفتا که ثنا حق بگو الی جز حق — محقق علی و علی مع الحق باشد

در بیان قسمت شب و روز بروایت عیسی بن مریم

گردد عطا فرماید و مرتب ساختم او را بر یک مقدمه و بیست و چهار فصل و خاتمه **مقدمه اولی** در بیان قسمت لیل و یوم از حضرت رسول صلعم روایت که عیسی بن مریم ع امر فرمود بحواریان که حاضر شوند در مجمع صلوة پس حواریان بهیئت عبادت بیرون رفتند در حالتیکه شکم ایشان بجهت گرسنگی چسبیده بود و چشمهای ایشان فرو رفته بود و رنگهای ایشان زرد شده بود پس حضرت عیسی ع با ایشان روانه شد تا بیابانی رسیدند پس بمکان مرتفعی بر آمد و حمد و ثنای حق تعالی نمود و آیات و حکم حق تعالی را بر ایشان خواند پس فرمود ای معشر الحواریان بشنوید آنچه را که بشما میگویم بدرستیکه من مییابم در کتابهائیکه حق تعالی از آسمان نازل ساخته است در انجیل چیزهای چند که معلوم است پس عمل نمایید بآن چیزها عرض کردند که یا روح الله چه چیز است آنها حضرت عیسی ع فرمودند که حق تعالی خلق نموده است شب را از برای سه خصلت

فخر علی از کرفاتش خیبر ثبت — در کشتن عمرو مرحب و عنتر ثبت
بس فخر بعد از عزاو همیکسی — از مرتبه عالیشانش پیغمبر ثبت

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآل محمد الائمة الهادین الطیبین الطاهرین **اما بعد** چنین گوید محمد علی بن محمد البرغانی که بعد از بلوغ سن بیست سال روزی بفکر این افتادم که ایام شریف عمر گذشت و کاری که مرا نجات در یوم العرصات کرده در عمل خود ندیدم جز ولایت و محبت آل محمد بعد از توحید خداوند منان تأسف و تحسر ابر خود ملامت نمودم که حیف حیف که جوانی را بعبث در باختم مجملا داعی در نفس بهم رسید که کتابی تالیف نمایم در اداء عبادات و اوراد خاصه در اعمال یوم و لیله و از حق تعالی توفیق مسئلت نمایم شاید اینکه ببرکت ائمه طاهرین توفیق عمل یابد و اگر چند روزی از عمر گران بهای باقی باشد شاید که تحصیل زادی بجهت سفر معاد خود نمایم لهذا شروع در این وجیزه نمودم مختصر المختصرا و او را موسوم بزاد المسافرین نمودم امید که حق تعالی توفیق اتمام نمودن و عمل بر آن کردن

و خلق کرده است روز را از برای هفت خصلت و کسیکه شب و روز او
بگذرد و او در غیر آن خصلتها باشد شب و روز در روز قیمة با او مخاصمه نمایند
و او را مغلوب سازند اما آن سه خصلتیکه شب بجهة آن خلق شده است اول
اینست که بدن تعب کشیدها در روز ساکن گردد دویم اینست که استغفار
نمایی از برای آن گناهانیکه در روز کسب کرده و دیگر عود بآن معصیتها نکنی
سیم اینست که مشغول قنوت کردی قنوت صابران پس یکثلث از شب بخواب
و یکثلث بر پا ایست در نماز و یکثلث مشغول تضرع شو بسوی پروردگار خود
این سه چیز است که شب بجهة آن خلق شده است و اما آن هفت چیز که
روز بجهة آن خلق شده است اول اینست که ادا نمائی در او نمازهای واجبی
خود را که از او سؤال کرده خواهی شد و باو مخاطب شده دویم اینست که
بوالدین خود نیکوئی نمائی سیم اینست که بجهة معیشت آن روز کسب نمائی چهارم

اینست

مرا بروز قیامت عمل کرده است لیکن حضر که روی مردم عالم دوباره باید دید

اینست که تحصیل نمائی دوستی آن خدا را از برای خدا شاید اینکه حق تعالی شما را فرو گیرد
برحمت خود پنجم اینست که تشییع جنازه مؤمنی نمائی شاید اینکه آمرزیده بر
گردی ششم اینست که امر نمائی بمعروف و نهی نمائی از منکر زیرا که این دو چیز
ذروه و اصل ایمان است و قوام دین است هفتم اینست که جهاد نمائی در راه
خدا شاید اینکه ملاقات نمائی ابراهیم خلیل الرحمن را در جنة او و کسیکه یوم
و لیله او بر غیر این خصال مذکوره بگذرد شب و روز با او مخاصمه نمایند
در روز قیمة در نزد ملیک مقتدر **مقدمه ثانیه** در بیان اقسام
خوابست از حضرت رسول اکرم مرویست که خواب بر هفت قسمت است
اول خواب غفلت است و آن خواب در مجلس ذکر است دویم خواب
شقاوت است و آن خواب در وقت صبح است سیم خواب عقوبة است و
آن خواب در وقت نماز است چهارم خواب لعنت است و آن خواب بعد از نماز

در بیان اقسام خوابست

از بت شکنی فهم شکنی کم نیست   چیزی بالاپرست از دل شکنی کم نیست
شکاک اگر نیست توان شیخ بدان   زین چهار رفیقای ما دو دل کم نیست

صبح است پنجم خواب راحت است و آن خواب در نزد استوای نهار است ششم خواب رخصت است و آن خواب بعد از عشا است هفتم خواب حسرت است و آن خوابیدن در شب جمعه است و در حدیث دیگر است که کسیکه در شب بیدار کشیده باشد در عبادت خدا بجهة او خوابیدن بعد از نماز صبح کراهة ندارد

مقدمه سیم در بیان علامات مؤمن است کلام در بیان اوصاف مؤمن است از مولای ما حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب مرویست که علامة مؤمن چهار است خوابش چون خوابیدن غرق شدگان و اکلش چون اکل بیماران و گریستن او چون گریستن زنان فرزند مرده و نشستن او مانند نشستن کسیکه در جنایت حرکت بعجله باشد و نیز از آنحضرت مرویست که مؤمن راست گو میباشد در دنیا و حفظ مینماید قلب خود را و حفظ میکند حدود خدا را و ظرف علم میباشد و صاحب عقل کامل است قلبش سلیم است و حلمش ثابت است

و دلش

در بیان اوصاف مؤمن

اکله کاکل المریض و نومه کنوم الغرقی و بکائه کبکاء الثکلی و قعوده کقعود الوثاب

از نام خم ولیکن پس مستی نکنی   در بام و دف عود و فنگ می مستی نکنی
مرا مستی به یاد خویشتنی بنزا زاهد   کی مسکینه رز خز لیس دگر مستی نکنی

و دشمنش مهربانست و مال میبخشد و رویش گشاده است از برای احسان و زبانش نیکو است و تبسم او بسیار است و دائم الحزن است و فکرش بسیار است و خوابش اندک است و خنده اش بسیار کم است و طبعش نیکو است و طمعش مرده است و کشنده هوی و هوس خود است زاهد است در دنیا و راغب است بسوی آخرت و دوست میدارد مهمان را و گرامی میدارد یتیم را و مهربانی مینماید صغیر را و بر اکبر احترام میکند و سایل را عطا میکند و عیادت بیماران مینماید و تشییع جنازه میکند و میشناسد حرمت قرآن را و مناجات بپروردگار خود میکند و میگرید بر گناهان خود امر بمعروف و نهی از منکر میکند کلامش کم است و تنش تنگ است و حرکتش با ادب است و کلامش نغضب و موعظه اش بنرمی بیشتر رسد مگر از خدا او امیدوار نمیشود مگر بخدا و مشغول نمیشود مگر بحمد و ثنای الهی و سهل انگاری در نماز ندارد و

تکبر نمیکند و فخر نمیکند بمال مشغول است بعیب نفس خود و فارغ است از عیوب
مردمان و نماز روشنائی چشم اوست و روزه سپر اوست و صدقه عادت
اوست و شکر برکت اوست و عقل عصای اوست و تقوی توشهٔ اوست و دنیا
دکان اوست و قبر منزل اوست و شب و روز راس المال اوست و بهشت
آرامگاه اوست و قرآن پیشهٔ اوست و محمد صلعم شفیع اوست و الله تعالی انیس اوست
و مخفی نماناد که آنچه در این وجیزه ذکر میشود ماخوذ است از اخبار معتبره مرویه
از محمد و آل طاهرین که غیر ما یستفاد من الاخبار چیزی ذکر نمیشود مگر اینکه او را مشخص
نمایم که این از کجا است و کفته کیست **فصل اول** در بیان مقدمات نماز است
و بعضی از اذکار آن و آنچه در این وجیزه ذکر میشود بست جزو است و
ذکر شروح ادعیه را بالغلبه آن را ترک نمودیم مراعاتا للاختصار **فرد** تو بندگی
چه گدایان بشرط مزد مکن که دوست خود روش بنده پروری داند

در بیان مقدمات نماز
است و آداب خلوه رفتن
این است

از برای

از برای کفش پوشیدن این دعا را بخواند که اللهم صل علی محمد و آل
محمد و وطئ قدمی فی الدنیا و الآخرة و ثبتهما علی الصراط
یوم تزل فیه الاقدام حضرت نوح میخواند الحمد لله الذی حذانی
و لو شاء لاحفانی و این کلمه او را عبد شکور نامید حق تعالی دویم از برای
دخول خلا پای چپ را مقدم دارد و این دعا بخواند بسم الله و بالله
اعوذ بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان
الرجیم و حضرت امیر المؤمنین چون بباب خلوة میرسید التفات بیمین
و شمال خود مینمود و میفرمود که امیطا عنی فلکما علی ان لا احدث
بلسانی شیئا حتی اخرج الیکما سیم از برای گشودن بند زیر جامه
بگوید که بسم الله چهارم از برای استطلاق بگوید اللهم فکما اطعمتنیه
طیبا فی عافیة فاخرجه منی خبیثا فی عافیة پنجم از برای نظر

کردن با بخرج بگوید اللهم ارزقنی الحلال وجنبنی الحرام ششم بعد از
فراغ بگوید الحمد لله الذی اماط عنی الاذی وهنانی طعامی و
شرابی وعافانی من البلوی واین دعا بعد از انکه دست بشکم خود بکشد
بدست راست ایستاده هفتم از برای نظر کردن باب بجهت طهارت بگوید
الحمد لله الذی جعل الماء طهورا ولم یجعله نجسا هشتم از
برای استنجا بگوید اللهم حصن فرجی واعفه واستر عورتی و
حرمها علی النار و بدست چپ استنجا کند نهم از برای خروج از خلا پای راست
چپ را مقدم دارد و بگوید الحمد لله الذی اخرج عنی اذاه وابقی
فی قوته فیا لها من نعمة لا یقدر القادرون قدرها دهم سنت است
تطهیر بعد از هر حدث قلب را نورانی مینماید و در حدیث قدسی است کسیکه
حدث نمود و وضو نساز دمرا جفا کرده و کسیکه وضو ساخت نماز نکند مرا

جفا

جفا کرده کسیکه نماز کرد مرا نخواند مرا جفا کرده کسیکه مرا بخواند و من او را اجابت
نکنم پس بتحقیق که او را جفا کرده ام و من پروردگار جفا کار نیستم و تجدید وضو
تجدید توبه است بدون استغفار و تجدید وضو نور است بر نور یازدهم
از برای نظر کردن باب بگوید انچه گذشت دوازدهم چون اب بر داری
از برای وضو بگو در حین دست گذاردن باب بسم الله وبالله
اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین سیزدهم از
برای مضمضه کردن بگوید اللهم لقنی حجتی یوم القاک واطلق لسانی
بذکرک چهاردهم از برای استنشاق بگوید اللهم لا تحرم علی ریح الجنة
واجعلنی من یشم ریحها وطیبها وریحانها از برای ریختن اب
بر رو بگوید بسم الله پانزدهم از برای شستن رو بگوید اللهم بیض وجهی
یوم تسود فیه الوجوه ولا تسود وجهی یوم تبیض فیه

بذکرک وشکرک

الوجوه شانزدهم از برای شستن دست راست بگوید اللهم اعطنی
کتابی بیمینی والخلد فی الجنان بیساری هفدهم از برای شستن
دست چپ بگوید اللهم لا تعطنی کتابی بشمالی ولا تجعلها
مغلولة الی عنقی واعوذ بک من مقطعات النیران
هجدهم از برای مسح سر بگوید اللهم غشنی برحمتک وبرکاتک نوزدهم
از برای مسح پاها بگوید اللهم ثبت قدمی علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام
واجعل سعیی فیما یرضیک عنی بیستم بعد از فراغ از وضو بگو
الحمد لله رب العالمین و سنت است در آخر وضو و غسل خواندن این دعا
سبحانک اللهم وبحمدک اشهد ان لا اله الا انت استغفرک و
اتوب الیک واشهد ان محمدا عبدک ورسولک واشهد
ان علیا ولیک وخلیفتک بعد نبیک علی خلقک وان

اولیائه

اولیائه خلفائک واوصیائه اوصیائک و سنت است بعد از
وضوء خواندن آیة الکرسی یکمرتبه و این دعا نیز وارد است بسم الله اللهم
انی اسئلک تمام الوضوء وتمام الصلوة وتمام مغفرتک و
تمام رضوانک والجنة بیست یکم سنت است مسواک کردن هر چند بانگشت
باشد و در این حین دعا بخواند اللهم ارزقنی حلاوة نعمتک واذقنی
برد روحک واطلق لسانی بمناجاتک وقربنی منک مجلسا
وارفع فی الاولین اللهم یا خیر من سئل ویا اجود من اعطی
حولنا مما تکره الی ما تحب وترضی وان کانت القلوب قاسیة
وان کانت الاعین جامدة وان کنا اولی بالعذاب فانت
اولی بالمغفرة اللهم احینی فی عافیة وامتنی فی عافیة
بیست و دوم بعد از وضو بس قصد مسجد نماید و در حین خروج بسوی مسجد

بگوید بسم الله الذی خلقنی فهو یهدینی والذی یطعمنی
ویسقینی واذا مرضت فهو یشفینی والذی یمیتنی ثم
یحیینی والذی اطمع ان یغفر لی خطیئتی یوم الدین رب
هب لی حکما والحقنی بالصالحین واجعل لی لسان
صدق فی الآخرین واجعلنی من ورثة جنة النعیم و
اغفر لابی بیست سیم درحین دخول مسجد پای راست را مقدم دارد
وبگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله وعلی الله
توکلت ولا حول ولا قوة الا بالله اللهم اغفر لی ذنوبی و
افتح لی ابواب رحمتک بیست چهارم درحین خروج از مسجد پای چپ
مقدم دارد وبگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله
الرحمن الرحیم اعوذ بالله من الشیطان الرجیم اللهم اغفر

لی ذنوبی وافتح لی ابواب فضلک بیست پنجم چون ببینند در مسجد
بیع کنند بگوید لا اربح الله تجارتک بیست ششم چون ببینند طلب
گم شده نمایند بگوید لا ردها الله الیک بیست هفتم چون ببینند که
شعر کنند بگوید فض الله فاک ومراد از شعر کلام باطل است نظما ونثرا بیست
هشتم درحین کفش کندن ابتدا بپای چپ کنند وبگوید بسم الله الحمد
لله الذی رزقنی ما اوقی قدمی من الاذی اللهم ثبت قدمی
علی الصراط ولا تزلهما عن صراطک السوی فصل دویم در
بیان آداب نماز است ودر آن چند امر است اول درحین قیام بنماز بگوید
اللهم انی اتوجه الیک بمحمد وآل محمد واقدمهم بین یدی
صلوتی واتقرب بهم الیک فاجعلنی بهم وجیها فی الدنیا
والآخرة ومن المقربین مننت علی بمعرفتهم وفلایتهم

فانها السعادة فاختم لي بها فانك على كل شيء قدير
دوم از برای فصل میان اذان و اقامه بگوید سبحان من لا تبید معالمه
سبحان من لا ینسی من ذکره سبحان من لا یخیب امله
سبحان من لیس له حاجب یغشی و لا بواب یرشی و
لا ترجمان ینادی سبحان من لا یزداد على كثرة العطاء
الا كرما وجودا سبحان من هو هكذا ولا هكذا غيره و اگر سجده نماید
بین اذان و اقامه بگوید لا اله الا انت ربي سجدت لك
خاضعا خاشعا ذليلا پس بگوید اللهم اجعل قلبي بارا و
رزقي دارا واجعل لي عند قبر رسولك مستقرا
و قرارا و دعا میانه اذان و اقامه رد نمیشود سیم در حین توجه
بقبله بگوید اللهم الیک توجهت و رضاك طلبت و ثوابك
ابتغیت

ابتغیت و بك امنت و علیك توكلت اللهم افتح مسامع قلبي
لذكرك و ثبت قلبي على دينك و دين نبيك و لا تزغ قلبي بعد
اذ هديتني و هب لي من لدنك رحمة انك انت الوهاب
چهارم از برای تکبیرات افتتاحیه بعد از تکبیر سیم بگوید اللهم انت الملك الحق
المبين لا اله الا انت سبحانك و بحمدك ظلمت نفسي فاغفر
لي ذنبي فانه لا يغفر الذنوب الا انت و بعد از تکبیر دیگر بگوید و بگوید
لبيك و سعديك و الخير في يديك و الشر ليس اليك و المهدي
من هديت عبدك و ابن عبديك بين يديك منك و بك
و لك و اليك لا ملجأ و لا منجا و لا مفر منك الا اليك سبحانك
و حنانيك تباركت و تعاليت سبحانك رب البيت و بعد از
تکبیر دیگر میگوید و میگوید وجهت وجهي للذي فطر السموات و الارض

على ملة ابراهيم ودين محمد ومنهاج علي حنيفا مسلما وما
انا من المشركين ان صلواتي ونسكي ومحياي ومماتي لله
رب العالمين لا شريك له وبذلك امرت وانا من المسلمين

در ادب قرائت

پنجم در ادب قرائت سنت است استعاذه كفتن وسؤال جنت نمودن و پناه
از آتش بردن بسوي خدا در نزد تلاوت نمودن اين دو آيه وچون يا ايها
الذين آمنوا ويا ايها الناس بكويد بكويد لبيك ربنا وچون سوره والشمس را
ختم نمايد بكويد صدق الله وصدق رسوله وچون بخواند الله خير
اما يشركون بكويد الله خير الله اكبر وچون بخواند ثم الذين كفروا
بربهم يعدلون بكويد كذب العادلون بالله وچون بخواند الحمد
لله الذي لم يتخذ ولدا الايه سه مرتبه الله اكبر بكويد وچون بخواند أأنتم
تخلقونه ام نحن الخالقون بكويد بل انت الله الخالق وهمچنين در

اخوات

اخوات آن بكويد بل انت الله الزارع بل انت الله المنزل بل انت
الله المنشئ وبعد از سوره اخلاص سه مرتبه بكويد كذلك الله ربي

ذكر در ركوع

ششم چون بركوع رود اين دعا بخواند اللهم لك ركعت ولك اسلمت
وبك آمنت وعليك توكلت وانت ربي خشع لك قلبي و
سمعي وبصري وشعري وبشري ولحمي ودمي ومخي وعصبي و
عظامي وما اقلته قدماي غير مستنكف ولا مستكبر و
لا مستحسر سبحان ربي العظيم وبحمده سه مرتبه وزياده ما دام كه ملال
نكيرد وكردن بكشد در حين ركوع ودر خاطر خود بكذراند كه آمنت بك
ولو ضربت عنقي وبداند كه ركوع اشارت است بسوي دعوي عبوديت

ذكر سر برداشتن از ركوع

وسجده تاكوا آن وبنده هفتم چون سر از ركوع بردارد بكويد سمع الله
لمن حمده والحمد لله رب العالمين امام اقتصار بر فقره ثانيه نمايد

سجود نخستین چون بسجده رود بگوید اللهم لک سجدت وبک آمنت
ولک اسلمت وعلیک توکلت وانت ربی سجد وجهی للذی
خلقه وشق سمعه وبصره الحمد لله رب العالمین تبارک
الله احسن الخالقین سبحان ربی الاعلی وبحمده و در حین سجده
اولی بخواطر گذراند که حق تعالی مرا از زمین خاک خلق فرموده و چون سر
بردارد بخاطر بگذراند که از خاک مرا برآورده و چون بسجده دویم نماید بخواطر
گذراند که باز مرا عودی است بسوی خاک و در سر برداشتن دوم بخواطر گذراند
بیرون آمدن از خاک را در یوم فزع اکبر و حشر کبری ثم چون میان دو سجده
بنشیند این دعا بخواند استغفر الله ربی واتوب الیه اللهم اغفر
لی وارحمنی واجبرنی وادفع عنی وعافنی انی لما انزلت الی
من خیر فقیر تبارک الله رب العالمین ثم چون برکعت ثانیه
برخیزد

ذکر میان سجدتین

برخیزد بگوید اللهم ربی بحولک وقوتک اقوم واقعد وارکع و
اسجد یازدهم چون قنوت خواند بگوید اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا
واعف عنا فی الدنیا والاخرة انک علی کل شیء قدیر و بگوید رب
اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم انک انت الاعز الاجل الاکرم
و کلمات فرج با فضیلت مشهور است دوازدهم در تشهد بگوید بسم الله
وبالله وخیر الاسماء لله اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله
بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة اشهد انک نعم
الرب وان محمدا نعم الرسول اللهم صل علی محمد وآل محمد و
تقبل شفاعته وارفع درجته پس سه مرتبه یا سه مرتبه الحمد
لله بگوید سیزدهم در تشهد ثانی و سلام بگوید بسم الله وبالله بگوید در تشهد

ذکر برخاستن برکعت دیگر

در بیان قنوت

در بیان تشهد ثانی و سلام است

اول که نشست تا قول نعم الرسول پس بگوید التحیات لله والصلوات
الطاهرات الطیبات الزاکیات الغادیات الرایحات السابغات
الناعمات لله ما طاب وزکی وطهر وخلص وصفی فلله اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده
ورسوله ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة و
اشهد ان ربی نعم الرب وان محمدا نعم الرسول واشهد ان
الساعة اتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور الحمد
لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله
الحمد لله رب العالمین اللهم صل علی محمد وال محمد وبارک
علی محمد وال محمد وترحم علی محمد وال محمد کما صلیت وبارکت
وترحمت علی ابراهیم وال ابراهیم انک حمید مجید اللهم

صل

صل علی محمد وال محمد واغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا
بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین امنوا انک رؤف
رحیم اللهم صل علی محمد وال محمد وامنن علی بالجنة وعافنی
من النار اللهم صل علی محمد وال محمد واغفر للمؤمنین و
المؤمنات ولمن دخل بیتی مؤمنا ولا تزد الظالمین الا
تبارا السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته
السلام علی انبیاء الله ورسله السلام علی جبرئیل و
میکائیل والملئکة المقربین السلام علی محمد بن عبد الله
خاتم النبیین لا نبی بعده السلام علینا وعلی عباد الله
الصالحین السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته فصل سیم
در بیان تعقیب مطلق نماز است که بعد از هر فریضه سنت است و آن چند چیز است

در بیان تعقیب مطلق نماز است

در بیان تکبیر گفتن

اول سه مرتبه تکبیر گفتن و بعد از هر تکبیری بگوید لا اله الا الله وحده
وحده انجز وعده نصر عبده واعز جنده وغلب الاحزاب
وحده فله الملک وله الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی
بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر معقّب تسبیح فاطمه زهرا و سنت

در بیان تسبیح فاطمه زهرا

بعد از او که بگوید لا اله الا الله ان الله وملائکته یصلون
علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما
لبیک ربنا لبیک وسعدیک اللهم صل علی محمد وال محمد
وعلی اهل بیت محمد وعترة محمد والسلام علیه وعلیهم
ورحمة الله وبرکاته واشهد ان التسلیم منا لهم و
الائتمام بهم والتصدیق لهم ربنا امنا وصدقنا واتبعنا
الرسول فاکتبنا مع الشاهدین اللهم صب الرزق علینا

صبا

صبا صبا بلاغا للاخرة والدنیا من غیر کد ولا نکد ولا
من من احد من خلقک الا سعة من رزقک وطیبا
من وسعک من یدک الملاء الا من ایدی لئام خلقک اللهم
اجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی
والاخلاص فی عملی والسعة فی رزقی وذکرک باللیل
والنهار علی لسانی والشکر لک ابدا ما ابقیتنی اللهم
لا تجبهنی حیث نهیتنی وبارک لی فیما اعطیتنی و
ارحمنی اذا توفیتنی انک علی کل شیء قدیر پس بیش از آنکه
از موضع خود حرکت نماید بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو
الحی القیوم ذو الجلال والاکرام واتوب الیه چهار کلمات
حفظ است بعد از هر نماز بگوید اجیر نفسی ومالی وولدی و

اهلي وداري وكل ما هو مني بالله الواحد الاحد الصمد الذي
لم يلد ولم يولد السورة واجير نفسي ومالي وولدي وكل ما هو
مني برب الفلق السورة وبرب الناس ملك الناس السورة وبالله
الذي لا اله الا هو الحي القيوم الآية پس ده مرتبه بگوید سبحان الله العظيم
وبحمده ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم پس [illegible] بگوید
اللهم اهدني من عندك وافض علي من فضلك وانشر علي من
رحمتك وانزل علي من بركاتك پس هفتم لعن نماید چهار نفر از مردان که
فلان وفلان وفلان ومعويه باشند و چهار نفر از زنان که فلانه و فلانه و هند
وام الحكم خواهر معويه بوده باشند ولعن نماید بني اميه را پس هشتم پیش از آنکه زانوهای
خود را حرکت دهد ده مرتبه بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شريك له الها واحدا احدا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا پس نهم

دستهای

دستهای خود را پهن نماید و بگوید الهي واله ابراهيم واسحق ويعقوب
واله جبرئيل وميكائيل واسرافيل اسئلك ان تستجيب دعوتي
فاني مضطر وتعصمني في ديني فاني مبتلى وتنالني برحمتك
فاني مذنب وتنفي عني الفقر فاني مسكين پس دهم بعد از هر فریضه
بگوید سبحان الله كلما سبح الله شيء وكما يحب الله ان يسبح و
كما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والحمد لله
كلما حمد الله شيء وكما يحب ان يحمد وكما هو اهله وكما ينبغي
لكرم وجهه وعز جلاله والله اكبر كلما كبر الله شيء وكما يحب
ان يكبر وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر على كل
نعمة انعم بها علي وعلى كل احد من خلقه ممن كان او

تعقیب نماز صبح

خفیف

روشن چه بر زلف دیدم کفتم صبح نفخه دوش ام
با صبا ان چشم مستش خورشید ملکنه اند ورد ام

يكون لى يوم القيمة اللهم انى اسئلك من خير ما ارجو ومن
خير ما لا ارجوا واعوذ بك من شر ما احذر ومن شر ما لا
احذر يازدهم بعد از هر فريضه دوازده مرتبه قل هو الله احد بخواند و بگويد
پس دستها را بهن کند و بگوید اللهم انى اسئلك باسمك المكنون
المخزون الطاهر الطهر المبارك واسئلك باسمك العظيم و
سلطانك القديم يا واهب العطايا يا مطلق الاسارى يا فكاك
الرقاب من النار صل على محمد وال محمد وفك رقبتى من النار
واخرجنى من الدنيا امنا وادخلنى الجنة سالما واجعل دعائى
اوله فلاحا واوسطه نجاحا واخره صلاحا انك انت علام
الغيوب فصل چهارم دربيان تعقيب نماز صبح است ودراين
وجيزه انچه ذکر میشود دعائیست اول حضرت صادق در تعقیب نماز صبح فرمود تعقیب نماز صبح

بسم الله

بحر صباح بیار نو بهار تا بان سا کم نظاره که دار از نظاره تو تمر

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد واهل بيته الطا هرين
الاخيار الاتقياء الابرار الذين اذهب الله عنهم الرجس
وطهرهم تطهيرا وافوض امرى الى الله وما توفيقى الا بالله
عليه توكلت ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله
بالغ امره قد جعل الله لكل شئ قدرا ما شاء الله كان
حسبنا الله ونعم الوكيل واعوذ بالله السميع العليم من
الشيطان الرجيم ومن همزات الشياطين واعوذ بك رب
ان يحضرون ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم الحمد لله
رب العالمين كما هو اهله ومستحقه وكما ينبغى لكرم وجهه
وعز جلاله على ادبار الليل واقبال النهار الحمد لله الذى
ذهب بالليل بقدرته وجاء بالنهار مبصرا برحمته

تعقیب نماز صبح [illegible]

خلقاً جديداً ونحن في عافيته وسلامته وستره و
كفايته وجميل صنعه مرحباً بخلق الله الجديد واليوم
العتيد والملك الشهيد مرحباً بكما من ملكين كريمين
وحياكما الله من كاتبين حافظين اشهدكما فاشهدا لي
واكتبا شهادتي هذه معكما حتى القى بها ربي اني اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمداً عبده
ورسوله ارسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله
ولو كره المشركون وان الدين كما شرع وان الاسلام كما وصف
والقول كما حدث وان الله هو الحق المبين وان الرسول
حق والموت حق ومسائلة منكر ونكير في القبر حق و
البعث حق والصراط حق والميزان حق والجنة حق والنار

حق

حق والساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في
القبور فصل على محمد وآل محمد واكتب اللهم شهادتي عندك
مع شهادة اولي العلم ومن ابى ان يشهد لك هذه الشهادة
وزعم ان لك نداً او لك ولداً او لك صاحبة او لك شريكاً
او معك خالقاً او رازقاً فانا بريء منهم لا اله الا انت فتعاليت
عما يقول الظالمون علواً كبيراً فاكتب اللهم شهادتي مكان
شهادتهم واحيني على ذلك وامتني عليه وادخلني برحمتك
في عبادك الصالحين اللهم صل على محمد وآل محمد وصبحني منك
صباحاً مباركاً ميموناً ولا خازياً ولا فاضحاً اللهم صل على محمد
وآل محمد واجعل اول يومي هذا صلاحاً واوسطه فلاحاً و
آخره نجاحاً واعوذ بك من يوم اوله فزع واوسطه جزع

تعقیبات صبح

وآخره نجحا اللهم صل على محمد وآله وارزقني خير يومي هذا
وخير ما فيه وخير ما قبله وخير ما بعده واعوذ بك من
شره وشر ما فيه وشر ما قبله وشر ما بعده اللهم صل على
محمد وآله وافتح لي باب كل خير فتحته على احد من اهل الخير ولا
تغلقه عني ابدا واغلق عني باب كل شر فتحته على احد
من اهل الشر ولا تفتحه علي ابدا اللهم صل على محمد وآله و
اجعلني مع محمد وآل محمد في كل موطن ومشهد ومقام ومحل
ومرتحل وفي كل شدة ورخاء وعافية وبلاء اللهم صل
على محمد وآله واغفر لي مغفرة عزما لا تغادر لي ذنبا ولا
خطيئة ولا اثما اللهم اني استغفرك من كل ذنب تبت اليك
منه ثم عدت فيه واستغفرك لما اعطيت من نفسي ثم لم اف

لك

لك به واستغفرك لما اردت به وجهك فخالطه ما
ليس لك فصل على محمد وآله واغفر لي يا رب ولوالدي و
ما ولدا وما ولدت وما توالدوا من المؤمنين والمؤمنات
الاحياء منهم والاموات ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان
ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤف رحيم
الحمد لله الذي قضى عني صلواة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا
ولم يجعلني من الغافلين دعای حضرت رسول بعد از نماز صبح این
دعا را میخواندند اللهم اني اعوذ بك من الهم والحزن والغم والكسل
والبخل والجبن وضلع الدين وغلبة الرجال وبوار الايم و
الغفلة والزلزلة والقسوة والعيلة والمسكنة واعوذ
بك من نفس لا تشبع ومن قلب لا يخشع ومن عين لا تدمع

وأعوذ بك من امرأة تشيبني قبل أوان مشيبي وأعوذ
بك من ولد يكون علي ربا وأعوذ بك من مال يكون علي
عذابا وأعوذ بك من صاحب خديعة إن رأى حسنة دفنها
وإن رأى سيئة أفشاها اللهم لا تجعل لفاجر علي يدا ولا
منة ستم حضرت امیر المؤمنین بعد از نماز صبح این دعا میخواندند اللهم إني
أسألك يا عالما بكل خفية يا من السماء بقدرته مبنية
يا من الأرض بقدرته مدحية يا من الشمس والقمر بنور
جلاله مضيئة يا من البحار بقدرته مجرية يا منجي يوسف
من رق العبودية يا من يصرف كل نقمة وبلية يا من
حوائج السائلين عنده مقضية يا من ليس له حاجب
يغشى ولا وزير يرشى صل على محمد وآل محمد واحفظني في

سفري

سفري وحضري وليلي ونهاري ويقظتي ومنامي ونفسي
وأهلي ومالي وولدي والحمد لله وحده فصل پنجم در
بیان سجده شکر است بعد از نماز مولای ما حضرت امام موسی کاظم بعد از نماز
سر بسجده میگذاردند بصوت حزین و گریان میگفتند رب عصيتك
بلساني ولو شئت وعزتك لأخرستني وعصيتك
ببصري ولو شئت وعزتك لأكمهتني وعصيتك بسمعي
ولو شئت وعزتك لأصممتني وعصيتك بيدي ولو
شئت وعزتك لكنعتني وعصيتك برجلي ولو شئت
وعزتك لجذمتني وعصيتك بفرجي ولو شئت و
عزتك لعقمتني وعصيتك بجميع جوارحي التي أنعمت بها
علي ولم يكن هذا جزائك مني پس بعد هزار مرتبه در سجده میفرمودند

العفو العفو پس روی راست را بر زمین گذارد و باواز حزین گوید
بؤت الیک بذنبی عملت سوءً وظلمت نفسی فاغفر لی
فانه لا یغفر الذنوب غیرک یا مولای سه مرتبه این دعا را خواند
پس روی چپ مبارک خود را بر زمین گذارد و گفت ارحم من
اساء واقترف واستکان واعترف سه مرتبه تکرار فرمودند فصل

در بیان [illegible]

ششم در بیان اداب زوال و نوافل و فریضهٔ ان و ان چند امر است
اول چون زوال متحقق گردید حضرت امام محمد باقر ع فرمودند که این دعا بخوان
سبحان الله ولا اله الا الله والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم
یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا
دوم شروع کن در ساختن وضو و بعد از ان بمسجد رفتن با ان شرایط
و ادابی که گذشت پس مشغول نافله شو ابتدا کن بتکبیرات هفتگانه متقدمه

با ادعیه

با ادعیه انها پس استعاذه بخدا از شیطان رجیم و بعد از حمد در رکعت
اولی توحید بخوان و در ثانیه سوره جحد را و بعد از سلام و تکبیرات ثلث
تسبیح فاطمه زهرا بعمل آورد و این دعا را بخوان اللهم انی ضعیف فقو
فی رضاک ضعفی وخذ الی الخیر بناصیتی واجعل الایمان
منتهی رضای وبارک لی فیما قسمت لی وبلغنی برحمتک
کل الذی ارجوا منک واجعل لی ودا وسرورا للمؤمنین
وعهدا عندک و باین طریق مذکور شش رکعت نافله ظهر را بجا آورد
پس اذان بگو و میانه اذان و اقامه دو رکعت دیگر نافله را بعمل آورد که هشت
رکعت بعمل آمده باشد و بعد از اقامه بگو اللهم رب هذه الدعوة
التامة والصلوة القائمة بلغ محمدا صلی الله علیه واله
الدرجة والوسیلة والفضل والفضیلة بالله استفتح و

باللّه استفتح وبمحمّد صلّى الله عليه وآله اتوجّه اللّهم صلّ
على محمّد وآل محمّد واجعلني بهم عندك وجيهاً في الدنيا و
الآخرة ومن المقرّبين پس مشغول نماز پیشین و در رکعت اولی سوره
حمد را بخواند و سبّح اسم ربّک الاعلی را و چون نماز را سلام دادی بعد از تکبیرات
و تسبیح زهرا و اوراد متقدّمه شروع مینمائی در تعقیب مختصّه ظهر و آن بسیار
است بعضی از آنها ذکر میشود و آن چند دعاست اول دعائیست که سیده
نساء عالمین حضرت فاطمه زهرا میخواندند در تعقیب نماز ظهر و آن اینست

تعقیب فاطمه زهرا

سبحان ذي العزّ الشامخ المنيف سبحان ذي الجلال الباذخ
العظيم سبحان ذي الملك الفاخر القديم والحمد لله الذي
بنعمته بلغت ما بلغت من العلم والعمل له والرغبة إليه
والطاعة لأمره والحمد لله الذي لم يجعلني جاحداً لشيء من

كتابه

كتابه ولا متحيّراً في شيء من أمره الحمد لله الذي هداني لدينه
ولم يجعلني أعبد شيئاً غيره اللّهم إنّي أسألك قول التوّابين
وعملهم ونجاة المجاهدين وثوابهم وتصديق المؤمنين و
توكّلهم والراحة عند الموت والأمن عند الحساب و
اجعل الموت خير غائب انتظره وخير مطّلع يطّلع عليّ و
ارزقني عند حضور الموت وعند نزوله وفي غمراته
وحين تنزع النفس من بين التراقي وحين تبلغ الحلقوم
وفي حال خروجي من الدنيا وتلك الساعة التي لا أملك
لنفسي فيها ضرّاً ولا نفعاً ولا شدّة ولا رخاء روحاً من
رحمتك وحظّاً من رضوانك وبشرى من كراماتك قبل
ان تتوفّى نفسي وتقبض روحي وتسلّط ملك الموت

على اخراج نفسي بشرى منك ليست من احد غيرك
تثلج بها صدري وتسر بها نفسي وتقر بها عيني ويتهلل
بها وجهي وتسفر بها كربي وتطمئن اليها قلبي ويتباشر
بها ساير جسدي يغبطني بها من حضرني من خلقك و
من سمع بي من عبادك تهون على بها سكرات الموت
وتفرج عني بها كربته وتخفف عني بها شدته وتكشف
عني بها شدته وتكشف عني بها سقمه وتذهب عني
بها همه وحسرته وتعصمني بها من اسفه وفتنته و
تجيرني بها من شره وشر ما يحضر اهله وترزقني بها خيره
وخير ما يحضر عنده وخير ما هو كائن ثم اذا توفيت نفسي
وقبضت روحي فاجعل روحي في الارواح الرابحة واجعل

نفسي

نفسي في الانفس الصالحة واجعل جسدي في الاجساد
المطهرة واجعل عملي في الاعمال المتقبلة ثم ارزقني في خطتي
من الارض وموضع جسدي حيث يرفث لحمي ويدفن
عظمي واترك وحيدا لا حيلة لي قد لفظتني البلاد وتخلى
مني العباد وافتقرت الى رحمتك واحتجبت الى صالح عملي
والفني ما مهدت لنفسي وقدمت لآخرتي وعملت
في ايام حياتي فوزا من رحمتك وضياء من نورك وتثبيتا
من كرامتك بالقول الثابت في الحياة الدنيا وفي الآخرة انك
تضل الظالمين وتفعل ما تشاء ثم بارك لي في البعث
والحساب اذا انشقت الارض عني وتخلى العباد مني و
غشيتني الصيحة وافجعتني النفخة ونشرتني بعد الموت

گفتم چشمم گفت براهش خواهم گفتم کو دلم گفت کبابش خواهم گفتم که ببینم تو را کار راست گفت از ناز که خرابش خواهم

وبعثتني للحساب فابعث معي يا رب نورا من رحمتك يسعى
بين يدي وعن يميني تؤمنني به وتربط به على قلبي وتظهر
به عذري وتبيض به وجهي وتصدق به حديثي وتفلج به
حجتي وتبلغني به العروة القصوى من رحمتك وتحلني الدرجة
العليا من جنتك وترزقني به مرافقة محمد النبي عبدك ورسولك
صلى الله عليه وآله في اعلى الجنة درجة وابلغها فضيلة و
ابرها عطية وارفعها نفسة مع الذين انعمت عليهم من النبيين
والصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا
اللهم صل على محمد خاتم النبيين وعلى جميع الانبياء والمرسلين و
على الملائكة اجمعين وعلى آله الطيبين الطاهرين وعلى ائمة الهدى
اجمعين آمين رب العالمين اللهم صل على محمد كما هديتنا به وصل

على محمد كما رحمتنا به وصل على محمد كما عرفتنا به وصل على محمد
كما فضلتنا به وصل على محمد كما شرفتنا به وصل على محمد كما
نصرتنا به وصل على محمد كما انقذتنا به من شفا حفرة من
النار اللهم بيض وجهه واعل كعبه وافلج حجته واتمم نوره
وثقل ميزانه وعظم برهانه وافسح له حتى يرضى وبلغه الدرجة
والوسيلة من الجنة وابعثه المقام المحمود الذي وعدته و
اجعله افضل النبيين والمرسلين عندك منزلة ووسيلة
واقصص بنا اثره واسقنا بكاسه واوردنا حوضه و
احشرنا في زمرته وتوفنا على ملته واسلك بنا سبيله
واستعملنا بسنته غير خزايا ولا نادمين ولا شاكين ولا
مبدلين يا من بابه مفتوح لداعيه وحجابه لا تفضحني بمشهد

القیامة بموبقات الآثام ولا تعرض بوجهك الكریم عنی من
بین الأنام یا غایة المضطر الفقیر ویا جابر العظم الكسیر هب
لی موبقات الجرائر واعف عن فاضحات السرائر واغسل
قلبی من وزر الخطایا وارزقنی حسن الاستعداد لنزول
المنایا یا اكرم الاكرمین ومنتهی امنیة السائلین انت مولای
فتحت لی باب الدعاء والانابة فلا تغلق عنی باب القبول و
الاجابة ونجنی برحمتك من النار وبوّئنی غرفات الجنان
واجعلنی متمسكا بالعروة الوثقی واختم لی بالسعادة واحینی
بالسلامة یا ذا الفضل والكمال والعزة والجلال لا تشمت بی
عدوا ولا حاسدا ولا تسلط علی سلطانا عنیدا ولا شیطانا
مریدا برحمتك یا ارحم الراحمین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی

العظیم وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما چهارم مولای ما حضرت
صادق فرمودند که صلوة بر محمد و آل محمد میان الظهر والعصر برابرست با
هفتاد رکعت نماز باین نوع گوید که اللهم صل علی محمد وآل محمد پنجم حضرت
صادق فرمودند که هر که بعد از نماز ظهر و بعد از نماز صبح بگوید که اللهم صل علی
محمد وآل محمد وعجل فرجهم نمیرد تا ادراک قائم نماید **فصل هفتم** در بیان
نافله و فریضهٔ عصرست چون شروع در نافلهٔ عصر نمودی بعد از دو رکعت اولی از
نافلهٔ عصر این دعا بخوان اللهم انه لا اله الا انت الحی القیوم العلی العظیم
الحلیم الكریم الخالق الرازق المحیی الممیت المبدئ المعید البدیع
لك الحمد ولك المن ولك الكرم ولك الجود ولك الامر
وحدك لا شریك لك یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد
ولم یكن له كفوا احد فلم یتخذ صاحبة ولا ولدا صل علی محمد

در بیان نافلهٔ عصر

دعای بعد از رکعت دوم نافلهٔ عصر

وآله وافعل بي كذا وكذا او بعد دو ركعت دیگر از نافله عصر را بعمل آورد
این دعا را بخواند اللهم رب السموات السبع ورب الارضین
السبع وما فیهن وما بینهن وما تحتهن ورب العرش العظیم
ورب جبرئیل ومیکائیل واسرافیل ورب السبع المثاني والقرآن
العظیم ورب محمد خاتم النبیین صل علی محمد وآله واسئلك
باسمك الاعظم الذي به تقوم السموات والارض وبه تحیي
الموتی وترزق الاحیاء وتفرق بین المجتمع وتجمع بین المتفرق
وبه احصیت عدد الآجال ووزن الجبال وکیل البحار اسئلك
یا من هو کذلك ان تصلي علی محمد وآل محمد وان تفعل بي کذا و
کذا و بعد دو رکعت دیگر بعمل آورد که رکعت پنجم و ششم است بعد از آن بعمل آورد و
این دعا را بخواند اللهم اني ادعوك بما دعاك به عبدك یونس اذ ذهب

مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی في الظلمات ان
لا اله الا انت سبحانك اني کنت من الظالمین فاستجبت له
ونجیته من الغم فانه دعاك وهو عبدك وانا ادعوك و
انا عبدك وسالك وهو عبدك وانا اسئلك وانا عبدك
ان تصلي علی محمد وآل محمد وان تستجیب لي کما استجبت له و
ادعوك بما دعاك به عبدك ایوب اذ مسه الضر فدعاك
اني مسني الضر وانت ارحم الراحمین فاستجبت له وکشفت
ما به من ضر وآتیته اهله ومثلهم معهم فانه دعاك وهو
عبدك وانا ادعوك وانا عبدك وسالك وهو عبدك و
انا اسئلك وانا عبدك ان تصلي علی محمد وآل محمد وان تفرج
عني کما فرجت عنه وان تستجیب لي کما استجبت له وادعوك

بما دعاك ربه يوسف اذ فرقت بينه وبين اهله واذ
هو في السجن فانه دعاك وهو عبدك وانا ادعوك وانا عبدك
وسئلك وهو عبدك وانا اسئلك وانا عبدك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تفرج عني كما فرجت عنه وان تستجيب
لي كما استجبت له فصل على محمد وآل محمد وافعل بي كذا وكذا

و معاجت حضور الخاطر آورد پس در رکعت آخر نافله عصر را بخواند و بعد از آن این
دعا را بخواند يا من اظهر الجميل وستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة
ولم يهتك الستر يا كريم الصفح يا عظيم المن يا حسن التجاوز
يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا سامع كل نجوى
ويا منتهى كل شكوى يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا رباه
يا رباه يا رباه يا سيداه يا سيداه يا سيداه يا غاية رغبتاه

یاذا الجلال

ياذا الجلال والاكرام اسئلك بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن
والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد و
علي والحسن ومحمد صاحب الزمان سلام الله عليهم اجمعين
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تكشف كربي وتغفر ذنبي
وتنفس همي وتفرج غمي وتصلح شاني في ديني ودنياي
وان تدخلني الجنة ولا تشوه خلقي بالنار ولا تفعل بي ما
انا اهله برحمتك يا ارحم الراحمين پس اذان و اقامه گوید و
بطریق متقدم نماز عصر را بعمل آورد و بعد از سلام و تکبیر و تسبیح زهرا هفتاد
مرتبه استغفار نماید و ده مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند و بعد شروع نماید در
تعقیب مختص بنماز عصر که از فاطمه زهرا صلوات الله وسلامه علیها مرویست
و آن اینست بسم الله الرحمن الرحيم سبحان من يعلم جوارح القلوب

سبحان من يحصي عدد الذنوب سبحان من لا يخفى عليه خافية
في الأرض ولا في السماء الحمد لله الذي لم يجعلني كافر الأنعمه
ولا جاحد الفضله فالخير فيه وهو أهله والحمد لله على
حجته البالغة على جميع من خلقه ممن أطاعه وممن عصاه
فإن رحم فبمن منه وإن عاقب فبما قدمت أيديهم وما
الله بظلام للعبيد الحمد لله العلي المكان والرفيع البنيان ا
الشديد الأركان العزيز السلطان العظيم الشأن الواضح البرهان
الرحيم الرحمن المنعم المنان الحمد لله الذي احتجب عن كل مخلوق
يراه بحقيقة الربوبية وقدرة الوحدانية فلم تدركه الأبصار
ولم تحط به الأخبار ولم يعينه مقدار ولم يتوهمه اعتبار
لأنه الملك الجبار اللهم قد ترى مكاني وتسمع كلامي وتطلع

على امري

على أمري وتعلم ما في نفسي وليس يخفى عليك شيء من
أمري وقد سعيت إليك في طلبتي وطلبت إليك في
حاجتي وتضرعت إليك في مسألتي ومسألتك لفقري
وحاجتي وذلتي وضعفي وبؤسي ومسكنتي وأنت الرب
الجواد بالمغفرة تجد من تعذب غيري ولا أجد من يغفر لي
غيرك وأنت غني عن عذابي وأنا فقير إلى رحمتك فأسألك
بفقري إليك وغناك عني وبقدرتك علي وقلة امتناعي
منك أن تجعل دعائي هذا دعاء وافق منك إجابة و
مجلسي هذا مجلسا وافق منك رحمة وطلبتي هذه طلبة
وافقت نجاحا وما خفت عسرته من الأمور فيسره و
ما خفت عجزه من الأشياء فوسعه ومن أرادني بسوء

تقصیر و نقص عیوب گناه من ز عدد و کثر نیامد بحجه از عفو تو ز عالم عدد مسعود حضرتش مس عفو غفار است لا جرم طالب گنه کار است

من الخلائق كلهم فاغلبهم امين يا ارحم الراحمين وهون علي
ما خشيت شدته واكشف عني ما خشيت كربته ويسر
لي ما خشيت عسرته امين يا رب العالمين اللهم انزع العجب
والرياء والكبر والبغي والحسد والضعف والشك والوهن
والضر والاسقام والخذلان والمكر والخديعة والبلية والفساد
من سمعي وبصري وجميع جوارحي وخذ بناصيتي الى ما تحب و
ترضى برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد واغفر
ذنوبي واستر عيوبي وامن روعتي واجبر مصيبتي واغن
فقري ويسر حاجتي واقلني عثرتي واجمع شملي واكفني ما اهمني
وما غاب عني وما حضرني وما اتخوفه منك يا ارحم الراحمين
اللهم فوضت امري اليك والجات ظهري اليك واسلمت

نفسي

گفتم چه کنم گفت بیا جرم بخش گفتم کرم گفت به بنده ایر بخش گفتم کرم گفت بحرف حق شنو گفتم جان گفت بر دار گی بتخش

نفسي اليك بما جنيت عليها فرقا منك وخوفا وطمعا وانت
الكريم الذي لا يقطع الرجاء ولا يخيب الدعاء فاسئلك بحق
ابراهيم خليلك وموسى كليمك وعيسى روحك ومحمد
صفيك ونبيك ان لا تصرف وجهك الكريم عني حتى تقبل
توبتي وترحم عبرتي وتغفر لي خطيئتي يا ارحم الراحمين و
يا احكم الحاكمين اللهم اجعل ثاري على من ظلمني وانصرني على
من عاداني اللهم لا تجعل مصيبتي في ديني ولا تجعل الدنيا
اكبر همي ولا مبلغ علمي اللهم اصلح لي ديني الذي هو عصمة امري
واصلح دنياي التي فيها معاشي واصلح لي اخرتي التي اليها
معادي واجعل الحياة زيادة لي من كل خير واجعل الموت
راحة لي من كل شر اللهم انك عفو تحب العفو فاعف عني

اللهم احيني ما علمت الحياة خيرا لي وتوفني اذا كانت الوفاة
خيرا لي واسئلك خشيتك في الغيب والشهادة والعدل في
الغضب والرضا واسئلك القصد في الفقر والغنى واسئلك نعيما
لا تبيد وقرة عين لا تنقطع واسئلك الرضا بعد القضاء واسئلك
لذة النظر الى وجهك اللهم اني استهديك لارشاد امري واعوذ
بك من شر نفسي اللهم عملت سوء وظلمت نفسي فاغفر لي
انه لا يغفر الذنوب الا انت اللهم اني اسئلك تعجيل عافيتك
وصبرا على بليتك وخروجا من الدنيا الى رحمتك اللهم اني
اشهدك واشهد ملئكتك وحملة عرشك واشهد من في
السموات ومن في الارض انك انت الله لا اله الا انت وحدك
لا شريك لك وان محمدا عبدك ورسولك واسئلك بان لك الحمد

لا اله

لا اله الا انت بديع السموات والارض بالكائن قبل ان يكون
شئ والمكون لكل شئ والكائن بعد ما لا يكون شئ اللهم
الى رحمتك رفعت بصري والى جودك بسطت كفي فلا تحرمني
وانا اسئلك ولا تعذبني وانا استغفرك اللهم فاغفر لي
فانك بي عالم ولا تعذبني انك علي قادر برحمتك يا ارحم
الراحمين اللهم يا ذا الرحمة الواسعة والصلوة النافعة
الرافعة صل على اكرم خلقك عليك واحبهم اليك و
اوجههم لديك محمد عبدك ورسولك المخصوص بفضائل
الوسائل اشرف واكرم وارفع واعظم واكمل ما صليت
على مبلغ عنك مؤتمن على وحيك اللهم كما سددت به
العمى وفتحت به الهدى فاجعل مناهج سبله لنا سننا و

وحجّ برهانه لنا سبباً نأتمّ به الى القدوم عليك اللّهم لك
الحمد ملء السّموات السّبع وملء طباقهنّ وملء الارضين
السّبع وملء ما بينهما وملء عرش ربّنا الكريم وميزان
ربّنا الغفّار ومداد كلمات ربّنا القهّار وملء الجنّة
وملء النّار وعدد الماء والثّرى وعدد ما يرى وما لا يرى اللّهم
واجعل صلواتك وبركاتك ومنّك ومغفرتك ورحمتك
ورضوانك وفضلك وسلامك وذكرك ونورك وشرفك
ونعمتك وخيرتك على محمّد وآل محمّد كما صلّيت وباركت و
ترحّمت على ابراهيم وآل ابراهيم انّك حميد مجيد اللّهم اعط
محمّداً الوسيلة العظمى وكرامة جزائك في العقبى حتّى تشرّفه
يوم القيمة يا اله الهدى اللّهم صلّ على محمّد وآل محمّد وعلى جميع

ملئكتك

ملئكتك وانبيائك ورسلك سلام على جبرئيل وميكائيل
واسرافيل وحملة العرش وملئكتك المقرّبين والكرام الكاتبين
والكرّوبيين وسلام على ملئكتك اجمعين وسلام على امّنا
حوّا وسلام على النّبيّين اجمعين والحمد للّه ربّ العالمين و
لا حول ولا قوّة الّا باللّه العليّ العظيم وحسبي اللّه ونعم الوكيل
وصلّى اللّه على محمّد وآله وسلّم كثيراً **فصل ختم** در بيان آداب
دخول مغرب وتعقيبات آن چند امرست اول چون دخول مغرب
متحقق گردد بايد دست خود را بر سر گذارد بر روى خود بكشد وريش خود را بدست
گرفته اين دعا بخواند احطت على نفسي واهلي ومالي وولدي من
غائب وشاهد باللّه الّذي لا اله الّا هو عالم الغيب والشّهادة
الرّحمن الرّحيم الحيّ القيّوم لا تأخذه سنة ولا نوم تا آخر وقل حزنهم

در بيان تعقيبات
نماز مغرب

وهو العلی العظیم پس مهمات نماز مغرب شود قسم چون اذان نماز مغرب را بگوئی قبل از اقامه این دعا را بخوان اللهم انی اسئلک باقبال لیلک وادبار نهارک وحضور صلواتک واصوات دعاتک وتسبیح ملئکتک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تتوب علی انک انت التواب الرحیم پنجم چون شروع بنماز مغرب نماید در رکعت اولی بعد از حمد سوره نصر و تکاثر و کوهها و در ثانیه سوره توحید بخواند و بعد از سلام و تکبیرات ثلث و تسبیح فاطمه زهرا سه مرتبه بگوید این کلمات را که حضرت صادق میفرمودند الحمد لله الذی یفعل ما یشاء ولا یفعل ما یشاء غیره ششم چون شروع در نافله مغرب شود بعد از دو رکعت از نافله این دعا بخواند اللهم انک تری ولا تری وانت بالمنظر الاعلی وان الیک الرجعی والمنتهی وان لک الممات والمحیا وان لک الآخرة والاولی

اللهم

وقال الحسن ان الله فی اعقل من اکثر الناس تترجو الصباح الرشع عن ابوابها والان ان لا یرجو باوامره وکتبه ورسله

اللهم انا نعوذ بک ان نذل ونخزی ونأتی ما عنه تنهی اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد واسئلک الجنة برحمتک واستعیذ بک من النار بقدرتک واسئلک من الحور العین بعزتک وان تجعل اوسع رزقی عند کبر سنی واحسن عملی عند اقتراب اجلی واطل فی طاعتک وما یقرب منک ویحظی عندک ویزلف لدیک عمری واحسن فی جمیع احوالی واموری معرفتی ولا تکلنی الی احد من خلقک وتطول علی بقضاء جمیع حوائجی للدنیا والآخرة وابدء بوالدی وولدی وجمیع اخوانی المؤمنین فی جمیع ما سألتک لنفسی برحمتک یا ارحم الراحمین هفتم چون شروع در رکعت آخر نافله مغرب نماید در رکعت اولی بعد از حمد اول سوره حدید بخواند تا علیم بذات الصدور و در

تعقیب نماز مغرب

سئل ابو بصیر الصادق علیه السلام عن الدعاء و رفع الیدین فقال علی خمسة اوجه اما التعوذ فتستقبل القبلة بباطن کفیک واما الدعاء فی الرزق

رکعت ثانیه آخر سوره حشر را که لو انزلنا هذا القرآن را تا آخر سوره و در
سجده آخر این دو رکعت هفت مرتبه بگوید اللهم انی اسئلک بوجهک
الکریم واسمک العظیم وملکک القدیم ان تصلی علی محمد و
آل محمد وان تغفر ذنبی العظیم انه لا یغفر العظیم الا العظیم ششم
پس مشغول تعقیب نماز مغرب شود بدعائیکه حضرت فاطمه زهرا میخواندند وآن
اینست الحمد لله الذی لا یحصی مدحه القائلون والحمد لله الذی
لا یحصی نعمائه العادون والحمد لله الذی لا یؤدی حقه المجتهدون
ولا اله الا الله الاول والآخر ولا اله الا الله الظاهر والباطن
ولا اله الا الله المحیی الممیت والله اکبر ذو الطول والله اکبر ذو
البقاء الدائم والحمد لله الذی لا یدرک العالمون علمه ولا یستخف
الجاهلون حلمه ولا یبلغ المادحون مدحته ولا یصف الواصفون صفته

ولا یحسن

فتبسط کفیک وتنقض بباطنهما الی السماء واما التبتل فایماء کر باصبعک واما الابتهال فترفع یدیک تجاوز بهما رأسک واما التضرع ان تحرک اصبعک السبابة مما یلی وجهک وهو دعاء الخفیة الحدیث

ولا یحسن الخلق نعته والحمد لله ذی الملک والملکوت والعظمة
والجبروت والعز والکبریاء والجلال والبهاء والمهابة والجمال
والعز والقدرة والحول والقوة والمنة والغلبة والفضل و
الطول والعدل والحق والخلق والعلاء والرفعة والمجد والفضیلة
والحکمة والغناء والسعة والبسط والقبض والحلم والعلم و
الحجة البالغة والنعمة السابغة والثناء الحسن الجمیل والآلاء الکریمة
ملک الدنیا والآخرة والجنة والنار وما فیهن تبارک وتعالى
الحمد لله الذی علم اسرار الغیوب واطلع على ما تجن الیه القلوب
فلیس عنه مذهب ولا مهرب والحمد لله المتکبر فی سلطانه
العزیز فی مکانه المتجبر فی ملکه القوی فی بطشه الرفیع فوق عرشه
المطلع على خلقه والبالغ لما اراد من علمه الحمد لله الذی بکلماته

قال الصادق ع لزرارة ادع بهذا الدعاء في غيبة القائم عجل الله فرجه اللهم عرفني نفسك فانك ان لم تعرفني نفسك لم اعرف نبيك اللهم عرفني رسولك فانك ان لم تعرفني رسولك لم اعرف حجتك اللهم عرفني حجتك فانك ان لم تعرفني حجتك ضللت عن

قامت السموات الشداد وثبتت الارضون المهاد وانتصبت
الجبال الرواسي الاوتاد وجرت الرياح اللواقح وسار في جو السماء
السحاب ووقفت على حدودها البحار ووجلت القلوب من مخافته
وانقمعت الارباب لربوبيته تباركت يا محصي قطر المطر وورق
الشجر ومحيي اجساد الموتى للحشر سبحانك يا ذا الجلال والاكرام ما
فعلت بالغريب الفقير اذا اتاك مستجيرا مستغيثا ما فعلت
بمن اناخ بفنائك وتعرض لرضاك وغدا اليك وجثى بين
يديك يشكو اليك ما لا يخفى عليك فلا يكونن يا رب حظي من
دعائي الحرمان ولا نصيبي مما ارجو منك الخذلان يا من لم يزل
ولا يزول كما لم يزل قائما على كل نفس بما كسبت يا من
جعل ايام الدنيا تزول وشهورها تحول وسنينها تدور وانت

القائم

قال الصادق ع من تعلق قلبه بالدنيا تعلق قلبه بثلث خصال هم لا يفنى وامل لا يدرك ورجاء لا ينال

القائم لا تبليك الازمان ولا تغيرك الدهور يا من كل يوم عنده
جديد وكل رزق عنده عتيد للضعيف والقوي والشديد
قسمت الارزاق بين الخلائق فسويت بين الذرة والعصفور
اللهم اذا ضاق المقام بالناس فنعوذ بك من ضيق المقام اللهم
اذا طال يوم القيمة على المجرمين فقصر علينا ذلك اليوم كما بين
الصلوة الى الصلوة اللهم اذا ادنيت الشمس من الجماجم فكان
بينها وبين الجماجم مقدار ميل وزيد في حرها حر عشر سنين
فانا نسئلك ان تظلنا بالغمام وتنصب لنا المنابر والكراسي
نجلس عليها والناس ينطلقون في المقام امين رب العالمين
اسئلك اللهم بحق هذه المحامد الا غفرت لي وتجاوزت عني
والبستني العافية في بدني ورزقتني السلامة في ديني فاني

أسئلك ولنا واثق باجابتك إياي في مسئلتي وادعوك وانا
عالم باستماعك دعوتي فاسمع دعائي ولا تقطع رجائي ولا ترد
ثنائي ولا تخيب دعائي أنا محتاج الى رضوانك وفقير الى غفرانك
واسئلك ولا ايس من رحمتك وادعوك ولنا غير محترز
من سخطك رب واستجب لي وامنن علي بعفوك وتوفني
مسلما والحقني بالصالحين رب لا تمنعني فضلك يا منان
ولا تكلني الى نفسي مخذولا يا حنان يا رب ارحم عند
فراق الاحبة صرعتي وعند سكون القبر وحدتي وفي مفازع
القيمة غربتي وبين يديك موقوفا للحساب فاقتي رب استجير بك
من النار فاجرني رب اعوذ بك من النار فاعذني رب افرغ
اليك من النار فابعدني رب استرحمك مكروبا فارحمني رب

استغفرك

استغفرك لما جهلت فاغفر لي رب قد ابرزني الدعاء للحاجة
اليك فلا تؤيسني يا كريم يا ذا الالاء والاحسان والتجاوز سيدي
يا بر يا رحيم استجب بين المتضرعين اليك دعوتي وارحم بين
المنتحبين بالعويل عبرتي واجعل في لقائك يوم الخروج من الدنيا
راحتي واستر بين الاموات يا عظيم الرجاء عورتي واعطف
علي عند التحول وحيدا الى حفرتي انك املي وموضع طلبتي
والعارف بما اريد في توجيه مسئلتي فاقض يا قاضي الحاجات
حاجتي فاليك المشتكى وانت المستعان والمرتجى افر اليك
هاربا من الذنوب فاقبلني والتجأ اليك من عدلك الى مغفرتك
فادركني والتاذ بعفوك من بطشك فامنعني واسترح
راحتك من عقابك فنجني واطلب القربة منك بالاسلام

فَفَرِّجْنِي وَمِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فَآمِنِّي وَفِي ظِلِّ عَرْشِكَ فَظَلِّلْنِي وَكِفْلَيْنِ
مِنْ رَحْمَتِكَ فَهَبْ لِي وَمِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا فَنَجِّنِي وَمِنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَى النُّورِ فَأَخْرِجْنِي وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَبَيِّضْ وَجْهِي وَحِسَابًا يَسِيرًا
فَحَاسِبْنِي وَبِسَرَائِرِي فَلَا تَفْضَحْنِي وَعَلَى بَلَائِكَ فَصَبِّرْنِي وَكَمَا صَرَفْتَ
عَنْ يُوسُفَ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ فَاصْرِفْ عَنِّي وَمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ
فَلَا تُحَمِّلْنِي وَإِلَى دَارِ السَّلَامِ فَاهْدِنِي وَبِالْقُرْآنِ فَانْفَعْنِي وَبِالْقَوْلِ
الثَّابِتِ فَثَبِّتْنِي وَمِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَاحْفَظْنِي وَبِحَوْلِكَ وَ
قُوَّتِكَ وَجَبَرُوتِكَ فَاعْصِمْنِي وَبِحِلْمِكَ وَعِلْمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ
عَنْ جَهَنَّمَ فَنَجِّنِي وَجَنَّتَكَ الْفِرْدَوْسَ فَأَسْكِنِّي وَالنَّظَرَ إِلَى رَحْمَتِكَ
فَارْزُقْنِي وَبِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَلْحِقْنِي وَمِنَ الشَّيَاطِينِ
وَأَوْلِيَائِهِمْ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ فَاكْفِنِي اللّٰهُمَّ وَأَعْدَائِي وَمَنْ كَادَنِي

ان انو

إِنَّ أَنْوَارَ الْجِنَانِ فَنَجِّهِمْ وَفُضَّ جُمُوعَهُمْ وَكُلَّ أَسْلِحَتِهِمْ وَخَرِّبْ
دِيَارَهُمْ سَلِّطْ عَلَيْهِمُ الْعَوَاصِفَ وَالْقَوَاصِفَ أَبَدًا حَتَّى تُصْلِيَهُمُ
النَّارَ أَنْزِلْهُمْ مِنْ صَيَاصِيهِمْ أَمْكِنَّا مِنْ نَوَاصِيهِمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوٰةً يَشْهَدُ لَهَا الْأَوَّلُونَ مَعَ الْأَبْرَارِ
وَسَيِّدِ الْمُتَّقِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَقَائِدِ الْخَيْرِ وَمِفْتَاحِ الرَّحْمَةِ
اللّٰهُمَّ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ
وَالْمَقَامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنَّا التَّحِيَّةَ السَّلَامَ
سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللّٰهِ سَلَامٌ
عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ ابْنَ عَبْدِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَ
بَرَكَاتُهُ فَهُوَ كَمَا وَصَفْتَهُ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ اللّٰهُمَّ أَعْطِهِ
أَفْضَلَ مَا سَأَلَكَ وَأَفْضَلَ مَا سُئِلْتَ لَهُ وَأَفْضَلَ مَا أَنْتَ

مسئول له الی یوم القیمة آمین رب العالمین هفتم چون فارغ شدی
از تعقیب شروع در نماز غفیله دان دو رکعت است در رکعت اولی بعد از حمد
آیه و ذا النون اذ ذهب مغاضبا تا نجی المؤمنین را بخوان و در رکعت ثانیه بعد از
حمد آیه و عنده مفاتح الغیب تا کتاب مبین بخوانی پس قنوت بخوان و این دعا
اللهم انی اسئلک بمفاتح الغیب التی لا یعلمها الا انت ان تصلی علی
محمد و آل محمد ان تفعل بی کذا و کذا پس بگو اللهم انت ولی نعمتی و
القادر علی طلبتی تعلم حاجتی فاسئلک بحق محمد و آل محمد علیه
و علیهم السلام لما قضیتها لی و حاجت خود را بخواه حضرت صادق
فرمودند که هر که این نماز را بعمل آورد و حاجت از حق تعالی مسئلت نماید عطا کرده شود
فصل نهم در بیان نماز عشا و تعقیب او است چون سرخی مغرب بر طرف شد
اذان و اقامه بگو و شروع در نماز عشا و ابتدا کن بتکبیرات سبعه در رکعت اولی بعد از

حمد سوره

حمد سوره اعلی و والشمس و نحوهما بخوان و در ثانیه سوره توحید و چون سلام نماز گفتی
بعد از تکبیرات ثلثه و دعاهای تعقیب مشترکه این دعا بخوان که در حدیث صحیح از
مولای ما حضرت صادق مرویست و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
صل علی محمد و آل محمد صلوة تبلغنا بها رضوانک والجنة و تنجینا
بها من سخطک والنار اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارنی الحق
حقا حتی اتبعه و ارنی الباطل باطلا حتی اجتنبه و لا تجعلهما
علی متشابهین فاتبع هوی بغیر هدی منک و اجعل هوای
تبعا لرضاک و طاعتک و خذ لنفسک رضاها من نفسی و
اهدنی لما اختلف فیه من الحق باذنک انک تهدی من تشاء
الی صراط مستقیم اللهم صل علی محمد و آله و اهدنی فیمن
هدیت و عافنی فیمن عافیت و تولنی فیمن تولیت و بارک

لي فيما اعطيت وقني شر ما قضيت انك تقضي ولا يقضى عليك
وتجير ولا يجار عليك تم نورك اللهم فهديت فلك الحمد وعظم حلمك
فعفوت فلك الحمد وبسطت يدك فاعطيت فلك الحمد تطاع
ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتستر وتغفر انت كما اثنيت على نفسك
بالكرم والجود لبيك وسعديك تباركت وتعاليت لا ملجأ ولا
منجا منك الا اليك لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوء
وظلمت نفسي فارحمني وانت ارحم الراحمين لا اله الا انت سبحانك
اللهم وبحمدك عملت سوء وظلمت نفسي فتب علي انك انت التواب
الرحيم لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين سبحان ربك
رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب
العالمين اللهم صل على محمد وال محمد وبيتني منك في عافية و

صححني

صححني منك في عافية واسترني منك بالعافية وارزقني
تمام العافية ودوام العافية والشكر على العافية اللهم اني
استودعك نفسي وديني واهلي ومالي وولدي واهل
حزانتي وكل نعمة انعمت بها علي فصل على محمد وال محمد واجعلني
في كنفك وامنك وكلائتك وحفظك وحياطتك وكفايتك
وسترك وذمتك وجوارك وودايعك يا من لا تضيع ودايعه
ولا يخيب سائله ولا ينفد ما عنده اللهم اني ادرء بك في نحور
اعدائي وكل من كادني وبغى علي اللهم من ارادنا فارده ومن
كادنا فكده ومن نصب لنا فخذه يا رب اخذ عزيز مقتدر اللهم
صل على محمد وال محمد واصرف عني من البليات والافات و
العاهات والنقم ولزوم السقم وزوال النعم وعواقب التلف وما

طغى به الماء لغضبك وما عتت به الريح عن امرك وما اعلم
وما لا اعلم وما اخاف وما لا اخاف وما احذر وما لا احذر وما انت به
اعلم اللهم صل على محمد وآل محمد وفرج همي ونفس غمي وسل حزني
واكفني ما ضاق به صدري وما عيل به صبري وقلت به حيلتي
وضعفت عنه قوتي وعجزت عنه طاقتي وردتني فيه الضرورة
عند انقطاع الامال وخيبة الرجاء من المخلوقين اليك فصل
على محمد وآله واكفنيه يا كافيا من كل شيء ولا يكفي منه شيء
اكفني كل شيء حتى لا يبقى شيء يا كريم اللهم صل على محمد وآل
محمد وارزقني حج بيتك الحرام وزيارة قبر نبيك مع التوبة والندم
اللهم اني استودعك نفسي وديني واهلي ومالي وولدي و
اخواني واستكفيك ما اهمني وما لا يهمني واسئلك بعزتك

فما الخاف

من خلقك

من خلقك الذي لا يمن به سواك يا كريم الحمد لله الذي قضى
عني صلوة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا پس سجده نماز
وتیره را نشسته دو رکعت بجا آورد **فصل دهم** در بیان ادعیه مرویه در
نزد خواب و بیدار شدن و آن چند امر است اول چون داخل رخت خواب
شود حضرت صادق فرمودند که هر شب این دعا بخوان الحمد لله الذي
علا فقهر والحمد لله الذي بطن فخبر والحمد لله الذي ملك فقدر
والحمد لله الذي يحيي الموتى ويميت الاحياء وهو على كل شيء
قدير دوم در هر وقت که از شب خواهد بیدار شود حضرت صادق فرموده
که این آیه را بخواند ساعت مقصوده بیدار گردد و آن آیت که قل انما انا بشر
مثلكم يوحى الي انما الهكم اله واحد فمن كان يرجو لقاء ربه
فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه احدا سوم از حضرت امام

محمد باقر مرویست که کسیکه این دعا را بخواند ایمن گردد از شر عقرب و مار و موذی
بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا
ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ
رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ چهارم حضرت صادق فرمودند که از خوف احتلام
این دعا را بخوان اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الِاحْتِلَامِ وَمِنْ شَرِّ الْأَحْلَامِ
وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ پنجم حضرت امام
رضا فرمود که از خوف سقوط بیت این دعا را در وقت خواب بخوان إِنَّ
اللهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا
مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ششم حضرت رسول فرمودند
چون قرار در رخت خواب گرفتی بگو بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَبِاسْمِكَ أَمُوتُ
هفتم چون بیدار شدی بگو الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَإِلَيْهِ

النشور

النُّشُورُ هشتم حضرت صادق فرمودند که چون آواز دیک شنوی بگو سُبُّوحٌ
قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لَا
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ
لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ نهم حضرت صادق فرمودند که سرمه
کشیدن در نزد خواب امانست از نزول چشم در وقت اکتحال این
دعا را بخوان اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ النُّورَ
فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي
وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا
مَا أَبْقَيْتَنِي دهم حضرت صادق فرمودند که اگر خواب هولنکی به بینی این
کلمات بخوان إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ
بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللهِ پس بگو عُذْتُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ

ادعیه بیدار شدن از خواب و اول شب نماز شب

آنکس که هوای وصل دلبر کند کاشانه ز طول شب تار ناله زنجیر کند
شبگیر کند هر آنکه دارد خوفی منزل برسد هر آنکه شبگیر کند

یا هذا قم الی رکعتین لظلمة القبور واجهد من اسحار لوحشة یوم النشور

انتم المقربون وانبیاؤه المرسلون وعباده الصالحون من
شر ما رأيت ومن شر الشيطان الرجيم **فصل یازدهم** در بیان
بیدار شدن شب و اعمال آن و نماز شب و آداب آن و آن چند امرست
اول چون از خواب بیدار شدی بروایت نبوی سر بسجده گذارد و در سجده
یا سر برداشتن از سجده بخوان الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی
والیه النشور الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده واعبده
دویم مولای ما حضرت [illegible] ع فرمودند بعد از بیدار شدن نظر بآفاق آسمان کن
وبگو اللهم انه لا یواری عنک لیل ساج ولا سماء ذات ابراج ولا
ارض ذات مهاد ولا ظلمات بعضها فوق بعض ولا بحر لجی تدلج
بین یدی المدلج من خلقک تعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور
غارت النجوم ونامت العیون وانت الحی القیوم لا تأخذک سنة

ولا

قافله شب که رفت صبح اثر میکند قافله سالار شب عزم سفر میکند
هر که شب بار کرد زود بمنزل رسید هر که شب خواب کرد خاک بسر میکند

ولا نوم سبحان الله رب العالمین پس آیات آل عمران بخواند وآن این است
ان فی خلق السموات والارض واختلاف اللیل والنهار لآیات
لاولی الالباب الذین یذکرون الله قیاما وقعودا وعلی جنوبهم و
یتفکرون فی خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا
سبحانک فقنا عذاب النار ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته
وما للظالمین من انصار ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان
ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا
وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا
یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد سیم مشغول تطهیر شو چون از تخلی و
طهارت فارغ شدی عطر استعمال نما وقصد مصلای خود کن چهارم چون رو بقبله نشستی
دعای علی بن الحسین را که در جوف لیل میخواندند بخوان الهی غارت

نجوم سمائك ونامت عيون انامك وهدئت اصوات عبادك
وانعامك وغلقت الملوك عليها ابوابها وطاف عليها حراسها
واحتجبوا عمن يسالهم حاجة او ينتجع منهم فائدة وانت الهی
حی قيوم لا تاخذك سنة ولا نوم ولا يشغلك شیء عن شیء ابواب
سمائك لمن دعاك مفتحات وخزائنك غير مغلقات وابواب
رحمتك غير محجوبات وفوائدك لمن سئلك غير محظورات بل
هی مبذولات الهی انت الكريم الذی لا ترد سائلا من المؤمنين
سالك ولا تحتجب عن احد منهم ارادك لا وعزتك وجلالك
لا تختزل حوائجهم دونك ولا يقضيها احد غيرك اللهم وقد تراني
ووقوفی وذل مقامی بين يديك تعلم سريرتی وتطلع على
ما فی قلبی وما يصلح به امر اخرتی ودنياى اللهم ان ذكرت

الموت

الموت واهوال المطلع والوقوف بين يديك نغصنی مطعمی
ومشربی واغصنی بريقی واقلقنی عن وسادی ومنعنی
رقادی كيف ينام من يخاف ملك الموت فی طوارق الليل و
طوارق النهار بل كيف ينام العاقل وملك الموت لا ينام لا بالليل
ولا بالنهار ويطلب روحه بالبيات وفی آناء الساعات
وبعد از این دعا سجده میفرمود و روی مبارک بر خاک گذارده میفرمود اسئلك
الروح والراحة عند الموت والعفو عنی حين القاك چهارم من
اشغال شب دو رکعت نماز حضرت علی بن الحسین میکردند در رکعت اول بعد
الحمد قل هو الله احد و در ثانیه قل یا ایها الکافرون بعد از آن دعای مروی از امیر المؤمنین
را بخوان وان اینست الهی كم موبقة حلمت عن مقابلتها بنقمتك وكم
من جريرة تكرمت عن كشفها بكرمك الهی ان طال فی عصيانك

عمری وعظم فی الصحف ذنبی فانا مؤمل غیر غفرانک ولا انا
براج غیر رضوانک الهی افکر فی عفوک فتهون علی خطیئتی ثم
اذکر العظیم من اخذک فتعظم علی بلیتی آه ان انا قرأت فی
الصحف سیئة انا ناسیها وانت محصیها فتقول خذوه فیاله
من ماخوذ لا تنجیه عشیرته ولا تنفعه قبیلته آه من نار تنضج
الاکباد والکلی آه من نار نزاعة للشوی آه من غمرة من لهبات
لظی پس گریان شود و هر دعا که خواهی بکن پس برخیز بنماز شب و وقت آن بعد از
نصف شب است تا طلوع صبح هر قدر که بصبح نزدیکتر است افضل است پنجم چون اراده
شروع در نماز شب نمائی این دعا را بخوان اللهم انی اتوجه الیک بنبیک
نبی الرحمة وآله واقدمهم بین یدی حوائجی فاجعلنی بهم وجیها فی
الدنیا والآخرة لمن المقربین اللهم ارحمنی بهم ولا تعذبنی بهم واهدنی

بهم

بهم ولا تضلنی وارزقنی بهم ولا تحرمنی بهم واقض لی حوائج
الدنیا والآخرة انک علی کل شیء قدیر وبکل شیء علیم ششم
چون شروع در دو رکعت اولای نماز شب کند بهفت تکبیرات سبع اوعیه
ان عمل آورد و افضل آنست که در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سوره
توحید را بخواند و در ثانیه سوره جحد را و قنوت در هر دو رکعتی بخواند و جبر نماید در
نماز شب و رسول خدا فرمودند که اطولکم قنوتا فی دار الدنیا اطولکم راحة
یوم القیمة هفتم در قنوت فرایض و نوافل حضرت صادق این قنوت را
فرمودند الهی کیف ادعوک وقد عصیتک وکیف لا ادعوک وقد
عرفت حبک فی قلبی وان کنت عاصیا مددت الیک یدا با
لذنوب مملوة وعینا بالرجاء ممدودة مولای انت عظیم العظما
وانا اسیر الاسراء انا الاسیر بذنبی المرتهن بجرمی الهی لئن طالبتنی

بذنبي لاطالبنك بكرمك ولئن طالبتني بجريرتي لاطالبنك
بعفوك ولئن امرت بي الى النار لاخبرن اهلها اني كنت اقول لا
اله الا الله محمد رسول الله اللهم ان الطاعة تسرك والمعصية
لا تضرك فهب لي ما يسرك واغفر لي ما لا يضرك يا ارحم الراحمين
هشتم مبانه هر دو ركعتي از نماز شب اين دعا را بخواند اللهم اني اسئلك ولم
يسئل مثلك انت موضع مسئلة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين
ادعوك ولم يدع مثلك وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك
وانت مجيب دعوة المضطرين وارحم الراحمين اسئلك بافضل
المسائل وانجحها واعظمها يا الله يا رحمن يا رحيم وباسمائك
الحسنى وامثالك العليا ونعمك التي لا تحصى وباكرم اسمائك
واحبها اليك واقربها منك وسيلة واشرفها عندك منزلة

واجزلها

واجزلها لديك ثوابا واسرعها في الامور اجابة وباسمك
المكنون الاكبر الاعز الاجل الاعظم الاكرم الذي تحبه وتهويه
فترضى به عمن دعاك وتستجيب له دعاءه وحق عليك ان
لا ترد سائلك وبكل اسم هو لك في التورية والانجيل و
الزبور والفرقان العظيم وبكل اسم دعاك به حملة عرشك
وملئكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك من خلقك
ان تصلي على محمد وال محمد وان تعجل فرج وليك وابن وليك
وتعجل خزي اعدائه وان تفعل بي كذا وكذا پس تسبيح فاطمه زهرا را بجا
آورد و هر دعا كه خواهي بكن تتمه پس سجده شكر نما و در يكي از آن سجدها
بسيار خوب است كه دعاي مولاي ما علي بن الحسين را بخواني و آن اين است كه
الهي وعزتك وجلالك وعظمتك لو اني منذ بدعت فطرتي

ترسم از گریه که غرق شود مردمکم   چه حظ با صاحب مردم دریا کرا

من اول الدهر عبدتك دوام خلود ربوبيتك بكل شعرة
في كل طرفة عين سرمد الابد بحمد الخلائق وشكرهم اجمعين
لكنت مقصرا في بلوغ اداء شكر خفي نعمة من نعمك علي ولو اني
كربت معادن حديد الدنيا بانيابي وحرثت ارضها باشفار
عيني وبكيت من خشيتك مثل بحور السموات والارضين
دما وصديدا لكان ذلك قليلا في كثير ما يجب من حقك علي
ولو انك الهي عذبتني بعد ذلك بعذاب الخلائق اجمعين و
عظمت للنار خلقي وجسمي وملأت طبقات جهنم مني حتى
لا يكون في النار معذب غيري ولا يكون لجهنم حطب سواي
لكان ذلك بعدلك علي قليلا في كثير ما استوجبته من عقوبتك
و هم چون از رکعت هشتم فارغ شد این دعا را بخوان یا الله یا الله

ده مرتبه

الماء يغسل ما بالثوب من درن   البكا يغسل قلب المذنب الخطاء

ده مرتبه صل على محمد وآله وارحمني وثبتني على دينك ودين
نبيك ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني وهب لي من لدنك
رحمة انك انت الوهاب و این دعا را نیز بخوان اللهم انت الحي القيوم
العلي العظيم الخالق الرازق المحيي المميت البدئ البديع لك الكرم
ولك الجود ولك المن ولك الامر وحدك لا شريك لك يا خالق
يا رازق يا محيي يا مميت يا بدئ يا بديع اسئلك ان تصلي على محمد
وآل محمد وان ترحم ذلي بين يديك وتضرعي اليك ووحشتي
من الناس وانسي بك يا رحيم چون فارغ شد از هشت رکعت
پس مشغول نماز شفع و وتر شود و فضل اوقات آن ما بین الفجرین است و در
رکعت شفع بعد از حمد سوره توحید بخوان و چون سلام داد این دعا بخوان
الهي تعرض لك في هذا الليل المتعرضون وقصدك فيه القاصدون

دعای بعد از نماز شفع است

وأمّل فضلك ومعروفك الطالبون ولك في هذا الليل نفحات
وجوائز وعطايا ومواهب تمنّ بها على من تشاء من عبادك
وتمنعها من لم تسبق له العناية منك وها أنا ذا عبدك الفقير
إليك المؤمّل فضلك ومعروفك فإن كنت يا مولاي تفضّلت في
هذه الليلة على أحد من خلقك وعدت عليه بعائدة من
عطفك فصلّ على محمد وآله الطيبين الطاهرين الخيّرين الفاضلين
وجُد عليّ بطولك ومعروفك يا ربّ العالمين وصلّى الله على
محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين الذين أذهب الله عنهم الرجس
وطهّرهم تطهيراً إنّ الله حميد مجيد اللهم إنّي أدعوك كما أمرت
فاستجب لي كما وعدت إنّك لا تخلف الميعاد پس شروع بمفرده وتر
نما با تکبیرات افتتاحیه وادعیه آن وبعد از حمد سه مرتبه سورهٔ توحید بخوان

ومعوذتین را

ومعوذتین را نیز یکبار بخوان پس مشغول قنوت شو باگریه وخضوع ودر قنوت
خود بخوان دعای معروف بن خربوذ را که از احدهما [الباقر والصادق] علیهما السلام روایت است بسند صحیح و آن
اینست که لا إله إلا الله الحليم الكريم لا إله إلا الله العليّ العظيم سبحان
الله ربّ السماوات السبع وربّ الأرضين السبع وما فيهنّ
وما بينهنّ وربّ العرش العظيم اللهمّ أنت الله نور السماوات
والأرض وأنت الله زين السماوات والأرض وأنت الله
جمال السماوات والأرض وأنت الله عماد السماوات والأرض
وأنت الله قوام السماوات والأرض وأنت الله صريخ المستصرخين
وأنت الله غياث المستغيثين وأنت الله المفرّج عن المكروبين
وأنت الله المروّح عن المغمومين وأنت الله مجيب دعوة المضطرّين
وأنت الله إله العالمين وأنت الله الرحمن الرحيم وأنت الله

كاشف السوء وانت الله بك تنزل كل حاجة يا الله ليس يرد
غضبك الا حلمك ولا ينجي من عقابك الا رحمتك ولا ينجي منك
الا التضرع اليك فهب لي من لدنك يا الهي رحمة تغنيني بها عن
رحمة من سواك بالقدرة التي بها احييت جميع ما في البلاد و
بها تنشر ميت العباد لا تهلكني غما حتى تغفر لي وترحمني و
تعرفني الاستجابة في دعائي واذقني العافية الى منتهى اجلي و
اقلني عثرتي ولا تشمت بي عدوي ولا تمكنه من رقبتي اللهم
ان رفعتني فمن ذا الذي يضعني وان وضعتني فمن ذا الذي يرفعني
وان اهلكتني فمن ذا الذي يحول بينك وبيني او يتعرض لك
في شيء من امري فقد علمت انه ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك
عجلة وانما يعجل من يخاف الفوت وانما يحتاج الى الظلم الضعيف

وقد تعاليت عن ذلك علوا كبيرا يا الهي فلا تجعلني للبلاء غرضا
ولا لنقمتك نصبا ومهلني ونفسني واقلني عثرتي ولا تتبعني
ببلاء على اثر بلاء فقد ترى ضعفي وقلة حيلتي استعيذ بك
الليلة فاعذني واستجير بك من النار فاجرني واسئلك الجنة
فلا تحرمني پس هر دعا که خواهی بکن و هفتاد مرتبه استغفار نما و از برای چهل
نفر و زیاده از برادران مؤمن خود دعا کن بگو اللهم اغفر لفلان و فلان
و بعد هفتاد مرتبه یا صد مرتبه بگو استغفر الله ربي واتوب اليه و استغفار
را بدست راست خود بشمر و دست چپ را محاذی روی خود نگاه دار و بعد
هفت مرتبه بگو استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم بجميع ظلمي
وجرمي واسرافي على نفسي واتوب اليه و بعد از آن بگو رب
اسأت وظلمت نفسي وبئس ما صنعت وهذه يداي

يا رب جزاءً بما كسبت وهذه رقبتي خاضعة لما أتيت و
ها أنا ذا بين يديك فخذ لنفسك من نفسي الرضا حتى ترضى
لك العتبى لا أعود بعد سيصد مرتبه العفو العفو بگويد و بعد بگويد رب
اغفر لي وارحمني وتب علي إنك أنت التواب الرحيم وطول دادن
قنوت سنت است و از جمله قنوتهاى على بن الحسين ع اينست كه سيدي سيدي
هذه يداي قد مددتهما إليك بالذنوب مملوة وعيناي بالرجاء
ممدودة وحق لمن دعاك بالندم تذللا أن تجيبه بالكرم تفضلا
سيدي أمن أهل الشقاء خلقتني فأطيل بكائي أم من أهل
السعادة خلقتني فأبشر رجائي سيدي ألضرب المقامع خلقت
أعضائي أم لشرب الحميم خلقت أمعائي سيدي لو أن عبدا
استطاع الهرب من مولاه لكنت أول الهاربين منك لكني

اعلم

أعلم أني لا أفوتك سيدي لو أن عذابي مما يزيد في ملكك
لسألتك الصبر عليه غير أني أعلم أنه لا يزيد في ملكك طاعة
المطيعين ولا ينقصه معصية العاصين سيدي ما
أنا وما خطري هب لي بفضلك وجللني بسترك واعف عن
توبيخي بكرم وجهك إلهي وسيدي ارحمني مصروعا على الفراش
تقلبني أيدي أحبتي وارحمني مطروحا على المغتسل يغسلني
صالح جيرتي وارحمني محمولا قد تناول الأقرباء أطراف جنازتي
وارحم في ذلك البيت المظلم وحشتي وغربتي ووحدتي واز
جمله ادعيه در قنوت عشر و غيران اينست اللهم إن كثرة الذنوب تكف أيدينا
عن انبساطها إليك بالسؤال والمداومة على المعاصي تمنعنا
من التضرع والابتهال والرجاء يحثنا على سؤالك يا ذا الجلال

فإن لم يعطف السيد على عبده فممن يبتغي النوال فلا تردّ كفنا
المتضرعة إليك إلا ببلوغ الآمال وصلى الله على أشرف الأنبياء
والمرسلين محمد وآله الطاهرين پس ركوع نما و بعد از سر بر كردن از
ركوع وتر اين دعا بخوان هذا مقام من حسناته نعمة منك و
سيئاته بعلمه وذنبه عظيم وشكره قليل إلهي طموح الآمال
قد خابت إلا لديك ومعاكف الهمم قد تقطعت إلا عليك ومذاهب
العقول قد سمت إلا إليك فإليك الرجاء وإليك الملتجى يا
أكرم مقصود ويا أجود مسؤول هربت إليك بنفسي يا ملجأ
الهاربين بأثقال الذنوب أحملها على ظهري وما أجد لي إليك
شافعا سوى معرفتي بأنك أقرب من رجاه الطالبون
ولجأ إليه المضطرون وأمل ما لديه الراغبون يا من فتق

العقول

إني بليت بأربع ما سلطوا إلا لعظم بليتي وشقائي
إبليس والدنيا ونفسي والهوى كيف الخلاص وكلهم أعدائي

العقول بمعرفته وأطلق الألسن بحمده وجعل ما امتن به
على عباده كفاء لتأدية حقه صل على محمد وآله ولا تجعل
للهموم على عقلي سبيلا ولا للباطل على عملي دليلا برحمتك
يا أرحم الراحمين پس سجده نما و تشهد بخوان و سلام ده و تسبيح فاطمه زهرا
را بعمل آور پس بخوان دعای حزين را وان اينست أناجيك يا موجود
في كل مكان لعلك تسمع ندائي فقد عظم جرمي وقل حيائي
مولاي يا مولاي أي الأهوال أتذكر وأيها أنسى ولو لم يكن
إلا الموت لكفى كيف وما بعد الموت أعظم وأدهى مولاي يا مولاي
حتى متى وإلى متى أقول لك العتبى مرة بعد أخرى ثم لا تجد
عندي صدقا ولا وفاء فيا غوثاه ثم وا غوثاه بك يا الله
من هوى قد غلبني ومن عدو قد استكلب علي ومن دنيا

فقد تربیت لی ومن نفس امارة بالسوء الا ما رحم ربی مولای
یا مولای ان کنت رحمت مثلی فارحمنی وان کنت قبلت مثلی
فاقبلنی یا قابل السحرة اقبلنی یا من لم ازل اتعرف منه الحسنی
یا من یغذینی بالنعم صباحا ومساء ارحمنی یوم اتیك فردا
شاخصا الیك بصری مقلدا علی عملی قد تبرء جمیع الخلق منی نعم و
ابی وامی ومن کان له کدی وسعیی فان لم ترحمنی فمن یرحمنی
ومن یونس فی القبر وحشتی ومن ینطق لسانی اذا خلوت
بعملی وسالتنی عما انت اعلم به منی فان قلت نعم فاین المهرب
من عدلك وان قلت لم افعل قلت الم اکن الشاهد علیك
فعفوك عفوك یا مولای قبل سرابیل القطران عفوك عفوك
یا مولای قبل ان تغل الایدی الی الاعناق یا ارحم الراحمین

خیر

خیر الغافرین پس سجده کن و بگو اللهم صل علی محمد وآل محمد وارحم ذلی
بین یدیك وتضرعی الیك ووحشتی من الناس وانسی
بك یا کریم یا کائنا قبل کل شیء یا مکون کل شیء یا کائنا
بعد کل شیء لا تفضحنی فانك بی عالم ولا تعذبنی فانك علی
قادر اللهم انی اعوذ بك من کرب الموت ومن سوء المرجع
فی القبور ومن الندامة یوم القیمة اسئلك عیشة هنیئة
ومیتة سویة ومنقلبا کریما غیر مخز ولا فاضح اللهم مغفرتك
اوسع من ذنوبی ورحمتك ارجی عندی من عملی فصل علی
محمد وآل محمد واغفر لی یا حیا لا یموت وچون از نماز وتر فارغ
شدی شروع نما بنافله صبح رکعت اولی بعد از حمد سوره جحد ودر ثانیه بعد از حمد
سوره توحید بخوان ووقت آن تا طلوع حمره مشرقیه باقیست وچون سلام

وادی پس بر جانب راست بخواب رو بقبله مثل کسیکه در لحد بخوابد و روی
راست خود را بر روی کف دست راست خود بگذار و بگو استمسکت بالعروة
الوثقی التی لا انفصام لها واعتصمت بحبل الله المتین و اعوذ
بالله من شر فسقة العرب والعجم ومن شر فسقة الجن والانس
ربی الله ربی الله ربی الله آمنت بالله توکلت علی الله لا
حول ولا قوة الا بالله ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان
الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا حسبی الله ونعم
الوکیل اللهم من اصبح وله حاجة الی مخلوق فان حاجتی و
رغبتی الیک وحدک لا شریک لک الحمد لله رب
الصباح الحمد لله فالق الاصباح الحمد لله ناشر الارواح الحمد لله
قاسم المعاش الحمد لله جاعل اللیل سکنا والشمس والقمر

حسبانا ذلک تقدیر العزیز العلیم اللهم صل علی محمد وآل
محمد واجعل فی قلبی نورا وفی بصری نورا وعلی لسانی نورا
ومن بین یدی نورا ومن خلفی نورا ومن یمینی نورا وعن
شمالی نورا ومن فوقی نورا ومن تحتی نورا واعطنی النور
واجعل لی نورا امشی به فی الناس ولا تحرمنی نورک یوم
القیمة پس آیة الکرسی و معوذتین و پنج آیه آخر سوره آل عمران را که ان فی خلق
السموات والارض و اختلاف اللیل والنهار تا انک لا تخلف المیعاد بخواند
پس تسبیح فاطمه زهرا را بخوان و بعد صد مرتبه بگو سبحان ربی العظیم
وبحمده استغفر الله ربی واتوب الیه و بعد هفت مرتبه بگو
بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
پس سجده شکر نما و دعا بجهت برادر مؤمن خود بکن و بگو اللهم رب البحر والکلیا ل

العشر والشفع والوتر واللیل اذا یسر ورب کل شیء واله
کل شیء وخالق کل شیء وملیک کل شیء صل علی محمد وآله
وافعل بی وبفلان وفلان ما انت اهله ولا تفعل بنا ما
نحن اهله فانک اهل التقوی واهل المغفرة پس دعائی که حضرت
علی بن الحسین در صحیفه کامله بعد از نماز شب میخوانده‌اند بخوانند

فصل دوازدهم

در بیان اعمال عادات است و در آن چند امر است اول آنکه سنت در حین سر
گذاردن عمامه این دعا را بخواند که اللهم سومنی بسیماء الایمان و
توجنی بتاج الکرامة وقلدنی حبل الاسلام ولا تخلع ربقة
الایمان من عنقی و ایستاده عمامه بزند و تحت الحنک گذارد دوم در
نزد جامه پوشیدن بگوید اللهم اجعله ثوب یمن وبرکة اللهم ارزقنی
فیه شکر نعمتک وحسن عبادتک والعمل بطاعتک الحمد

لله

لله الذی رزقنی ما استر به عورتی واتجمل به فی الناس
سیم در وقتیکه جامه نو پوشد بگوید اللهم اجعله ثوب یمن وتقوی
وبرکة اللهم ارزقنی فیه حسن عبادتک وعملا بطاعتک
واداء شکر نعمتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی
واتجمل به فی الناس چهارم در حین پوشیدن زیر جامه بگوید اللهم
استر عورتی وامن روعتی واعفف فرجی ولا تجعل للشیطان
فی ذلک نصیبا ولا له الی ذلک وصولا فیصنع لی المکائد و
یهیجنی لارتکاب محارمک پنجم چون دست از برای اکل دراز کنی بگو
بسم الله الرحمن الرحیم والحمد لله رب العالمین ششم چون شروع
در اکل نماید بگوید الحمد لله الذی یطعم ولا یطعم ویجیر ولا یجار علیه
ویستغنی ویفتقر الیه اللهم لک الحمد علی ما رزقتنا من

طعام وادام فی یسر وعافیة من غیر کد منا ولا مشقة بسم الله
خیر الاسماء بسم الله رب الارض والسماء بسم الله الذی لا
یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم
اللهم اسعدنی فی مطعمی هذا بخیره واعذنی من شره وامتعنی
بنفعه وسلمنی من ضره هفتم چون از اکل فارغ میشود بگوید الحمد
لله الذی اطعمنا جائعین وسقانا فی ظامئین وکسانا فی
عارین وهدانا فی ضالین وحملنا فی راجلین وآوانا فی
ضاحین واخدمنا فی عانین وفضلنا علی کثیر من العالمین
هشتم چون خواهد آب بیاشامد بگوید الحمد لله منزل الماء من السماء
ومصرف الامر کیف یشاء بسم الله خیر الاسماء نهم چون از آب
آشامیدن فارغ شود بگوید الحمد لله الذی سقانا ماء عذبا ولم یجعله

ملحا

ملحا اجاجا بذنوبی الحمد لله الذی سقانی فارو انی واعطانی
فارضانی وعافانی وکفانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه فی
المعاد من حوض محمد صلی الله علیه وآله وتسعده بمرافقته
برحمتک یا ارحم الراحمین **فصل سیزدهم** در بیان اذکار ایام
هفته بدو روایت مرویست روایت اولی از برای رؤیت جناب حضرت
صاحب الزمان اینست یوم السبت لا اله الا الله هزار مرتبه
یوم الاحد یا حی یا قیوم هزار مرتبه یوم الاثنین اللهم صل علی محمد وآل
محمد هزار مرتبه یوم الثلثاء لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم هزار
مرتبه یوم الاربعا استغفر الله ربی واتوب الیه هزار مرتبه یوم
الخمیس سبحان اربعه هزار مرتبه یوم الجمعة یا الله هزار مرتبه صلوات
هزار مرتبه ودر حصول حاجات وایضا بجهة برآمدن مهمات وحاصل شدن

مرادات و روا شدن حاجات و گشایش کارها و تنگ شدن سرانجامها
هر روز هزار نوبت این اسماء را بخوانند که از مولای ما حضرت امام محمد
باقر منقولست بهر نیت که خواهد بخواند زینک بمطلب رسد اینست اسمای
یوم السبت یا قاضی الحاجات هزار مرتبه یوم الاحد یا مفتح الابواب هزار
مرتبه یوم الاثنین یا مسبب الاسباب هزار مرتبه یوم الثلثاء یا حی یا قیوم برحمتک
استغیث هزار مرتبه یوم الاربعا یا بدیع السموات والارض هزار مرتبه یوم
الخمیس یا ذا الجلال والاکرام هزار مرتبه یوم الجمعة لا اله الا انت سبحانک انی
کنت من الظالمین **فصل چهاردهم** در بیان عمل شب و روز شنبه اما شب
شنبه پس سنت است دو رکعت نماز در هر رکعت بعد از حمد سبح اسم ربک
و آیة الکرسی و انا انزلناه فی لیلة القدر و اما روز شنبه پس مروی است از
حضرت قائم است که فرمودند قرائت کردم در کتب آباء کرام خود که کسیکه نماز
کند

کند در روز شنبه چهار رکعت نماز بخواند در هر رکعتی بعد از حمد قل هو
الله احد و آیة الکرسی بنویسد خدای عز او را در درجه پیغمبران و صدیقان
و شهداء و صالحین و اما تسبیح روز شنبه پس آن اینست که بسم الله
الرحمن الرحیم سبحان الاله الحق سبحان القابض الباسط سبحان
الضار النافع سبحان القاضی بالحق سبحانه و بحمده سبحان العلی
الاعلی سبحان من علا فی الهواء سبحانه و تعالی سبحان الحسن
الجمیل سبحان الرئوف الرحیم سبحان الغنی الحمید سبحان الخالق البارئ
سبحان الرفیع الاعلی سبحان العظیم الاعظم سبحان من هو هکذا
و لا هکذا غیره سبوح قدوس لربی الحلیم سبحان ربی العظیم
و بحمده سبحان من هو دائم لا یسهو سبحان من هو قائم لا یلهو
سبحان من هو غنی لا یفتقر سبحان من تواضع کل شیء لعظمته

تسبیح روز شنبه

سبحان من ذل كل شيء لعزته سبحان من استسلم كل شيء
لقدرته سبحان من خضع كل شيء لملكه سبحان من انقادت له
الامور بازمتها وعوذه روز شنبه بروايت حضرت صادق اينست كه
بسم الله الرحمن الرحيم اعيذ نفسي بالله الذي لا اله الا هو
الحي القيوم تا آخر آية الكرسي بخواند وبالله رب العالمين تا آخر حمد بخواند
وبرب الفلق تا آخر سوره بخواند وبرب الناس تا آخر سوره بخواند وبالله
الاحد الصمد تا آخر سوره بخواند كذلك الله ربنا وسيدنا ومولانا
لا اله الا هو نور النور ومدبر الامور ونور السموات والارض
مثل نوره كمشكوة فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجة
كانها كوكب دري يوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية
ولا غربية يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار نور على نور

يهدي الله لنوره من يشاء ويضرب الله الامثال للناس والله
بكل شيء عليم الذي خلق السموات والارض بالحق ويوم يقول
كن فيكون قوله الحق وله الملك يوم ينفخ في الصور عالم الغيب
والشهادة وهو الحكيم الخبير الذي خلق سبع سموات طباقا
ومن الارض مثلهن يتنزل الامر بينهن لتعلموا ان الله على
كل شيء قدير وان الله قد احاط بكل شيء علما واحصى كل شيء
عددا من شر كل ذي شر معلن به او مسر ومن شر الجنة
والبشر ومن شر ما يظهر بالليل ويكمن بالنهار ومن شر
طوارق الليل والنهار ومن شر ما ينزل الحمامات والحشوش
والخرابات والاودية والصحاري والغياض والشجر وما يكون
في النهار اعيذ نفسي ومن يعنيني امره بالله مالك الملك

تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء
وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في
النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت
من الحي وترزق من تشاء بغير حساب ليس كمثله شيء وهو
السميع البصير له مقاليد السموات والارض يبسط الرزق
لمن يشاء ويقدر انه بكل شيء عليم واعوذ بالذي خلق الارض
والسموات العلى الرحمن على العرش استوى له ما في السموات
وما في الارض وما بينهما وما تحت الثرى وان تجهر بالقول فانه
يعلم السر واخفى لا اله الا هو له الاسماء الحسنى له الخلق والامر
منزل التورية والانجيل والزبور والفرقان العظيم ومن شر
كل طاغ وباغ ومنافق وشيطان وسلطان وساحر وكاهن

وناظر وناطق ومتحرك وساكن ومتكلم وساكت وناطق
وصامت ومتخيل ومتمثل ومتلون ومختص ونستجير بالله
حرزنا وناصرنا ومولانا وهو يدفع عنا الاشرار بل له ولا معز
لمن اذل ولا مذل لمن اعز وهو الواحد القهار و پس مشغول
گریستن در عزای حسین بن علی شو با ابیات محتشم و ترتیب ایام ابیات
محتشم سر بنا ذکر میشود و اینست بند اول آن و دوم آن محتشم

بند اول و دوم محتشم

باز این چه شورش است که در خلق عالم است ؛ باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین ؛ بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است
این صبح تیره باز دمید از کجا کز او ؛ کار جهان و خلق جهان جمله درهم است
گویا طلوع میکند از مغرب آفتاب ؛ کآشوب در تمامی ذرات عالم است
گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست ؛ این رستخیز عام که نامش محرم است

در بارگاه قدس که جای ملال نیست ⁂ سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است
جن و ملک بر آسمان نوحه میکنند ⁂ گویا عزای اشرف اولاد آدم است
⁂ خورشید آسمان و زمین نور مشرقین ⁂
⁂ پرورده کنار رسول خدا حسین ⁂
کشتی شکست خورده طوفان کربلا ⁂ در خاک و خون فتاده بمیدان کربلا ⁂
گر چشم روزگار برو فاش میگریست ⁂ خون میگذشت از سر ایوان کربلا ⁂
نگرفت دست دهر گلابی بغیر اشک ⁂ زان گل که شد شکفته به بستان کربلا ⁂
از آب هم مضایقه کردند کوفیان ⁂ خوش داشتند حرمت مهمان کربلا ⁂
بودند دیو و دد همه سیراب و میمکید ⁂ خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا ⁂
زان تشنگان هنوز بعیوق میرسد ⁂ فریاد العطش ز بیابان کربلا ⁂
آه از دمی که لشکر اعدا نکرد شرم ⁂ کردند رو بخیمه سلطان کربلا ⁂

شد کربلا چه منزل ارزانی جان
چیزیکه روز اول اسلام داد بر جان
تشنه آب بر لب آن تازه بهاران

اندم

⁂ اندم فلک بر آتش غیرت سپند شد ⁂
⁂ کز خوف خصم در حرم افغان بلند شد ⁂

و از ابن طاوس ره نقل شده که هر روز از ایام هفته مخصوص است بیکی و زیاده
از ائمه معصومین و زیارت ایشان در آن روز سنت است و روز شنبه
تعلق دارد بحضرت رسول و سنت است زیارت آنحضرت در آن روز
خواه از نزدیک و خواه از دور و زیارت آنحضرت بروایت حضرت امام رضا
اینست که بعد از نیت بگوید اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللهِ اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یا حَبِیبَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفْوَةَ اللهِ اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یا اَمِینَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ
نَصَحْتَ لِاُمَّتِکَ وَجاهَدْتَ فِی سَبِیلِ اللهِ وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً
حَتّیٰ اَتاکَ الْیَقِینُ فَجَزاکَ اللهُ اَفْضَلَ ما جَزیٰ نَبِیّاً عَنْ اُمَّتِهِ

اللهم صل علی محمد و آل محمد افضل ما صلیت علی ابراهیم و آل
ابراهیم انک حمید مجید و آنکه بگوید یا رسول الله هذا یوم السبت
فهو یومک و انا فیه ضیفک و جارک فاضفنی و اجرنی
فانک کریم تحب الضیافة و مامور بالاجارة فافعل ما رغبت
منک بمنزلة الله عندک و منزلتک بالاجارة عنده فانه
اکرم الاکرمین **فصل پانزدهم** در بیان عمل شب و روز یکشنبه اما
شب یکشنبه پس سنت است در او چهار رکعت نماز در هر رکعتی الحمد یکمرتبه
و آیة الکرسی یازده مرتبه حفظ فرماید او را خدای تعالی در دنیا و بیامرزد
گناه او را پس اگر بمیرد و او از روی اخلاص بخدا عطا کند او را حق تعالی شفاعة
در روز قیمة در کسیکه مخلص باشد و عطا فرماید او را چهار شهر در بهشت و اما
روز یکشنبه پس سنت است در آن چهار رکعت نماز میخواند در هر رکعتی بعد از

فاتحه

فاتحة الکتاب و آیه آخر البقره لله ما فی السموات و ما فی الارض تا آخر سوره
و چون از نماز فارغ شود بخواند آیة الکرسی را و صلوة بر محمد و آل او بفرستد
و لعن کند نصاری را صد مرتبه و حاجت خود را از حق تعالی سؤال نماید حضرت
رسول فرمودند که بنویسد از برای او حق تعالی بعدد هر مرد یهودی و زن یهودیه
عبادت یکسال و عطا فرماید او را حق تعالی ثواب هزار پیغمبر و بنویسد از برای
او بعدد هر مرد نصرانی و زن نصرانیه هزار غزوه و بگشاید از برای او [illegible]
درجات در بهشت را و اما تسبیح روز یکشنبه پس این است بسم الله
الرحمن الرحیم سبحان من ملأ الدهر قدسه سبحان من یغشی
الابد نوره سبحان من اشرق کل شیء ضوئه سبحان من دان
بدینه کل دین و لا یدان بغیر دینه سبحان من قدر بقدرته
کل قدرة سبحان من لا یوصف علمه سبحان من لا یعتدی علی

تسبیح روز یکشنبه

اهل مملکته سبحان من لا یاخذ اهل الارض بالوان العذاب
سبحان الرؤف الرحیم سبحان من هو مطلع علی خزائن القلوب
سبحان من یحصی عدد الذنوب سبحان من لا تخفی علیه خافیة
فی الارض ولا فی السماء سبحان ربی الودود سبحان الفرد الوتر
سبحان العظیم الاعظم و عوذه روز یکشنبه مروی از حضرت جواد است
بسم الله الرحمن الرحیم الله اکبر الله اکبر استوی الرب علی العرش
وقامت السموات والارض بحکمته وزهرت النجوم بامره ورست
الجبال باذنه لا یجاوز اسمه من فی السموات والارض الذی
دانت له الجبال وهی طایعة وانبعثت له الاجساد وهی بالیة
فیه احتجب عن کل غاو وباغ وطاغ وجبار وحاسد بسم
الله الذی جعل بین البحرین حاجزا واحتجب بالله الذی

جعل

جعل فی السماء بروجا وجعل فیها سراجا وقمرا منیرا و
زینها للناظرین وحفظها من کل شیطان رجیم وجعل
فی الارض جبالا اوتادا ان یوصل الی بسوء او بلیة حم حم حم
تنزیل من الرحمن الرحیم حم حم حمعسق کذلک یوحی الیک
والی الذین من قبلک الله العزیز الحکیم وصلی الله علی محمد
وآل محمد وسلم تسلیما پس مشغول گریستن در عزای حسین مظلوم
شو بابیات شور انگیز محتشم به بند سوم و چهارم آن

کاش آن زمان سرادق گردون نگون شدی ❊ وین خرگه بلند ستون بی ستون شدی
کاش آن زمان برآمدی از کوه تا بکوه ❊ سیل سیه که روی زمین قیرگون شدی
کاش آن زمان ز آه جهان سوز اهل بیت ❊ یک شعله برق خرمن گردون دون شدی
کاش آن زمان که این حرکت کرد آسمان ❊ سیماب وار روی زمین بی سکون شدی

کاش آن زمان که پیکر او شد درون خاک ❊ جان جهانیان همه از تن برون شدی
کاش آن زمان که کشتی آل نبی شکست ❊ عالم تمام غرقه دریای خون شدی
این انتقام گر نفتادی به روز حشر ❊ با این عمل معامله دهر چون شدی

آل نبی چو دست تظلم برآورند
ارکان عرش را به تزلزل درآورند

برخوان غم چو عالمیان را صلا زدند ❊ اول صلا به سلسله انبیا زدند
نوبت به اولیا چو رسید آسمان طپید ❊ زان ضربتی که بر سر شیر خدا زدند
پس آتشی ز اخگر الماس ریزها ❊ افروختند و بر حسن مجتبی زدند
وانگه سرادقی که ملک محرمش نبود ❊ کندند از مدینه و در کربلا زدند
با تیشه ستیزه در آن دشت کوفیان ❊ بس نخلها ز گلشن آل عبا زدند
پس ضربتی کزان جگر مصطفی درید ❊ بر حلق تشنه خلف مرتضی زدند

اهل

اهل حرم دریده گریبان گشوده مو ❊ فریاد بر در حرم کبریا زدند

روح الامین نهاده به زانو سر حجاب
تاریک شد ز دیدن او چشم آفتاب

و این روز تعلق دارد بحضرت امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و زیارت باید نمود ایشان را اما امیرالمؤمنین را با این زیارت مختصر زیارت نماید بعد از نیت بگوید السلام علی الشجرة النبویة والدوحة الهاشمیة المضیئة المثمرة بالنبوة المونقة بالامامة السلام علی ضجیعیک آدم و نوح السلام علیک وعلی اهل بیتک الطیبین الطاهرین السلام علیک وعلی الملائکة المحدقین بک والحافین بقبرک یا مولای یا امیرالمؤمنین هذا یوم الاحد وهو یومک وانا ضیفک فیه وجارک فاضفنی یا مولای فانک کریم تحب الضیافة ومأمو

بالاجارة فافعل ما رجوت منك بمنزلتك عند الله و
بمنزلته عندك وبحق ابن عمك رسول الله صلى الله عليه
واله و حضرت فاطمه را باین زیارت که السلام علیك یا بنت رسول
الله صلى الله عليه واله السلام علیك یا فاطمة الزهراء سیدة
نساء العالمین السلام علیك یا ممتحنة التی خلقك فوجدك لما
امتحنك صابرة وانا لك مصدقة صابر علی ما اتی به ابوك و
وصیه صلوات الله علیهما وانا اسئلك ان كنت صدقتك
الا الحقتنی بتصدیقی لهما لتسر نفسی فاشهدی انی مؤمن
بولایتك وولایة ال بیتك صلوات الله علیهم اجمعین فصل سیزدهم
در بیان عمل شب و روز ۲شنبه اما شب ۲شنبه از حضرت رسول مرویست
که هر کسی که در شب ۲شنبه ۲ رکعت نماز کند بخواند در هر رکعتی سوره فاتحة

الکتاب

الکتاب را پانزده مرتبه و سوره قل اعوذ برب الفلق را پانزده مرتبه و سوره
قل اعوذ برب الناس را پانزده مرتبه و چون از نماز فارغ شود پانزده مرتبه
آیة الکرسی را بخواند حق تعالی اسم او را در دیوان اهل جنت بنویسد و اگر از اهل
جهنم بوده باشد بیامرزد او را علانیه و بنویسد از برای او بهر آیه قرائه نموده است
حجی و عمره و مثل کسی خواهد بود که ده بنده از اولاد اسمعیل آزاد کرده باشد و
چون بمیرد شهید مرده باشد و اما روز ۲شنبه پس حضرت رسول فرمود
که هر کسی که درین روز در وقت ارتفاع نهار چهار رکعت نماز کند و بخواند
در هر رکعتی حمد و توحید و معوذتان را یکمرتبه عطا فرماید او را حق تعالی چهار خانه
در بهشت که انتصاب هر خانه در بهشت هزار ذراع بوده باشد و هر خانه چهار طبقه
بوده باشد که در هر طبقه از طبقات تختی از یاقوت سرخ بوده باشد و بر آن باشد حوریه
از حور العین و وصایف و غلمان و اشجار و اثمار و اما تسبیح روز ۲شنبه پس

عمل روز ۲شنبه

تسبیح روز ۲شنبه

بسم الله الرحمن الرحيم سبحان الله الحنان المنان الجواد سبحان
الله الكريم الاكرم سبحان الله البصير العليم سبحان الله السميع
الواسع سبحان الله على اقبال النهار واقبال الليل سبحان الله على
ادبار النهار وادبار الليل لا اله الا الله في اناء الليل واناء
النهار وله الحمد والمجد والعظمة والكبرياء مع كل نفس وطرفة
وكل لمحة سبق في علمه سبحانك عدد ذلك سبحانك زنة ذلك
وما احصى كتابك سبحانك زنة عرشك سبحانك سبحانك سبحانك
سبحان ربنا ذي الجلال والاكرام سبحان ربنا تسبيحا مقدسا زكيا
مباركا كذلك فعل ربنا سبحان الحي الحليم سبحان الذي كتب على
نفسه الرحمة سبحان الذي خلق ادم واخرجنا من صلبه
سبحان الذي يحيي الاموات ويميت الاحياء سبحان من هو

رحيم

رحيم لا يعجل سبحان من هو قريب لا يغفل سبحان من هو جواد
لا يبخل سبحان من هو حليم لا يجهل سبحان من جل ثناؤه وله
المدحة السابغة في جميع ما يثنى عليه من الحمد سبحان الله
الحليم وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين دعوه روز
دوشنبه مرويست از حضرت جواد و صادق عليهما السلم وان اينست بسم
الله الرحمن الرحيم اعيذ نفسي بربي الاكرم من الخفي وما يظهر ومن
شر كل انثى وذكر ومن شر ما رأت الشمس والقمر قدوس
قدوس رب الملائكة والروح ادعوكم ايها الجن ان كنتم سامعين
مطيعين وادعوكم ايها الانس الى اللطيف الخبير ادعوكم ايها
الجن والانس الى الذي ختمته بخاتم رب العالمين وخاتم جبرئيل
وميكائيل واسرافيل وخاتم سليمان بن داود وخاتم محمد

سید المرسلین صلی الله علیه وآله وعلیهم اجمعین واحرز عن
فلان ابن فلان ویذکر اسمه واسم ابیه کلما یغدو ویروح من دبیب سم
حی او عقرب او ساحر او شیطان رجیم او سلطان عنید لحدث
عنه ما یری ومما لا یری مما رات عین نائم او یقظان باذن الله
اللطیف الخبیر لا سلطان لکم علی امته لا شریک له وصلی الله
علی سیدنا محمد النبی وآله الطاهرین بند پنجم و ششم محتشم که به عزا
داری روز ۵ شنبه مذکور میکرد که مومن گریان گردد و آن اینست محتشم

چون خون ز حلق تشنه او بر زمین رسید ؛ جوش از زمین بذروه عرش برین رسید
نزدیک شد که خانه ایمان شود خراب ؛ از بس شکستها که بارکان دین رسید
نخل بلند او چه خسان بر زمین زدند ؛ طوفان بر آسمان ز غبار زمین رسید
باد آن غبار چون بمزار نبی رساند ؛ گرد از مدینه بر فلک هفتمین رسید

یکباره

یکباره جامه در خم گردون بنیل زد ؛ چون این خبر بعیسی گردون نشین رسید
پر شد فلک ز غلغله چون نوبت خروش ؛ از انبیا بحضرت روح الامین رسید
کرد این خیال وهم غلط کار کان غبار ؛ تا دامن جلال جهان آفرین رسید
هست از ملال گرچه بری ذات ذو الجلال ؛
او در دل است و هیچ دلی نیست بی ملال ؛

ترسم جزای قاتل او چون رقم زنند ؛ یکباره بر جریده رحمت قلم زنند
ترسم کز این گناه شفیعان روز حشر ؛ دارند شرم کز گنه خلق دم زنند
دست عتاب حق بدر آید ز آستین ؛ چون اهلبیت دست بر اهل ستم زنند
آه از دمی که با کفن خونچکان ز خاک ؛ آل علی چه شعله آتش علم زنند
فریاد از آن زمان که جوانان اهلبیت ؛ گلگون کفن بعرصه محشر قدم زنند
جمعی که زد بهم صفشان شور کربلا ؛ در حشر صف زنان صف محشر بهم زنند

از صاحب حرم چه توقع کنند باز ؛ آن ناکسان که تیر بصید حرم زنند ؛
پس بر سنان کنند سری را که جبرئیل ؛ شوید غبار عارضش از آب سلسبیل ؛

در روز دوشنبه متعلق است بحضرت امام حسن و امام حسین و سنت است در این روز زیارت ایشان بدین طریق که السلام علیکما یا ابنی رسول الله رب العالمین السلام علیکما یا ابنی امیر المؤمنین السلام علیکما یا ابنی فاطمة سیدة نساء العالمین السلام علیکما یا حبیبی الله السلام علیکما یا صفوتی الله السلام علیکما یا امینی الله السلام علیکما یا نوری الله السلام علیکما یا حجتی الله السلام علیکما یا ناصری دین الله اشهد انکما قد اقمتما الصلوة وآتیتما الزکوة وامرتما بالمعروف ونهیتما عن المنکر وجاهدتما فی الله حق جهاده وعبدتما الله مخلصین حتی اتیکما الیقین فعلیکما السلام منی

زیارت حسنین در روز دوشنبه

ما بقیت

ما بقیت وبقی اللیل والنهار انا موال لولیکما ومعاد لعدوکما سلم لمن سالمکما وحرب لمن حاربکما مؤمن بسرکما وعلانیتکما فظاهرکما وباطنکما لعن الله اعدائکما من الاولین والآخرین انا ابرء الی الله تعالی منهم یا مولای یا ابا محمد یا مولای یا ابا عبد الله هذا یوم الاثنین وهو یومکما وانا فیه ضیفکما فاضیفانی فاحسنا ضیافتی وانا فیه من جوارکما فاجرانی فانکما مأموران بالضیافة والاجارة وصلی الله علیکما وآلکما الطیبین الطاهرین ولعن من ظلمکما من الاولین والآخرین و بعد از زیارت ده رکعت نماز کند و بعد از فاتحه آیة الکرسی و قل هو الله احد و آیه شهد الله هر کدام یکبار بخواند هر چه سؤال کند باو دهند

فصل چهاردهم در بیان عمل شب و روز سه شنبه اما شب سه شنبه

حضرت رسول فرمودند که هر کسیکه در شب سه شنبه چهار رکعت نماز کند و
بخواند در رکعت اول حمد را یکمرتبه و سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را صد
مرتبه و در رکعت ثانیه حمد یکمرتبه و سوره توحید هفت مرتبه حق تعالی بیامرزد
او را و از برای او درجات رفع فرماید و از برای وی در نزد حق تعالی جمیع در بهشت
از در سعید برپا نمایند که وسیع تر از دنیا بوده باشد و اما روز سه شنبه حضرت
رسول فرمودند که هر کسیکه در روز سه شنبه شش رکعت نماز کند در هر رکعتی
بعد از حمد آمن الرسول بما انزل الیه را تا آخر یکمرتبه بخواند و یکمرتبه سوره اذا
زلزلت را بیامرزد حق تعالی همه گناهان او را حتی اینکه از دنیا بیرون رود مثل
روزیکه از مادر متولد شده باشد و اما تسبیح روز سه شنبه پس این است

تسبیح روز سه شنبه

بسم الله الرحمن الرحیم سبحان من هو فی علوه دان سبحان من
هو فی دنوه عال سبحان من هو فی اشراقه منیر سبحان من هو

فی سلطانه

فی سلطانه قوی سبحان الحلیم الجمیل سبحان الغنی الحمید سبحان
الواسع العلی سبحان الله و تعالی سبحان من یکشف الضر وهو
الدائم الصمد الفرد القدیم سبحان من علی فی الهواء سبحان الحی
الرفیع سبحان الحی القیوم سبحان الدائم الباقی الذی لا یزول سبحان
الذی لا تنقص خزائنه سبحان من لا ینفد ما عنده سبحان من لا
تبید معالمه سبحان من لا یشاور فی امره احدا سبحان من له
العزة سبحان الله العظیم سبحان الله و بحمده سبحان ذی العز
الشامخ المبین سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم سبحان ذی
الجلال الفاخر القدیم سبحان من هو فی علوه دان و فی دنوه عال
و فی اشراقه منیر و فی سلطانه قوی و فی ملکه دائم و صلی
الله علی رسوله سیدنا محمد و آله الطاهرین دعوه روز سه شنبه

سه شنبه

می‌زند مرغ دلم پر بر هوای کربلا هر که اندر دل بماند آرزوی کربلا
تشنهٔ آب فراتم ای اجل مهلت بده تا بگیرم در بغل قبر شهید کربلا

از حضرت جواد مرویست بسم الله الرحمن الرحیم اعیذ نفسی بالله
الاکبر رب السموات القائمات بلا عمد وبالذی خلقها فی یومین
وقضی فی کل سماء امرها وخلق الارض فی یومین وقدر
فیها اقواتها وجعل فیها جبالا اوتادا وجعلها فجاجا سبلا
وانشأ السحاب وسخره واجری الفلک وسخر البحر وجعل فی الارض
رواسی وانهارا من شر ما یکون فی اللیل والنهار ونعقد
علیه القلوب وتراه العیون من الجن والانس کفانا الله
کفانا الله کفانا الله لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله
علیه وآله الطاهرین وسلم تسلیما پس مشغول گریستن بر مظلوم
کربلا شو با اشعار محتشمی و این است بند هفتم و بند هشتم ان محتشم

محتشم

روزی که شد بنیزه سر آن بزرگوار ؛ خورشید سر برهنه برآمد ز کوهسار ؛

موجی

موجی بجنبش آمد و برخاست کوه کوه ؛ ابری ببارش آمد و بگریست زار زار ؛
گفتی تمام زلزله شد خاک مطمئن ؛ گفتی فتاد از حرکت چرخ بیقرار ؛
عرش اینچنان بلرزه درآمد که چرخ پیر ؛ افتاد در گمان که قیامت شد آشکار ؛
آن خیمه کز گیسوی حورش طناب بود ؛ شد سرنگون ز باد مخالف حباب وار ؛
جمعی که پاس محملشان داشت جبرئیل ؛ گشتند بی عماری محمل شتر سوار ؛
با آنکه سر زد این عمل از امت نبی ؛ روح الامین ز روی نبی گشت شرمسار ؛

؛ وانگه ز کوفه خیل الم رو بشام کرد ؛
؛ نوعی که عقل گفت قیامت قیام کرد ؛

بر حربگاه چون ره آن کاروان فتاد ؛ شور و نشور واهمه را در گمان فتاد ؛
هم بانگ نوحه غلغله در شش جهت فکند ؛ هم گریه بر ملایک هفت آسمان فتاد ؛
هر جا که بود آهوی از دشت پا کشید ؛ هر جا که بود طایر از آشیان فتاد ؛

شد وحشتی که شور قیامت بگرد رفت ؛ جیحون چشم اهل بیت بران کشتگان نثار ؛
هر چند بر تن شهدا چشم کار کرد ؛ بر زخمهای کاری تیغ و سنان فتاد ؛
ناگاه چشم دختر زهرا دران میان ؛ بر پیکر شریف امام زمان فتاد ؛
بی اختیار نعرهٔ هذا حسین ازاو ؛ سر زد چنان که آتش ازاو در جهان فتاد ؛
پس با زبان پر گله آن بضعة البتول ؛ رو در مدینه کرد که یا ایها الرسول ؛

در روز سه شنبه تعلق بحضرت امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق ع
دارد و زیارت ایشان درین سه شنبه اینست زیارت که السّلام علیکم
یا خزان علم الله السّلام علیکم یا تراجمة وحی الله السّلام علیکم یا مودع
سرّ الله السّلام علیکم یا ائمة الهدی السّلام علیکم یا اعلام التقی السّلام
علیکم یا اولاد رسول الله صلی الله علیه وآله انا عارف بحقکم
مستبصر بشأنکم معاد لاعدائکم موال لاولیائکم بابی انتم وامی صلوات

الله

الله علیکم اللهم انی اتولی آخرهم کما تولیت بها اولهم وابرء من کل
ولیجة دونهم واکفر بالجبت والطاغوت واللات والعزی
صلوات الله علیکم یا موالی ورحمة الله وبرکاته السّلام علیک
یا سید العابدین وسلالة الوصیین السّلام علیک یا باقر
علم النبیین السّلام علیک یا صادقا مصدقا فی القول والفعل
یا موالی هذا یومکم وهو یوم الثلثاء وانا فیه ضیف لکم و
مستجیر بکم فاضیفونی واجیرونی بمنزلتکم عند الله وبمنزلته
عندکم واهل بیتکم الطیبین الطاهرین وصلی الله علی محمد
وآله اجمعین و بعد از زیارت چهار رکعت نماز کند و در هر رکعتی بعد از
فاتحه آیة الکرسی و انا انزلناه و قل هو الله هر کدام یکبار بخواند خدای تعالی گناهان
گذشته و آینده او را بیامرزد فصل هجدهم در بیان عمل شب روز

چهارشنبه اما شب چهارشنبه حضرت رسول ص فرمودند که هر کسی که در شب
چهارشنبه چهار رکعت نماز گذارد و بخواند در هر رکعتی بعد از حمد اذا السماء
انشقت را و چون بسجده رسد سجده نماید بیرون رود از گناهان خود مثل
روزیکه از مادر متولد شده باشد و موکل سازد حق تعالی از برای او هر آیه
عبادت یکسال و اما روز چهارشنبه حضرت رسول ص فرمودند که هر کسی که
در روز چهارشنبه چهار رکعت نماز گذارد و بخواند در هر رکعتی فاتحة الکتاب
و قل هو الله احد و انا انزلناه هر یک را یک مرتبه توبه او را از همه گناهان
حق تعالی قبول فرماید و زنی از حور العین بوی عطا فرماید و اما تسبیح روز چهار

تسبیح روز چهارشنبه

شنبه پس این است بسم الله الرحمن الرحیم سبحان من تسبح له الانعام
باصواتها یقولون سبوحا قدوسا سبحان الملک الحق المبین
سبحان من تسبح له البحار بامواجها سبحانک ربنا و بحمدک سبحان

من تسبح له ملائکة السموات باصواتها سبحان المحمود فی کل مقالة
سبحان الذی یسبح له الکرسی و ما حوله و ما تحته سبحان الملک
الجبار الذی ملأ کرسیه السموات السبع و الارضین السبع
سبحان الله بعدد ما سبحه المسبحون و الحمد لله بعدد ما کبره المکبرون
و استغفر الله بعدد ما استغفره المستغفرون و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم بعدد ما مجده الممجدون و ما قال القائلون
و صلی الله علی محمد و آل محمد بعدد ما صلی علیه المصلون سبحانک
لا اله الا انت تسبح لک الدواب فی مراعیها و الوحوش فی
مظانها و السباع فی فلواتها و الطیر فی وکورها سبحانک لا
اله الا انت تسبح لک البحار بامواجها و الحیتان فی میاهها
و المیاه علی مجاریها و الهوام فی اماکنها سبحانک لا اله الا انت

الجواد الذی لا یبخل الغنی الذی لا یعدم الجدید الذی لا یبلی الحمد لله
الباقی الذی تسربل بالبقاء الدائم الذی لا یفنی العزیز الذی
لا یزول الملک الذی لا یزول سبحانک لا اله الا انت القائم الذی
لا یغفل الدائم الذی لا یبید العلیم الذی لا یرتاب البصیر الذی لا یضل
الحلیم الذی لا یجهل سبحانک لا اله الا انت الحکیم الذی لا یحیف الرقیب
الذی لا یسهو المحیط الذی لا یلهو الشاهد الذی لا یغیب سبحانک
لا اله الا انت القوی الذی لا یرام العزیز الذی لا یضام السلطان
الذی لا یغلب المدرک الذی لا یدرک الطالب الذی لا یعجز

عوذه روز چهارشنبه

وعوذه روز چهارشنبه از حضرت جواد و حضرت صادق علیهما السلم مرویست
وان اینست بسم الله الرحمن الرحیم اعیذک یا فلان بن فلانه
بالاحد الاحد الصمد من شر ما نفث و عقد و من شر ابی مرة و

ولد

ما ولد اعیذک بالواحد الاعلی مما رأت عین و مما لم تره و اعیذک
بالفرد الکبیر من شر من اراک بامر عسیر انت یا فلان بن فلانه
فی جوار الله العزیز الجبار الملک القدوس القهار السلام المؤمن
المهیمن العزیز الجبار المتکبر عالم الغیب والشهادة الکبیر المتعال
هو الله لا شریک له و ان محمدا رسوله صلی الله علیه و
آله و سلم و علیهم السلم و رحمة الله و برکاته ترکیب بند مرثیه داری
مظلوم کربلا [illegible] از محتشم به بند نام محتشم و دیوان وآن اینست محتشم علیه الرحمه

این کشته فتاده بهامون حسین تست ؛ این صید دست و پا زده در خون حسین تست
این نخل تر کز آتش جان سوز تشنگی ؛ دود از زمین رسانده بگردون حسین تست
این ماهی فتاده بدریای خون که هست ؛ زخم از ستاره بر تنش افزون حسین تست
این غرقه محیط شهادت که روی دشت ؛ از موج خون او شده گلگون حسین تست

این خشک لب فتاده ممنوع از فرات ٭ کز خون او زمین شده جیحون حسین تست

این شاه کم سپاه که با خیل اشک و آه ٭ خرگاه ازین جهان زده بیرون حسین تست

این قالب طپان که چنین مانده بر زمین ٭ شاه شهید ناشده مدفون حسین تست

پس روی در بقیع بزهرا خطاب کرد ٭

وحش زمین و مرغ هوا را کباب کرد ٭

ایمونس شکسته دلان حال ما ببین ٭ ما را غریب و بیکس و بی آشنا ببین ٭

اولاد خویش را که شفیعان محشرند ٭ در ورطهٔ عقوبت اهل جفا ببین ٭

در خلد بر حجاب دو کون آستین فشان ٭ وندر جهان مصیبت ما بر ملا ببین ٭

نی نی ورا چه بر جزو آن بحر بلا ٭ طوفان سیل فتنه و موج بلا ببین ٭

تنهای کشتگان همه در خاک و خون نگر ٭ سرهای سروران همه بر نیزه ها ببین ٭

آن سر که بود بر سر دوشش نبی مدام ٭ یک نیزه اش ز دوش مخالف جدا ببین ٭

آن تن که بود پرورشش در کنار تو ٭ غلطان بخاک معرکهٔ کربلا ببین ٭

با بضعة الرسول ز ابن زیاد داد ٭ کو خاک اهل بیت رسالت بباد داد ٭

زیارت روز چهارشنبه

و روز چهارشنبه تعلق دارد بحضرت امام موسی کاظم و امام رضا و امام محمد تقی و امام علی النقی و زیارت ایشان سنت است باین زیارت که السلام علیکم یا اولیاء الله السلام علیکم یا حجج الله السلام علیکم یا نور الله فی ظلمات الارض السلام علیکم یا امناء الله السلام علیکم یا خلفاء رسول الله صلوات الله علیکم وعلی آل بیتکم الطیبین الطاهرین بابی انتم وامی لقد عبدتم الله مخلصین وجاهدتم فی الله حق جهاده حتی اتیکم الیقین فلعن الله اعدائکم من الجن والانس اجمعین یا مولای موسی ابن جعفر ویا مولای علی بن موسی ویا مولای محمد ابن علی ویا مولای علی بن محمد انا مولی لکم مؤمن بسرکم

وجارکم متضیّف فی یومکم هذا وهو یوم الاربعاء ومستجیر
بکم فاضیفونی واجیرونی بآل بیتکم الطیبین الطاهرین **فصل**
نوزدهم در بیان عمل شب و روز پنجشنبه اما شب پنجشنبه هر کسیکه در شب پنجشنبه میان
نماز مغرب و عشا دو رکعت نماز کند و بخواند در هر رکعتی صد مرتبه سوره حمد را
و بروایت دیگر یکمرتبه سوره حمد را و پنج مرتبه آیة الکرسی را و هر یک از سوره قل یا ایها
الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را پانزده
مرتبه و چون از نماز فارغ شود پانزده مرتبه استغفار کند و ثواب این نماز را هدیه
کند از برای والدین خود پس بتحقیق که حق والدین را ادا نموده و بگوید اللّهم اجعل
ثوابهما لوالدیّ پس عطا فرماید حق تعالی او را آن ثواب را که بشهدا عطا فرماید
الحدیث و نماز روز پنجشنبه از حضرت امام حسن عسکری مرویست که هر کسیکه در روز
پنجشنبه ده رکعت نماز کند و بخواند در هر رکعتی فاتحة الکتاب و سوره قل هو الله

احد ده

تسبیح روز پنجشنبه

احد ده مرتبه ملکی براو گویند سؤال نما که عطا کرده شوی و اما تسبیح روز پنجشنبه
پس آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم سبحانک لا اله الا انت الواسع
الذی لا یضیق البصیر الذی لا یضل النور الذی لا یخمد سبحانک
لا اله الا انت الحیّ الذی لا یموت القیّوم الذی لا یهن الصمد الذی
لا یطعم سبحانک لا اله الا انت ما اعظم شانک واعزّ سلطانک
واعلی مکانک وانفذ ملکک سبحانک لا اله الا انت ما ابرّک و
ارحمک واحلمک واعلمک واسمعک واعدلک واسمحک و
اجلّک واکرمک واعزّک واعلاک واقواک وابصرک سبحانک لا
اله الا انت ما اکرم عفوک واعظم تجاوزک سبحانک لا اله الا انت
ما اوسع رحمتک واکثر فضلک سبحانک لا اله الا انت ما
انعم آلائک واسبغ نعمائک سبحانک لا اله الا انت ما افضل ثوابک

واجزل عطائک سبحانک لا اله الا انت ما اوسع حجتک واوضح
برهانک سبحانک لا اله الا انت ما اشد اخذک واوجع عقابک
سبحانک لا اله الا انت تسبح لک السموات السبع والارضون
السبع سبحانک لا اله الا انت القریب فی علوک المتعالی فی دنوک
المتدانی دون کل شیء من خلقک سبحانک لا اله الا انت القریب
قبل کل شیء والدائم مع کل شیء والباقی بعد فناء کل شیء سبحانک
لا اله الا انت تصاغر کل شیء لجبروتک وانقاد کل شیء لسلطانک
وذل کل شیء لعزتک وخضع کل شیء لملکک واستسلم کل
شیء لقدرتک سبحانک لا اله الا انت ملکت الملوک بعظمتک
وقهرت الجبابرة بقدرتک وجللت العظماء بعزتک سبحانک
لا اله الا انت تسبیحا یفضل علی تسبیح المسبحین کلهم من اول

الدهر

الدهر الی آخره وملء السموات والارضین وملء ما خلقت
وملء ما قدرت سبحانک لا اله الا انت تسبح لک السموات باقطارها
والشمس فی مجاریها والقمر فی منازله والنجوم فی سیرانها
والفلک فی معارجه سبحانک لا اله الا انت یسبح لک النهار
بضوئه واللیل بدجاه والنور بشعاعه والظلمة بغموضها
سبحانک لا اله الا انت تسبح لک الریاح فی مهبها والسحاب
بامطارها والبرق بخطافه والرعد بارزامه سبحانک لا
اله الا انت تسبح لک الارض باقواتها والجبال باطوارها و
الاشجار باوراقها والمراعی فی منابتها سبحانک وبحمدک لا اله
الا انت وحدک لا شریک لک عددما سبحک شیء وکما تحب
یا رب ان تحمد وکما ینبغی لعظمتک وکبریائک وعزک وقوتک

وقدرتك وصلى الله على رسوله محمد خاتم النبيين وآله
اجمعين وعوذه روز پنجشنبه اين است بسم الله الرحمن الرحيم اعيذ
نفسي برب المشارق والمغارب من كل شيطان مارد و
قائم وقاعد وعدو وحاسد ومعاند وينزل عليكم من السماء
ماء ليطهركم به ويذهب عنكم رجز الشيطان وليربط على قلوبكم
ويثبت به الاقدام اركض برجلك هذا مغتسل بارد وشراب
وانزلنا من السماء ماء طهورا لنحيي به بلدة ميتا ونسقيه
مما خلقنا انعاما واناسي كثيرا الان خفف الله عنكم فسيكفيكهم
الله وهو السميع العليم لا اله الا الله والله غالب على امره ولا
غالب الا الله لا اله الا الله محمد رسول الله اعوذ بعزة الله
واعوذ بقدرة الله واعوذ برسول صلى الله عليه وآله

وسلم تسليما اين غزل نالوزاري شود در ذكر مصايب غريب كربلا
بمراثي محتشم اين است بند يازدهم و دوازدهم محتشم

اي چرخ غافلي كه چه بيداد كرده : وز كين چها در اين ستم آباد كرده
در طعنت اين بس است كه با عترت رسول : بيداد كرده خصم تو امداد كرده
اي زاده زياد نكرده است هيچكه : نمرود اين عمل كه تو شداد كرده
كام يزيد داده از كشتن حسين : بنگر كه را بقتل كه دلشاد كرده
بهر خسي كه بار درخت شقاوت است : در باغ دين چه با گل شمشاد كرده
حلقي كه سوده لعل لب خود بدان نبي : آزرده اش بخنجر فولاد كرده
با دشمنان دين نتوان كرد آنچه تو : با مصطفى و حيدر و اولاد كرده
ترسم ترا دميكه بمحشر در آورند
از آتش تو دود بمحشر در آورند

خاموش محتشم كه دل سنگ آب شد : بنياد صبر و خانه طاقت خراب شد
خاموش محتشم كه از اين شعر خونچكان : در ديده اشك مستمعان خون ناب شد
خاموش محتشم كه از اين حرف سوزناك : مرغ هوا و ماهي دريا كباب شد
خاموش محتشم كه از اين نظم گريه خيز : روي زمين باشك جگرگون خضاب شد
خاموش محتشم كه ز سوز تو آفتاب : از آه سرد ماتميان ماهتاب شد
خاموش محتشم كه فلك بسكه خون گريست : دريا هزار مرتبه گلگون حباب شد
خاموش محتشم كه ز ذكر غم حسين : جبريل را ز روي پيمبر حجاب شد
تا چرخ سفله بود خطائي چنين نكرد : با هيچ آفريده جفائي چنان نكرد

در روز پنجشنبه تعلق بحضرت امام حسن عسكري دارد و زيارت آن حضرت اين است كه
السلام عليك يا ولي الله وخاصته السلام عليك يا حجة الله
وخالصته السلام عليك يا امام المؤمنين ووارث الانبياء

والمرسلين وحجة رب العالمين صلى الله عليك وعلى اهل بيتك
الطيبين الطاهرين يا مولاي يا ابا محمد الحسن بن علي انا مولى
لك ولآل بيتك وهذا يومك وهو يوم الخميس وانا ضيفك فيه
ومستجير بك فيه فاحسن ضيافتي واجارتي بحق آل بيتك الطيبين
الطاهرين **فصل بيستم** در بيان عمل شب و روز جمعه اما شب جمعه
پس حضرت رسول فرموده‌اند كه هر كسيكه در شب جمعه دو ركعت نماز بگذارد
در هر ركعتي يكمرتبه سوره حمد را بخواند و يكمرتبه آية الكرسي را و پانزده مرتبه سوره قل
هو الله احد را و بگويد در آخر نماز خود هزار مرتبه اللهم صل على محمد وآل محمد عطا فرمايد حق تعالى
او را شفاعت هزار [illegible] و بنويسد از براي او ثواب ده حج و ده عمره و عطا فرمايد حق تعالى
براو قصري در بهشت كه وسعت او مانند شهري از شهرهاي دنيا بوده باشد و اما
روز جمعه هر كسيكه دو ركعت نماز در روز جمعه بعمل آورد در هر ركعت سوره

عمل روز جمعه [illegible]

حمد را چهار مرتبه و آیة الکرسی را سه مرتبه و سوره توحید را سه مرتبه و آخر
سوره حشر را سه مرتبه از لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره پس چون
بنشیند و تشهد را ادا نماید و ثنای بر خدای عز و جل آورد و صلوة بر نبی و آل
اطهار او بفرستد و از برای مؤمنان دعا کند و بعد از آن دعا کند باین نوع که بگوید
اللّهمّ انّی اسئلک بحقّ کلّ اسمٍ هو لک یحقّ علیک اجابة الدعاء
اذا دُعیتَ به واسئلک بکلّ ذی حقٍّ علیک واسئلک بحقّک
علی جمیع من هو دونک ان تفعل بی کذا وکذا و این نماز را حضرت رسول
تعلیم فرمود بعلی بن ابی طالب و بفاطمه و فرمود که بجا آرید مخصوص ساعتی شما را
بگزین از خیر از الخیرها که حق تعالی مرا تعلیم نموده و بمن عطا فرموده است و شما حفظ
نمایید او را عرض کردند بلی یا رسول الله پس حضرت این نماز را از برای ایشان بیان
فرمود و این نمازهای یوم و لیله ایام هفته را ابن طاوس در کتاب جمال ایراد

فرموده

تسبیح یوم الجمعه

فرموده است و اما آداب یوم الجمعه سنت است خواندن دعائیکه وارد
شده است از آن جمله است دعای امیر المؤمنین و دعای سید سجاد و دعای امام
موسی کاظم که در کتب مبسوطه مذکور است و در این وجیزه بجهت اختصار تسبیح
یوم الجمعه و عوذه آن ایراد میگردد اما تسبیح یوم الجمعه پس بروایت شیخ کفعمی است
بسم الله الرحمن الرحیم سبحان من لبس العزّ وتأزّر به سبحان من تعطّف
بالمجد وتکرّم به سبحان من لا ینبغی التسبیح الّا له سبحان من احصی
کلّ شیءٍ بعلمه سبحان ذی الطَّول والفضل سبحان ذی المنّ والنّعم
سبحان ذی القدرة والکرم اللّهمّ انّی اسئلک بمعاقد العزّ من عرشک
ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم وذکرک الاعلی و
بکلماتک التامّة وتمّت کلماتک صدقاً وعدلاً لا مبدّل لکلماتک
انّک انت العزیز الحکیم ذو الجلال والاکرام اسئلک بما لا یعدله

شیءٌ من مسائلک ان تصلّی علی محمّدٍ وآل محمّدٍ وان تجعل لی من امری
فرجاً ومخرجاً وان توسّع علی رزقی فی یسرٍ منک وعافیةٍ سبحان
الحیّ الحلیم سبحان الحلیم الکریم سبحان الباعث الوارث سبحان الله
العلیّ العظیم سبحانه وبحمده اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ وآل محمّدٍ کما صلّیت و
بارکت علی ابراهیم وآل ابراهیم انّک حمیدٌ مجیدٌ و امّا عوذه یوم

عوذه یوم الجمعه

الجمعه که مرویست از حضرت جواد اینست بسم الله الرحمن الرحیم لا حول
ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم اللّهمّ ربّ الملائکة والرّوح والنّبیّین
والمرسلین وقاهر من فی السّموات والارضین وخالق کلّ شیءٍ و
مالکه کفّ عنّا بأس اعدائنا ومن اراد بنا سوءً من الجنّ و
الانس واعم ابصارهم وقلوبهم واجعل بیننا وبینهم حجاباً وحرساً
ومدفعاً انّک ربّنا ولا حول ولا قوّة الّا بالله علیه توکّلنا والیه

انبنا

انبنا وهو العزیز الحکیم ربّنا وعافنا من کلّ سوءٍ ومن شرّ
کلّ دابّةٍ انت آخذٌ بناصیتها ومن شرّ ما سکن فی اللّیل والنّهار
ومن شرّ کلّ سوءٍ ومن شرّ کلّ ذی شرٍّ ربّ العالمین واله
المرسلین صلّ علی محمّدٍ وآله اجمعین واولیائک وخصّ محمّداً
وآله باتمّ ذلک ولا حول ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم بسم
الله وبالله ومن الله والی الله ومن بالله وبالله اعوذ وبالله اعتصم
وبالله استجیر بعزّة الله ومنعته امتنع من شیاطین الانس و
الجنّ ورجلهم وخیلهم ورکضهم وعطفهم ورجعتهم وکیدهم و
شرّهم وشرّ ما یأتون به تحت اللّیل والنّهار من البعد والقرب
ومن شرّ الغائب والحاضر والشّاهد والزّائر احیاءً وامواتاً اعمی
وبصیراً ومن شرّ العامّة والخاصّة ومن شرّ نفسی ووسوستها

ومن شر الدناهش والحيس واللمس واللبيس ومن عزين الجن و
لأنس وبالاسم الذي اهتز له عرش بلقيس واعيذ ديني و
نفسي وجميع ما تحوطه عنايتي ومن شر كل صورة وخيال او بياض
او سواد او تمثال او معاهد او غير معاهد ممن سكن الهواء و
السحاب والظلمات والنور والظل والحرور والبر والبحر والسهل و
الوعور والخراب والعمران والآجام والآكام والغياض والكنائس
والنواويس والفلوات والجبانات ومن الصادرين والواردين
ممن يبدو بالليل وينتشر بالنهار وبالعشي والابكار وبالغدو
والآصال والمريبين والاساورة والافاترة والفراعنة والابالسة
ومن جنودهم وازواجهم وعشايرهم وقبايلهم ومن همزهم ولمزهم
ونفثهم ووقاعهم واخذهم وسحرهم وضربهم وعبثهم ولحمهم واحتيالهم

واخلافهم

واخلافهم ومن شر كل ذي شر من السحرة والغيلان وام الصبيان
وما ولدوا وما قد ذرءوا ومن شر كل ذي شر داخل وخارج و
عارض ومتعرض وساكن ومتحرك وضربان عرق وصداع وشقيقة
وام ملدم والحمى والمثلثة والربع والغب والنافضة والصالبة
والداخلة والخارجة ومن شر كل دابة انت آخذ بناصيتها انك
على صراط مستقيم وصلى الله على محمد وآل محمد وسلم تسليما

گنجوی گوید مشغول عزاداری شو باین ابیات جگر گداز که بخاطر میآورد آن زمانی را
که زینب خواهر حسین مظلوم کربلا را در بر گرفته و روی بجا در خود کرده و بزبان حال میگفت که

ای بانوی بهشت بیا حال ما ببین ؛ ما را بصد هزار بلا مبتلا ببین ؛
در انتظار وعده محشر چه مانده ؛ بنگر بما و شور قیامت بیا ببین ؛
بنگر کجا بزار جوانان هاشمی ؛ مردانشان شهید و زنان در عزا ببین ؛

آن گلشنی که از دم روح الامین شکفت ؛ خشک از سموم حادثه کربلا ببین ؛
وان سینه که مخزن علم رسول بود ؛ از شست کین نشانه تیر بلا ببین ؛
وان گردنی که داشت حمایل ز دست تو ؛ چون اسمعیل بریده ز تیغ جفا ببین ؛
با این جفا نشد پشیمان وفا نگر ؛ با این خطا نزند دم از دین حیا ببین ؛
لختی چه داد شرح غم دل بمادرش ؛ آورد رو بجانب پاک برادرش ؛

پس رو بر نعش حسین مظلوم نموده بزبان حال گفت

ای جان پاک بی تو مرا جان بتن دریغ ؛ از تیغ ظلم کشته تو و زنده من دریغ ؛
عریان چرا است این تن سیمین که بود ؛ بر کشتگان آل پیمبر کفن دریغ ؛
شیر خدا گلاب خورش کرده گر چرخ ؛ ننگین بخون یوسف من پیرهن دریغ ؛
خشک از سموم حادثه گلزار اهل بیت ؛ خرم ز سبزه دامن ربع و دمن دریغ ؛
آل نبی غریب و بدست ستم اسیر ؛ آل زیاد کامروا در وطن دریغ ؛

کرد

کرد آفتاب یثرب و بطحا غروب یافت (?) ؛ شعر ازین شام باز سهیل از یمن دریغ ؛
غلطان ز تیغ ظلم سلیمان بخاک و خون ؛ وز خون او حنا بکف اهرمن دریغ ؛
گفتم ز صد یکی ز تو حال دل خراب ؛ تا حشر ماند بر دل من حسرت جواب ؛

در روز جمعه متعلق است بقائم آل محمد حضرت صاحب الزمان و زیارت آن حضرت
است در این روز باین زیارت او را زیارت کنید که السلام علیک یا
حجة الله في ارضه السلام عليك يا عين الله في خلقه السلام عليك
يا نور الله الذي به يهتدي المهتدون ويفرج به المؤمنون
السلام عليك ايها المهذب الخائف السلام عليك ايها الولي الناصح
السلام عليك ايها السفينة النجاة السلام عليك يا عين الحيوة
السلام عليك يا معدن العلوم النبوية السلام عليك يا موضع الاسرار
الربانية صلى الله عليك وعلى آل بيتك الطيبين الطاهرين

السلام عليك عجل الله لك ما وعدك من النصر وظهور الامر
السلام عليك يا مولاي انا مولى لك عارف باوليك واخريك
اتقرب الى الله بك وبآل بيتك وانتظر ظهورك وظهور الحق
على يديك واسئل الله ان يصلي على محمد وآل محمد وان يجعلني
من المنتظرين لك والتابعين والناصرين لك على اعدائك
والمستشهدين بين يديك في جملة اوليائك يا مولاي يا صاحب
الزمان صلوات الله وسلامه عليك وعلى آل بيتك هذا يوم
الجمعة وهو يومك المتوقع فيه ظهورك والفرج فيه للمؤمنين
على يديك وقتل الكافرين بسيفك وانا يا مولاي فيه ضيفك
وجارك وانت يا مولاي كريم من اولاد الكرام ومامور بالضيافة
والاجارة فاضفني واجرني صلوات الله عليك وعلى آل بيتك

الطيبين

الطيبين الطاهرين **فصل بیست یکم** در اعمالیکه سزاوارست که در یوم
الجمعه بعمل آید وان چند عمل است اول نماز رسول الله است حضرت صادق ع
فرمودند که آن دو رکعت است در هر رکعتی بعد از حمد سوره قدر را پانزده مرتبه
بخواند ودر رکوع پانزده مرتبه ودر سر برداشتن از رکوع پانزده مرتبه ودر
سجود ودر سر برداشتن از سجود در هر یک پانزده مرتبه یعنی سوره قدر را
وبعد از نماز این دعا بخواند که لا اله الا الله الها واحدا ونحن له مسلمون
لا اله الا الله لا نعبد الا اياه مخلصين له الدين ولو كره الكافرون
لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده ونصر عبده واعز جنده
وهزم الاحزاب وحده له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير
اللهم نور السموات والارض ومن فيهن فلك الحمد وانت قيام
السموات والارض ومن فيهن فلك الحمد وانت الحق وقولك

الحق ووعدك الحق ولقاؤك حق والجنة حق والنار حق اللهم
لك اسلمت وبك امنت وعليك توكلت وبك خاصمت و
اليك حاكمت يا رب يا رب يا رب اغفر لي ما قدمت وما اخرت
وما اسررت وما اعلنت انت الهي لا اله الا انت صل على محمد و
ال محمد واغفر لي وارحمني وتب علي انك انت التواب الرحيم دوم

صلوة علی علیه السلام

نماز امیر المومنان است و آن چهار رکعت است بدو سلام و در هر رکعتی بعد از
حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و بعد از سلام بگوید سبحان من لا تبید
معالمه سبحان من لا تنقص خزائنه سبحان من لا اضمحلال لفخره سبحان
من لا ینفد ما عنده سبحان من لا انقطاع لمدته سبحان من لا یشارک
احدا فی امره سبحان من لا اله غیره سیم نماز حضرت فاطمه زهرا است

صلوة الزهرا

و آن دو رکعت است در رکعت اولی بعد از حمد صد مرتبه سوره انا انزلناه فی لیلة

القدر را

القدر را بخواند و در رکعت ثانیه بعد از حمد صد مرتبه سوره توحید را و بعد از سلام
بگوید سبحان ذی العز الشامخ المنیف سبحان ذی الجلال الباذخ
العظیم سبحان ذی الملک الفاخر القدیم سبحان من لبس البهجة
والجمال سبحان من تردی بالنور والوقار سبحان من یری اثر
النمل فی الصفا سبحان من یری وقع الطیر فی الهواء سبحان من

صلوة الحسین علیه السلام

هو هكذا ولا هكذا غيره چهارم نماز حضرت امام حسین است و آن چهار
رکعت است و در رکعت اولی پنجاه مرتبه سوره حمد را بخوان و چون رکوع
کردی ده مرتبه سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد را بخوان چون سر از
رکوع برداری باز ده مرتبه سوره حمد و ده مرتبه توحید را بخوان و همچنان در سجده
و همچنین در سر برداشتن از سجده و همچنین در سجده ثانیه و همچنین در سر
برداشتن از سجده ثانیه و همچنین بعمل می آورد جمیع رکعات را پنجم نماز جعفر

صلوة جعفر علیه السلام

طیار است و این نماز چهار رکعت است بدو سلام در رکعت اولی بعد از حمد سوره
اذا زلزلت و در رکعت دوم بعد از حمد سوره والعادیات و در سیم بعد از حمد
سوره اذا جاء و در چهارم سوره قل هو الله احد این روایت مصباح است و در
فقیه چنین در رکعت اولی بعد از حمد اذا زلزلت و در دوم اذا جاء نصر الله و در
سیم انا انزلناه و در چهارم قل هو الله احد و چون از قرائت فارغ گردد در رکعت
اولی پیش از رکوع پانزده مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا
اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ آنگه رکوع کند و ده بار در رکوع بگوید همان تسبیح را و چون
سر از رکوع بردارد ده بار بگوید و چون بسجده رود در سجدهٔ اول ده بار
بگوید و بعد از رفع راس از سجده اول ده بار و در سجده دوم ده بار و در رفع راس
از سجده دوم ده بار و سه رکعت دیگر را بهمین کیفیت بعمل آورد و در سجده
دوم رکعت چهارم چون از تسبیح فارغ شدی بگو سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ

دعای سجدهٔ آخر نماز جعفر

والوقار

وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي
التَّسْبِيحُ اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ اَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَ
النِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ
ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَ
مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ
الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَاَنْ
تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا و چون از نماز جعفر فارغ شدی بعد از تسبیح زهرا این دعا
بخوان بخشوع و اندوه يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ
الْاَصْوَاتُ وَيَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَاْنٍ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَاْنٌ عَنْ
شَاْنٍ يَا مُدَبِّرَ الْاُمُورِ يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا مُحْيِيَ الْعِظَامِ وَ
هِيَ رَمِيمٌ يَا بَطَّاشُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ يَا فَعَّالًا لِمَا يُرِيدُ يَا رَازِقَ

تعقیب نماز جعفر

من يشاء بغير حساب يا رازق الجنين والطفل الصغير وراحم الشيخ
الكبير ويا جابر العظم الكسير يا مدرك الهاربين يا غاية الطالبين
يا من يعلم ما في الضمير وما تكن الصدور ويا رب الارباب ويا سيد
السادات واله الالهة وجبار الجبابرة وملك الدنيا والآخرة و
يا مجري الماء في النبات يا مكون طعم الثمار اسئلك باسمك الذي
لا يقوم له شيء ولا يقوم له ارض ولا سماء واسئلك باسمك
الذي شققته من عظمتك واسئلك بعظمتك التي شققتها
من كبريائك واسئلك بكبريائك التي شققتها من كينونتك و اشققتها
اسئلك بكينونتك التي شققتها من جودك واسئلك بجودك اشققتها
الذي شققته من عزك واسئلك بعزك الذي شققته من
كرمك واسئلك بكرمك الذي شققته من رحمتك واسئلك

برحمتك

برحمتك التي شققتها من رافتك واسئلك برافتك التي
شققتها من حلمك واسئلك بحلمك الذي شققته من لطفك
واسئلك بلطفك الذي شققته من قدرتك واسئلك
باسمائك كلها واسئلك باسمك المهيمن العزيز الجبار القدير
على من يشاء من امرك يا من سمك السماء بغير عمد واقام الارض
بغير سند وخلق الخلق من غير حاجة اليهم الا افاضة لاحسانه
ونعمه وابانة لحكمته واظهار لقدرته اشهد يا سيدي انك
لم تانس بابداعهم لاجل وحشة لتفردك ولم تستعن بغيرك
على شيء من امرك اسئلك بغناك عن خلقك وبحاجتهم اليك
وفقرهم وفاقتهم اليك ان تصلي على محمد خيرتك من خلقك محمد
واهل بيته الطيبين الطاهرين الائمة الراشدين وان تجعل

لعبدك الذليل بين يديك من امره فرجا ومخرجا يا سيدي
صل على محمد وآله وارزقني الخوف منك والخشية ايام حيوتي
سيدي ارحم عبدك الاسير بين يديك سيدي ارحم عبدك
المرتهن بعمله يا سيدي انقذ عبدك الغريق في بحر الخطايا يا
يا سيدي ارحم عبدك المعترف بذنبه وجراته عليك يا سيدي
الويل قد حل بي ان لم ترحمني يا سيدي هذا مقام المستجير
بعفوك من عقوبتك هذا مقام المسكين المستكين هذا
مقام الفقير البائس الحقير المحتاج الى ملك كريم يا مولاي
ما اغفلني عما يراد بي يا سيدي هذا مقام المذنب المستجير
بعفوك من عقوبتك هذا مقام من انقطعت حيلته و
خاب رجاؤه الا منك هذا مقام العاني الاسير هذا مقام الطريد

الطريد

الطريد يا سيدي اقلني عثرتي يا مقيل العثرات يا سيدي اعطني
سؤلي سيدي ارحم بدني الضعيف وجلدي الرقيق الذي
لا قوة له على حر النار يا سيدي ارحمني فاني عبدك ابن عبدك
ابن امتك بين يديك وفي قبضتك لا طاقة لي بالخروج من
سلطانك سيدي كيف لي بالنجاة ولا تصاب الا لديك سيدي
وكيف لي بالرحمة ولا تصاب الا من عندك يا اله الانبياء
وولي الاتقياء وبديع مزيد الكرامة اليك قصدت وبك
انزلت حاجتي واليك شكوت اسرافي على نفسي وبك ا
استغثت فاغثني وانقذني برحمتك بما اجترأت عليك يا
سيدي يا ويلتا اين اهرب من الخلائق كلهم في قبضته و
النواصي كلها بيده يا سيدي منك هربت اليك ووقفت

ومن بديع خ

بين يديك متضرعا اليك راجيا لما لديك يا الهي وسيدي
حاجتي التي ان اعطيتنيها لم يضرني ما منعتني وان منعتنيها
لم ينفعني ما اعطيتني اسئلك فكاك رقبتي من النار سيدي
قد علمت وايقنت انك اله الخلق والملك الحق الذي لا سمي
له ولا شريك له يا سيدي انا عبدك مقر لك بوحدانيتك
وبوجود ربوبيتك انت الذي خلقت خلقك بلا مثال
ولا تعب ولا نصب انت المعبود باطل كل معبود غيرك اسئلك
باسمك الذي تحشر به الموتى الى المحشر يا من لا يقدر على ذلك
احد غيره اسئلك باسمك الذي تحيي به العظام وهي رميم
ان تغفر لي وترحمني وتعافيني وتعطيني وتكفيني ما اهمني
اشهد انه لا يقدر على ذلك احد غيرك يا من امره اذا اراد

شيئا

شيئا حسبه ان يقول له كن فيكون يا من احاط بكل شيء
علما واحصى كل شيء عددا اسئلك ان تصلي على محمد عبدك
ورسولك ونبيك وخاصتك وخالصتك وصفيك وخيرتك
من خلقك وامينك على وحيك وموضع سرك ورسولك الى
عبادك وجعلته رحمة للعالمين ونورا استضاء به المؤمنون
فبشر بالجزيل من ثوابك وانذر بالاليم من عقابك اللهم فصل
عليه بكل فضيلة من فضائله وبكل منقبة من مناقبه
وبكل حال من حالاته وبكل موقف من مواقفه صلوة تكرم
بها وجهه وتعطيه بها الدرجة والوسيلة والرفعة و
الفضيلة اللهم شرفه في القيمة مقامه وعظم شانه واعل
درجته وتقبل شفاعته في امته واعطه سؤله وارفعه

في الفضيلة إلى غايتها اللهم صل على محمد وأهل بيته أئمة الهدى
ومصابيح الدجى أمنائك في خلقك وأصفيائك من عبادك و
حججك في أرضك ومنارك في بلادك الصابرين على بلائك الطالبين
رضاك الموفين بوعدك غير شاكين فيك ولا جاحدين عبادتك
وأوليائك وسلائل أوليائك وخزان علمك الذين جعلتهم
مصابيح الهدى ونور الدجى عليهم صلواتك ورحمتك و
رضوانك اللهم صل على محمد وآل محمد وعلى منارك في عبادك
الداعي إليك بإذنك القائم بأمرك المؤدي عن رسولك عليه
وآله السلام اللهم إذا أظهرته فأنجز له ما وعدته وسق إليه
أصحابه وانصره وقو ناصريه وبلغه أفضل أمله وأعطه
سؤله وجدد به عن محمد وأهل بيته بعد الذل الذي قد

باز دل بر خیل غم شد آشنا   خاطر آمد کشتگان کربلا   تشنه کامان اسیران غریب   از عزیزان حق بی‌نصیب
دل شکسته خاطر افسرده ز غم   تا محشر بکند زنهار عظم

نزل بهم بعد نبيك فصاروا مقتولين مطرودين مشردين
خائفين غير آمنين لقوا في جنبك الأذى ابتغاء مرضاتك
وطاعتك فصبروا على ما أصابهم فيك راضين بذلك مسلمين
لك في جميع ما ورد عليهم وما يرد إليهم اللهم عجل فرج
قائمهم بأمرك وانصره وانصر به دينك وجدد به ما امتحى من
دينك وبدل بعد نبيك محمد صلى الله عليه وعلى آله اللهم
صل على جميع المرسلين والنبيين الذين بلغوا عنك الهدى
واعتقدوا لك المواثيق بالطاعة اللهم صل عليهم وعلى أرواحهم
وأجسادهم والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته اللهم صل
على ملائكتك المقربين وأولي العزم من أنبيائك المرسلين
وعبادك الصالحين أجمعين يا أرحم الراحمين وأعطني سؤلي

فی دعائی ولا تخزنی یا ارحم الراحمین اللهم کما دعوتک لنفسی
لعاجل الدنیا و آجل الآخرة فاعط جمیع اهلی و اخوانی فیک
و جمیع شیعة آل محمد المستضعفین فی ارضک بین عبادک
الخائفین منک الذین صبروا علی الاذی و التکذیب فیک و
فی رسولک و اهل بیته علیهم السلام افضل ما یأملون
و الهمهم ما اهمهم یا ارحم الراحمین اللهم اجزهم عنا جنات النعیم
و اجمع بیننا و بینهم برحمتک یا ارحم الراحمین ششم نماز کامله نماز کامله
بروایت حضرت صادق ع از امیر المؤمنین ع از رسول خدا ص است که هر که در روز
جمعه چهار رکعت نماز بگذارد پیش از نماز فریضه در هر رکعتی حمد ده مرتبه و
قل هو الله احد ده مرتبه و قل اعوذ برب الناس ده مرتبه و قل اعوذ برب الفلق
ده مرتبه و قل یا ایها الکافرون ده مرتبه و آیة الکرسی ده مرتبه بروایتی دیگر انا

انزلناه

انزلناه ده مرتبه و شهد الله ده مرتبه چون از نماز فارغ شود صد مرتبه استغفار کند
و صد مرتبه بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل او بفرستد حق تعالی
نماز حاجت دفع کند از او شر اهل آسمان و زمین را هفتم نماز حاجت است حضرت صادق ع
فرمودند هر که را حاجتی باشد روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیرد و چون
روز جمعه شود غسل نموده و جامهای نیکو یعنی نظیف و پاکیزه در پوشد و بر بلندترین
موضعی از خانه خود رود و دو رکعت نماز بکند و بعد از نماز دستها را بسوی آسمان
بلند کند و بگوید اللهم انی حللت بساحتک لمعرفتی بوحدانیتک
و صمدانیتک و انه لا قادر علی قضاء حاجتی غیرک و قد علمت یا الهی
یا رب انه کلما شاهدت نعمتک علی اشتدت فاقتی الیک و قد
طرقنی یا رب من همّ ما قد عرفته قبل معرفتی لانک عالم غیر معلم

فأسئلك بالاسم الذي وضعته على السموات فانشقت وعلى الأرضين
فانبسطت وعلى النجوم فانتشرت وعلى الجبال فاستقرت وأسئلك
بالاسم الذي جعلته عند محمد وعند علي وعند الحسن وعند
الحسين وعند الأئمة كلهم صلوات الله عليهم أجمعين أن
تصلي على محمد وآل محمد وأن تقضي لي يا رب حاجتي وتيسر لي
عسيرها وتكفيني مهمها وتفتح لي قفلها فإن فعلت فلك الحمد
وإن لم تفعل فلك الحمد غير جائر في حكمك ولا متهم في قضائك
ولا حائف في عدلك پس روی راست خود را بر زمین گذارد و بگوید
اللهم إن يونس بن متى عبدك ونبيك دعاك في بطن الحوت
بدعائي هذا فاستجبت له وأنا أدعوك فاستجب لي بحق محمد وآل
محمد عليك وتدعوا بما أحب پس حاجت خود را بخاطر آورد هشتم نماز

نماز اعرابیات

اعرابی

اعرابی است و کیفیت این نماز این است ببیان حضرت رسول که چون چاشت روز
جمعه شود ده رکعت نماز کن در رکعت اول بعد از حمد سوره قل اعوذ برب الفلق را
هفت مرتبه بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد سوره قل اعوذ برب الناس را
هفت مرتبه بخوان و بعد از سلام هفت مرتبه آیة الکرسی بخوان و بعد برخیز و هشت
رکعت نماز بعمل آورد و سلام و بخوان در هر رکعتی بعد از حمد یکمرتبه سوره اذا جاء
نصر الله را و بیست و پنج مرتبه سوره قل هو الله احد را و چون از نماز فارغ شوی هفتاد
مرتبه بگو سبحان الله رب العرش الكريم ولا حول ولا قوة إلا بالله
العلي العظيم حضرت رسول که جهت گذارنده این نماز فرمودند که ضامنم دخول
بهشت را و آمرزش گناهان او را و پدر و مادر او را نیز مستحب است در عصر
روز جمعه خواندن دعای سمات از برای قضای حوائج و مشتملست بر اسم اعظم
و مرویست از حضرت باقر و حضرت صادق و آن اینست بسم الله الرحمن

دعای سمات
عصر جمعه

اللهم إني أسألك باسمك العظيم الأعظم الأعز الأجل الأكرم
الذي إذا دعيت به على مغالق أبواب السماء للفتح بالرحمة
انفتحت وإذا دعيت به على مضائق أبواب الأرض للفرج انفرجت
وإذا دعيت به على العسر لليسر تيسرت وإذا دعيت به على
الأموات للنشور انتشرت وإذا دعيت به على كشف
البأساء والضراء انكشفت وبجلال وجهك الكريم أكرم الوجوه
وأعز الوجوه الذي عنت له الوجوه وخضعت له الرقاب
وخشعت له الأصوات ووجلت له القلوب من مخافتك
وبقوتك التي تمسك السماء أن تقع على الأرض إلا بإذنك و
تمسك السموات والأرض أن تزولا ولئن زالتا إن أمسكهما
من أحد من بعدك وبمشيتك التي دان لها العالمون وبكلمتك

التي

التي خلقت بها السموات والأرض وبحكمتك التي صنعت
بها العجائب وخلقت بها الظلمة وجعلتها ليلا وجعلت
الليل سكنا وخلقت بها النور وجعلته نهارا وجعلت
النهار نشورا وخلقت بها الشمس وجعلت الشمس ضياء
وخلقت بها القمر وجعلت القمر نورا وخلقت بها الكواكب
وجعلتها نجوما وبروجا ومصابيح وزينة ورجوما و
جعلت لها مشارق ومغارب وجعلت لها مطالع و
مجاري وجعلت لها فلكا ومسابح وقدرتها في السماء منازل
فأحسنت تقديرها وصورتها فأحسنت تصويرها و
أحصيتها بأسمائك إحصاء ودبرتها بحكمتك تدبيرا
فأحسنت تدبيرها وسخرتها بسلطان الليل وسلطان ا

النهار والساعات وعدد السنين والحساب وجعلته
رؤيتها لجميع الناس مرئ واحدا واسئلك اللهم بمجدك الذي
كلمت به عبدك ورسولك موسى بن عمران في المقدسين
فوق احساس الكروبيين فوق غمائم النور فوق تابوت
الشهادة في عمود النار في طور سيناء وفي جبل حوريث
في الواد المقدس في البقعة المباركة من جانب الطور الايمن
من الشجرة وفي ارض مصر بتسع ايات بينات ويوم فرقت
لبني اسرائيل البحر وفي المنبجسات التي صنعت بها العجائب
في بحر سوف وعقدت ماء البحر في قلب الغمر كالحجارة وجاوزت
ببني اسرائيل البحر وتمت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا و
اورثتهم مشارق الارض ومغاربها التي باركت فيها على

العالمين

العالمين واغرقت فرعون وجنوده في اليم وباسمك العظيم
الاعظم الاعز الاجل الاكرم وبمجدك الذي تجليت به لموسى بن
عمران كليمك في طور سيناء ولابراهيم خليلك من قبل في
مسجد الخيف ولاسحق صفيك في بئر شبع وليعقوب نبيك
في بيت ايل واوفيت لابراهيم بميثاقك ولاسحق بحلفك
وليعقوب بشهادتك وللمؤمنين بوعدك وللداعين
باسمائك فاجبت وبمجدك الذي ظهر لموسى بن عمران
على قبة الرمان وباياتك التي رفعت وباياتك التي وقعت
على ارض مصر بمجد العزة والغلبة بايات عزيزة وبسلطان
القوة وبعزة القدرة وبشان الكلمة التامة وبكلماتك
التي تفضلت بها على اهل السموات والارض واهل الدنيا

ترحمت على ابراهيم وال ابراهيم انك حميد مجيد وانت
على كل شيء قدير پس حاجت خود را سؤال نما وبگو یا الله یا حنان
يا منان يا بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام يا
ارحم الراحمين اللهم بحق هذا الدعاء وبحق هذه الاسماء
التي لا يعلم تفسيرها ولا يعلم باطنها غيرك صل على محمد و
ال محمد وحاجت خود را بخاطر خود بگذران وبگو واغفر لي ذنوبي ما
تقدم منها وما تاخر ووسع علي من حلال رزقك واكفني
مؤنة انسان سوء وجار سوء وسلطان سوء انك
على ما تشاء قدير وبكل شيء عليم امين امين رب العالمين
ودر بعضی از نسخ چنین است اللهم بحق هذا الدعاء وبحق هذه
الاسماء التي لا يعلم تاويلها ولا تفسيرها ولا ظاهرها ولا

باطنها

باطنها غيرك ان تصلي على محمد وال محمد وان ترزقني خير الدنيا
والاخرة پس حاجت خود را طلب وبگو وافعل بي ما انت اهله
ولا تفعل بي ما انا اهله وانتقم لي من فلان واغفر لي ذنوبي
ما تقدم منها وما تاخر ولوالدي ولجميع المؤمنين والمؤمنات
ووسع علي من حلال رزقك واكفني مؤنة انسان سوء
وجار سوء وسلطان سوء وقرين سوء ويوم سوء و
ساعة سوء وانتقم لي ممن يكيدني وممن يبغي علي ويريد
بي وباهلي واولادي واخواني وجيراني وقراباتي من المؤمنين
والمؤمنات انك على ما تشاء قدير وبكل شيء عليم امين
رب العالمين پس بگو اللهم بحق هذا الدعاء تفضل على
فقراء المؤمنين والمؤمنات بالشفاء والصحة وعلى احياء

والاجرة وبرحمتك التي مننت بها على جميع خلقك و
باستطاعتك التي اقمت بها العالمين وبنورك الذي قد
خر من فزعه طور سيناء وبعلمك وجلالك وكبريائك
وعزتك وجبروتك التي لم تستقلها الارض وانخفضت لها
السموات وانزجر لها العمق الاكبر وركدت لها البحار والانهار
وخضعت لها الجبال وسكنت لها الارض بمناكبها واستسلمت
لها الخلائق كلها وخفقت لها الرياح في جريانها و
خمدت لها النيران في اوطانها وبسلطانك الذي عرفت لك به
الغلبة دهر الدهور وحمدت به في السموات والارضين
وبكلمتك كلمة الصدق التي سبقت لابينا ادم وذريته
بالرحمة واسئلك بكلمتك التي غلبت كل شيء وبنور وجهك

الذي

الذي تجليت به للجبل فجعلته دكا وخر موسى صعقا وبمجدك
الذي ظهر على طور سيناء فكلمت به عبدك ورسولك
موسى بن عمران وبطلعتك في ساعير وظهورك في جبل
فاران بربوات المقدسين وجنود الملئكة الصافين و
خشوع الملئكة المسبحين وبركاتك التي باركت فيها على
ابراهيم خليلك في امة محمد وباركت لاسحق صفيك في
امة عيسى وباركت ليعقوب اسرائيلك في امة موسى
وباركت لحبيبك محمد في عترته وذريته وامته اللهم
وكما غبنا عن ذلك ولم نشهده وامنا به ولم نره صدقا
وعدلا ان تصلي على محمد وال محمد وان تبارك على محمد وال
محمد وترحم محمدا وال محمد كافضل ما صليت وباركت و

زيارت جامعه مختصره

المؤمنين والمؤمنات باللطف والكرم وعلى اموات المؤمنين
والمؤمنات بالمغفرة والرحمة وعلى مسافري المؤمنين و
المؤمنات بالرد الى اوطانهم سالمين غانمين برحمتك يا ارحم
الراحمين وصلى الله على سيدنا محمد خاتم النبيين وعترته
الطاهرين وسلم تسليما كثيرا اما زيارت جميع ائمه معصومين است
مولانا حضرت صادق فرمودند كه اگر كسى خواهد كه زيارت كند حضرت پيغمبر
وامير المؤمنين وفاطمه زهرا وحسن وحسين وباقى ائمه را وحال آنكه در شهر خود باشد
بايد كه غسل كند در روز جمعه وجامه پاك درپوشد وبصحرا رود وبعد از آن چهار
ركعت نماز بگذارد وچون سلام بازدهد برخيزد وروى بقبله كند وبگويد كه السلام
عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته السلام عليك ايها النبي
المرسل والوصي المرتضى والسيدة الكبرى والسيدة الزهراء

والسبطان

در بيان نماز هديه چهارده معصوم واموات مؤمنين

والسبطان المنتجبان والاولاد الاعلام والامناء المنتجبون جئت انقطاعا
اليكم والى ابائكم وولدكم الخلف على بركة الحق فقلبي لكم مسلم
ونصرتي لكم معدة حتى يحكم الله لدينه فمعكم معكم لا مع عدوكم
اني لمن القائلين بفضلكم مقر برجعتكم لا انكر لله قدرة ولا
ازعم الا ما شاء الله سبحان الله ذي الملك والملكوت يسبح الله
باسمائه جميع خلقه والسلام على ارواحكم واجسادكم السلام
عليكم ورحمة الله وبركاته فصل بيست ودوم در بيان نماز هديه چهارده
معصوم ونماز هديه اموات مؤمنان اما نماز هديه چهارده معصوم مرويست
از ائمه كه سنت است در روز جمعه هشت ركعت نماز بعمل آورد چهار
ركعت او را هديه نمايد بسوى رسول الله وچهار ركعت ديگر را بسوى فاطمه
زهرا ودر روز شنبه چهار ركعت نماز بعمل آورد وهديه نمايد بسوى امير المؤمنين

و روز یکشنبه چهار رکعت نماز هدیه نماید بسوی حسن ع و روز دوشنبه چهار
رکعت نماز بعمل آورد و هدیه نماید بسوی امام حسین ع و روز سه شنبه چهار
رکعت نماز بعمل آورد و هدیه نماید بسوی علی بن الحسین ع و روز چهارشنبه
چهار رکعت نماز بعمل آورد و او را هدیه نماید بسوی امام محمد باقر ع و روز پنجشنبه
چهار رکعت نماز بعمل آورد و هدیه بسوی امام جعفر صادق ع و روز جمعه باز
هشت رکعت نماز بعمل آورد و چهار رکعت از او هدیه بسوی رسول الله ص و چهار
رکعت از او هدیه نماید بسوی فاطمه ع و روز شنبه چهار رکعت نماز بعمل
آورد و هدیه نماید بسوی موسی بن جعفر و روز یکشنبه چهار رکعت نماز بعمل
آورد و او را هدیه نماید بسوی علی بن موسی الرضا و روز دوشنبه چهار رکعت
نماز بعمل آورد و هدیه نماید او را بسوی امام محمد تقی ع و روز سه شنبه چهار رکعت
نماز بعمل آورد و هدیه نماید بسوی امام علی النقی ع و روز چهارشنبه چهار رکعت

نماز

نماز بعمل آورد و هدیه نماید بسوی امام حسن عسکری و روز پنجشنبه چهار رکعت
نماز بعمل آورد و هدیه نماید بسوی حضرت صاحب الزمان ع و میانه هر دو رکعت
از این نمازها این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ
وَاِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ وَحَيِّنَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ
هٰذِهِ الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي اِلٰى وَلِيِّكَ فُلَانٍ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْهُ اِيَّاهَا وَاَعْطِنِي اَفْضَلَ اَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي
رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ پس هر دعائیکه خواهد بکند و اما نماز هدیه

در بیان نماز هدیه میت

میت لیلة الدفن بجهت اطلاع یافتن بر آن آن چهار صورت است **فصل** صورت اول
حذیفه یمانی از حضرت رسول ص روایت نموده که آنحضرت فرمودند که بر میت
ساعتی نمیآید که از شب اول شدیدتر باشد پس رحم کنید اموات خود را
بصدقه و اگر نیابید پس یکی از شما دو رکعت نماز بعمل آورد و در رکعت اول

حمد یکمرتبه و آیة الکرسی یکمرتبه و قل هو الله احد سه مرتبه بخواند و در رکعت ثانیه
حمد یکمرتبه و الهیکم التکاثر ده مرتبه بخواند و بعد از تشهد و سلام بگوید
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَابْعَثْ ثَوَابَهُمَا اِلٰى قَبْرِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ
پس حق تعالی در آن ساعت هزار ملک بسوی قبر آن میت فرستد با هر
ملکی جامه و حله بوده باشد و قبر او را وسیع گرداند تا روز نفخ صور و عطا
فرماید مصلی را بعدد هر چیزی که آفتاب بر آن تابیده است حسنات و
بلند گرداند از برای او چهل درجه دوم آنکه دو رکعت نماز کند در رکعت
اول الحمد یکمرتبه و آیة الکرسی یکمرتبه و توحید دو مرتبه و در رکعت دوم
الحمد یکمرتبه و الهیکم التکاثر ده مرتبه و بعد از سلام دعای مذکور را بخواند
صورة دویم در رکعت اول حمد یکمرتبه و آیة الکرسی یکمرتبه و در رکعت
دوم حمد یکمرتبه و سوره قدر ده مرتبه و بعد از سلام دعای مذکور را بخواند

صورة

صورة سیم در رکعت اول حمد یکمرتبه و سوره توحید دو مرتبه و در رکعت
دوم حمد یکمرتبه و الهیکم التکاثر ده مرتبه و بعد از سلام دعای مذکور را بخواند
و در فلاح السائل سید بن طاوس از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده او
از حضرت رسول ص که آنحضرت فرمود در وقتیکه میت خود را دفن نمودید
و از دفن او فارغ شدید پس باید که وارث او یا جنب و نداو با حدی
او از جانب خود دو رکعت نماز کند در رکعت اولی فاتحه یکمرتبه و معوذتین
یکمرتبه و صفت رکعه ثانیه از اصل ساقط شده بناء علیه پس در رکعت
دوم حمد و قل هو الله یا انا انزلناه بخواند و رکوع و سجود نماید و در سجده بگوید
سُبْحَانَ مَنْ تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ پس سلام دهد نماز را
و رجوع بسوی قبر میت نماید و بگوید یا فلان بن فلان این نماز از برای
تو و از برای اصحاب تو است پس حق تعالی عذاب قبر را از او دفع نماید و از

خلیقه او و اگر سؤال نماید پروردگار خود را که بیامرزد مر مؤمنان و مؤمنات را
و مسلمان و مسلمات را از زنده و مرده ایشان را هر آینه مستجاب گرداند دعای او را
در حق ایشان و حق تعالی گوید یا فلان بن فلان دیدهای نور روشن باد بتحقیق که
آمرزید حق تعالی از این نور و عطا فرماید مصلی را بهر حرفی هزار حسنه و محو فرماید
هزار سیئه و چون روز قیامت گردد حق تعالی صنفی از ملائکه را بسوی او فرستد
که تشییع او نمایند تا در بهشت و چون داخل بهشت گردد هفتاد هزار ملک
استقبال او نمایند که با هر ملکی طبقی از نور بوده باشد که روی او را بمندیلی
از استبرق پوشیده باشند و در دست هر ملکی کوزه از آب سلسبیل بوده
باشد پس از هر طبقی اکل نماید و از آب سلسبیل بیاشامد و رضوان من الله اکبر

در بیان ادعیه ساعات اثنی عشر

فصل سیم در بیان قسمت روز بدوازده ساعت و در دوازده ساعت مر دولت قسمت
نمودن روز بدوازده ساعت و نسبت هر ساعتی بیکی از ائمه اثنی عشر سلام الله
علیهم

علیهم و تخصیص آن ساعت بدعای مخصوص بآن ساعت و حفر ساعات و
ادعیه را ذکر مینمایم اما ساعة اولی پس آن ما بین طلوع فجر است تا طلوع
آفتاب و آن منسوب است بسوی امیر المؤمنین علیه السلام و این است دعای آن
ساعة اللّهمّ ربّ الظلام والفلق والفجر والشفق واللیل وما
وسق والقمر اذا اتّسق خالق الانسان من علق اظهرت قدرتك
ببدیع صنعك وخلقت عبادك لما كلّفتهم من عبادتك و
هدیتهم بكریم فضلك الی سبل طاعتك فتفرّدت فی
ملكوتك بعظیم السلطان فتودّدت الی خلقك بقدیم الاحسان
فتعرّفت الی بریّتك بجسیم الامتنان یا من یسأله من فی
السموات والارض كلّ یوم هو فی شأن اسئلك اللّهمّ بمحمّد
خاتم النبیّین الذی نزل به الروح الامین علی قلبه لیكون

من المنذرین بلسان عربیّ مبین وبامیر المؤمنین علیّ بن ابی
طالب علیه السلام ابن عمّ الرسول وبعل البتول الذی فرضت ولایته
علی الخلق وكان یدور حیث دار الحقّ ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد
فقد جعلتهم وسیلتی وقدّمتهم امامی وبین یدی حوائجی وان تغفر
لی وتطهّر قلبی وتنشر همّی وتفرّج كربی وتبلّغنی من طاعتك
وعبادتك غایة املی وتقضی لی حوائجی الدنیا والآخرة یا ارحم
الراحمین اما ساعة دوم از طلوع آفتاب است تا ذهاب حمره او و این ساعت
متعلق است بحضرت امام حسن و دعای این ساعة این است اللّهمّ یا خالق
السموات والارض ومالك البسط والقبض ومدبّر الابرام و
النقض ومن لا یجیب المضطرّ اذا دعاه ویكشف السوء یا مالك یا
جبّار یا واحد یا قهّار یا عزیز یا غفّار یا من لا تدركه الابصار
وهو

وهو یدرك الابصار یا من لا یمسك خشیة الانفاق ولا یفتر
خوف الاملاق یا كریم یا رزّاق یا مبتدیا بالنعم قبل الاستحقاق
یا من ینزّل الروح من امره علی من یشاء من عباده لینذر
یوم التلاق كثرت نعمتك علیّ وصغر فی جنبها شكری وقدام
غناك عنّی وعظم الیك فقری اسئلك یا عالم سرّی وجهری
یا من لا یقدر سواه علی كشف ضرّی ان تصلّی علی محمّد رسولك
المختار وحجّتك علی الابرار والفجّار وعلی اهل بیته الطاهرین
الاخیار واتوسّل الیك بالانزع البطین علما وبالامام الزكیّ
الحسن المقتول سمّا فقد استشفعت بهم الیك وقدّمتهم
امامی وبین یدی حوائجی ان تزیدنی من لدنك علما وفهما
لی حكما وتجبر كسری وتشرح بالتقوی صدری وتزحزحنی اذا

[illegible]

انقطع من الدنيا اثري فتذكرني اذا نسيني ذكري برحمتك يا
ارحم الراحمين و اما ساعت سيم پس آن بعد از برطرف سرخی است تا
ارتفاع نهار و آن ساعت حضرت امام حسين است و اين دعا را بايد در آن
ساعت خواند اللهم رب الارباب و مسبب الاسباب و مالك
الرقاب و مسخر السحاب و مسهل الصعاب يا حليم يا تواب
يا كريم يا وهاب يا مفتح الابواب يا من حيث ما دعي اجاب
يا من ليس له حاجب و لا بواب يا من ليس لخزائنه قفل
و لا باب يا من لا يخفى عليه سنة و لا يضرب دونه حجاب يا من
يرزق من يشاء بغير حساب يا غافر الذنب و قابل التوب
شديد العقاب اللهم انقطع الرجاء الا من فضلك و خاب الامل
الا من كرمك فاسئلك بمحمد رسولك صلى الله عليه و آله

وبعلي

و بعلي بن ابي طالب صفيك و بالحسين عليهما السلام الامام التقي
الذي اشترى نفسه ابتغاء مرضاتك و جاهد الناكثين
عن صراط طاعتك فقتلوه ساغبا ظمآنا و هتكوا حرمته
بغيا و عدوانا و حملوا راسه في الآفاق و احلوه محل اهل
العناد و الشقاق اللهم فصل على محمد و آله و جدد على الباغين
عليه مخزيات لعنتك و انتقامك و مرديات سخطك و نكالك
اللهم اني اسئلك بمحمد و آله و استشفع بهم اليك و اقدمهم اماما
بين يدي حوائجي الا تقطع رجائي من امتنانك و افضالك
و لا تخيب تاميلي في احسانك و نوالك و لا تهتك الستر
المسدول على من جهتك و لا تغير عني عوائد طولك و نعمك
و وفقني لما يقربني اليك و اصرفني عما يباعدني عنك و اعطني

من الخير افضل مما ارجوا واكفني من شر ما اخاف واحذر
برحمتك يا ارحم الراحمين واما دعای ساعت چهارم پس از
ارتفاع نهار است تا زوال و این ساعت از برای سید عابدین علی بن الحسین
است و در این ساعت این دعا را بخوان اللهم انت الملك المليك المالك
وكل شيء سوى وجهك الكريم هالك سخرت بقدرتك النجوم (ستارگان)
السوالك (سیر کننده) وامطرت بقدرتك الغيوم (ابرها) السوافك (ریزنده) وعلمت ما
في البر والبحر وما تسقط من ورقة في الظلمات الحوالك يا
سميع يا بصير يا بر يا شكور يا غفور يا رحيم يا من يعلم خائنة
الاعين وما تخفي الصدور يا من له الحمد في الاولى والاخرة وهو
الحكيم الخبير اسئلك سؤال البائس الحسير واتضرع اليك تضرع
الضالع الكسير واتوكل عليك توكل الخاشع المستجير واقف ببابك

وعوذ

وعوذ المؤمل الفقير واتوسل اليك بالبشير النذير و
السراج المنير محمد خاتم النبيين وابن عمه امير المؤمنين و
بالامام علي بن الحسين زين العابدين وامام المتقين المخفي
للصدقات والخاشع في الصلوات والدائب المجتهد في
المجاهدات الساجد ذي الثفنات ان تصلي على محمد وآل محمد
فقد توسلت بهم اليك وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي
وان تعصمني من مواقعة معاصيك وترشدني الى موافقة
ما يرضيك وتجعلني ممن يؤمن بك ويتقيك ويخافك و
يرجوك ويراقبك ويستحييك ويتقرب اليك بموالاة
من يواليك ويتحبب اليك بمعاداة من يعاديك ويعترف
لديك بعظيم نعمك وآلائك برحمتك يا ارحم الراحمين واما

ساعت پنجم پس ان از زوال شمس است تا گذشتن مقدار چهار رکعت از نوافل
زوال و این است دعای این ساعت اللهم انت الله لا اله الا هو الحی
القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم هو الله الذی لا اله الا هو
عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم هو الاول و الآخر
و الظاهر و الباطن و هو بکل شیء علیم فالق الاصباح و جاعل
اللیل سکنا و الشمس و القمر حسبانا ذلک تقدیر العزیز
العلیم یا غالبا غیر مغلوب یا شاهدا لا یغیب یا قریب یا
مجیب علم الله ربی لا اله الا هو علیه توکلت و الیه انیب
اتذلل الیک تذلل الطالبین و اخضع بین یدیک خضوع ا
الراغبین و اسئلک سؤال الفقیر المسکین و اسئلک
تضرعا و خفیة انک لا تحب المعتدین و ادعوک خوفا و طمعا

ساعت پنجم
و این ساعت متعلق است [illegible]

ان

ان رحمتک قریب من المحسنین و اتوسل الیک بخیرتک و
صفوتک من العالمین الذی جاء بالصدق و صدق المرسلین
محمد حبیبک و رسولک النذیر المبین و بولیک و عبدک علی
بن ابی طالب امیر المؤمنین و بالامام محمد بن علی باقر علوم الاولین
و الآخرین و العالم بتاویل الکتاب المستبین و اسئلک بمکانهم عندک
و لتقدیمهم امامی و بین یدی حوائجی ان توزعنی شکر ما اولیتنی
من نعمک و تجعل لی فرجا و مخرجا من کل کرب و غم و ترزقنی
من حیث احتسب و من حیث لا احتسب و تیسر لی من فضلک
ما تغنینی به عن کل مطلب و اقذف فی قلبی رجاک و
اقطع رجائی ممن سواک حتی لا ارجو الا ایاک انک تجیب
الداعی اذا دعاک و تغیث الملهوف اذا ناداک و انت ارحم

الراحمين واما ساعت ششم پس آن بعد از گذشتن مقدار چهار رکعت است ساعت ششم
از زوال تا نماز ظهر و آن ساعت متعلق است بحضرت صادق و دعای این ساعت
این است و نیکو است که بعد از شش رکعت از نافلهٔ زوال خوانده شود اللهم انت
انزلت الغيث برحمتك وعلمت الغيب بمشيتك ودبرت الامور
بحكمتك وذللت الصعاب بعزتك واعجزت العقول عن علم
كيفيتك وحجبت الابصار عن ادراك صفتك والاوهام عن
حقيقة معرفتك واضطررت الافهام الى الاقرار بوحدانيتك
يا من يرحم العبرة ويقيل العثرة لك العزة والقدرة لا يعزب
عنك في الارض ولا في السماء مثقال ذرة اتوسل اليك بالنبي
الامي محمد رسولك العربي المكي المدني الهاشمي الذي اخرجتنا
به من الظلمات الى النور وبامير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه
السلام

السلام الذي شرحت بولايته الصدور وبالامام جعفر بن
محمد الصادق في الاخبار المؤتمن على مكنون الاسرار صلى
الله عليه وعلى اهل بيته بالعشي والابكار اللهم اني اسألك
بهم واستشفع بمكانهم لديك واقدمهم امامي وبين يدي
حوائجي فاعطني الفرج الهني والمخرج الوحي والصنع العز
والامان من الفزع في اليوم العصيب وان تغفر لي موبقات
الذنوب وتستر علي فاضحات العيوب فانت الرب وانا
المربوب وانا الطالب وانت المطلوب وانت الذي بذكرك
تطمئن القلوب وانت الذي تقذف بالحق وانت علام الغيوب
يا اكرم الاكرمين ويا خير الفاصلين ويا احكم الحاكمين ويا
ارحم الراحمين واما ساعت هفتم پس بعد از نماز ظهر است تا اینکه مقدار ساعت هفتم

چهار رکعت بگذرد پیش از عصر و این ساعت متعلق است بمولای ما حضرت کاظم
و این است دعای آن ساعت اللهم انت المرجو اذا اشتد الامر و انت
للدعوا اذا مس الضر و مجیب الملهوف المضطر و المنجی من
ظلمات البر و البحر و من له الخلق و الامر و العالم بوساوس الصدر المطلع
علی خفی السر یا غایة کل نجوی و منتهی کل شکوی یا من له
الحمد فی الآخرة و الاولی یا من خلق الارض و السموات العلی
الرحمن علی العرش استوی له ما فی السموات و ما فی الارض
و ما بینهما و ما تحت الثری و ان تجهر بالقول فانه یعلم
السر و اخفی الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی اسئلك بمحمد
خاتم النبیین و خیرتك من خلقك و المؤتمن علی اداء رسالتك
و بامیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلم الذی جعلت

ولایته مفروضة مع ولایتك و محبته مفروضة برضاك
محبتك و بالامام الکاظم موسی بن جعفر علیهما السلم الذی
سئلك ان تفرغه لعبادتك و تخلیه لطاعتك فاجبت دعوته
ان تصلی علی محمد و اله صلوة تقضی بها عنی واجب حقوقهم
و مفترض بولایتهم اداء فروضهم و اتوسل الیك بهم و استشفع بهم لتمم
فقد قدمتهم امامی و بین یدی حوائجی ان تجرینی علی جمیل
عوائدك و تمنحنی جزیل فوائدك فتاخذ بسمعی و بصری
و سری و ناصیتی و قلبی و عزیمتی و لبی الی ما تعیننی به
علی هواك و تقربنی من اسباب رضاك و توجب لی نوافل
فضلك و تستدیم لی منائح طولك یا ارحم الراحمین و اما
ساعت ششم
ساعت هشتم پس آن بعد از گذشتن چهار رکعت قبل از عصر است تا نماز

عصر و این ساعت متعلق است بحضرت امام رضا علیه السلم و این است دعای
آن ساعت اللهم انت الکاشف للملمات و الکافی للمهمات و المفرج
للکربات و السامع للاصوات و المخرج عن الظلمات و المجیب
للدعوات الراحم للعبرات جبار الارض و السموات یا اولی
یا مولی یا علی یا اعلی یا کریم یا اکرم یا من له الاسم الاعظم
یا من علم الانسان ما لم یعلم فاطر السموات و الارض و
هو یطعم و لا یطعم اسئلك بمحمد المصطفی من الخلق المبعوث
بالحق و بامیر المؤمنین الذی اولیته فالفیته شاکرا و
ابتلیته فوجدته صابرا و بالامام الرضا علی بن موسی
الذی اوفی بعهدك و دان بوعدك و اعرض عن الدنیا و قد
اقبلت الیه و رغب عن زینتها و قد رغبت فیه ان

تصلی علی محمد و ال محمد فقد توسلت بهم الیك و قدمتهم
امامی و بین یدی حوائجی ان تهدینی الی سبل رضائك
و تیسر لی اسباب طاعتك و توفقنی لابتغاء الزلفة بموالات
اولیائك و ادراك الحظوة من معاداة اعدائك و تعیننی
علی اداء فروضك و استعمال سنتك و توفقنی علی المحجة
المؤدیة الی العتق من عذابك و الفوز برحمتك یا ارحم الرا حمین
ساعت نهم
و اما ساعت نهم پس آن از نماز عصر است تا اینکه دو ساعت بگذرد و این
ساعت متعلق است بحضرت جواد علیه السلم و این است دعای آن ساعت
اللهم یا خالق الانوار و مقدر اللیل و النهار تعلم ما تحمل
کل انثی و ما تغیض الارحام و ما تزداد و کل شیء عندك
بمقدار اذا تفاقم امر طرح علیك و اذا غلقت الابواب

فرج باب فضلك واذا ضاقت الحاجات فزع الى سعة طولك
واذا انقطع الامل من الخلق اتصل بك واذا وقع الياس من
الناس وقف الرجاء عليك اسئلك بحق النبى الاواب الذى
انزلت عليه الكتاب ونصرته على الاحزاب وهديتنا به الى
دار المآب وبامير المؤمنين على بن ابيطالب الكريم النصاب
المتصدق بخاتمه فى المحراب وبالامام الفاضل محمد بن على عليه
السلام الذى سئل فوفقته لرب الجواب وامتحن فعضدته با
لتوفيق والصواب صلى الله عليه وعلى اهل بيته الاطهار ان
تجعل مولاى لهم عصمة من النار ومحجة الى دار القرار فقد
توسلت بهم اليك وقدمتهم امامى وبين يدى حوائجى و
ان تعصمنى من التعرض لمواقف سخطك وتوفقنى لسلوك سبيل

محبتك

محبتك ومرضاتك يا ارحم الراحمين واما سه شنبه پس رسالة
بعد از صلوة عصر است تا قبيل غروب شمس واين ساعت متعلق است بحضرت
هادى واين دعاى اين ساعت اللهم انت الولى الحميد الغفور
الودود المبدئ المعيد ذو العرش المجيد والبطش الشديد فعال
لما تريد يا من هو اقرب الى من حبل الوريد يا من هو على كل
شئ شهيد يا من لا يتعاظمه غفران الذنوب ولا يكبر عليه
الصفح عن العيوب اسئلك بجلالك وبنورك وجهك الذى ملا
اركان عرشك وبقدرتك التى قدرت بها على خلقك وبرحمتك
التى وسعت كل شئ وبقوتك التى ضعف لها كل قوى وبعزتك
التى ذل لها كل عزيز وبمشيتك التى ضعف فيها كل كبير و
برسولك الذى جئت به العباد وهديت به الى سبيل الرشاد

ساعت یازدهم

وبامير المؤمنين علي بن ابيطالب اول من امن برسولك و
صدق والذي وفى بما عاهد عليه وتصدق في وبالامام البر علي
بن محمد عليه السلم الذي كفيته حيلة الاعداء واريتهم عجيب
الايات اذ توسلوا به في الدعاء ان تصلي على محمد وال محمد فقد ا
استشفعت بهم اليك وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي
وان تجعلني من كفايتك في حرز حريز ومن كلائتك تحت
عز عزيز وتوزعني شكر الائك ومننك وتوفقني للجزاء
بايائك ونعمك يا ارحم الراحمين واما ساعت يازدهم پس از نیمه از
اصفرار شمس است تا اصفرار آن و آن متعلق است بحضرت امام حسن عسکری و دعای
این ساعت این است اللهم انك منزل القران وخالق الانس و
الجان وجاعل الشمس والقمر بحسبان المبتدئ بالطول و

ذا الامتنان

ساعة یازدهم

الامتنان والمبتدئ للفضل والاحسان وضامن الرزق لجميع
الحيوان لك المحامد والمدائح ومنك العوائد والمنائح واليك
يصعد الكلم الطيب والعمل الصالح وانت العالم بما تخفي الصدور
والجوانح اسئلك بمحمد صلى الله عليه واله رسولك الى
الكافة وامينك المبعوث بالرحمة والرافة وبامير المؤمنين
علي بن ابيطالب عليه السلم المفترض طاعته على القريب و
البعيد المؤيد بنصرك في كل موقف مشهود وبالامام الحسن
بن علي الذي طرح للسباع فخلصته من مرابضها وامتحن
بالدواب الصعاب فذللت له مراكبها ان تصلي على محمد و
ال محمد فقد توسلت بهم اليك وقدمتهم امامي وبين يدي
حوائجي وان ترحمني بالتوفيق لترك معاصيك ما ابقيتني

وتعيننى على التمسك بطاعتك ما احييتنى وان تختم لى
بالخير اذا توفيتنى وتفضل على بالمباسرة اذا حاسبتنى
وتهب لى العفو اذا كاشفتنى ولا تكلنى الى نفسى فاضل
ولا تحوجنى الى غيرك فاذل ولا تحملنى ما لا طاقة لى به فاضعف
ولا تبتلينى بما لا صبر لى عليه فاعجز واجرنى على جميل عوائدك
عندى ولا تواخذنى بسوء عملى ولا تسلط على من لا يرحمنى
برحمتك يا ارحم الراحمين وامّا ساعة دوازدهم پس آن از صفرا ساعت دوازدهم
شمس است تا غروب آن و آن متعلق است بحجة بن الحسن و دعاء آن اللهم
يا خالق السقف المرفوع والمهاد الموضوع ورازق العاصى و
المطيع الذى ليس له من دونه ولى ولا شفيع اسئلك باسمائك
التى اذا سميت على طوارق العسر عادت يسرا واذا وضعت

على الجبال

قال الصادق ع اذا كان عند طلوع الشمس وكل الله بها ملكا ينادى ايها الناس اقبلوا انكم
فان ما قل وكفى خير مما كثر والهى وملك موكل بالشمس عند طلوعها ينادى يا ابن آدم لد للموت وابن
للخراب واجمع للفناء

على الجبال كانت هباء منثورا واذا رفعت الى السماء انفتحت
لها المغالق واذا هبطت الى ظلمات الارض اتسعت لها المضايق
واذا دعيت بها الموتى انتشرت من اللحود واذا نوديت بها ا
المعدومات خرجت الى الوجود واذا ذكرت على القلوب و
جلت خشوعا واذا قرعت الاسماع فاضت العيون دموعا
اسئلك بمحمد صلى الله عليه وآله رسولك المؤيد بالمعجزات
المبعوث بمحكم الآيات وبامير المؤمنين على بن ابيطالب الذى
اخترته لمواخاته ووصيته واصطفيته لمصافاته ومصاهرته
وبصاحب الزمان المهدى الذى تجمع على طاعته الآراء المتفرقة
وتولف بين الاهواء المختلفة وتستخلص به حقوق اوليائك و
تنتقم به من شرار اعدائك وتملأ به الارض عدلا واحسانا

فتوسّع على العباد بظهوره فضلاً وامناً وتعيد الحقّ الى
مكانه عزيزاً حميداً وترجع الدين على يديه غضّاً جديداً
ان تصلّي على محمّد وآل محمّد فقد استشفعت بهم اليك وقدّمتهم
امامي وبين يدي حوائجي وان توزعني شكر نعمتك في التوفيق
لمعرفته والهداية الى طاعته وتزيدني قوّة في التمسّك
بعصمته والاقتداء بسنّته والكون في زمرته انّك سميع
الدعاء برحمتك يا ارحم الراحمين **خاتمة** در بیان امور که تعلّق
بمیت دارد حضرت رسول امر فرمودند که چون نزدیک وفاة شخص در رسد پس
جمع نماید مؤمنان را ووصیت نماید باین کلمات که اللّهم فاطر السموات
والارض عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم انّي اعهد اليك
انّي اشهد ان لا اله الّا انت وحدك لا شريك لك وانّ محمّداً

عبدک

عبدك ورسولك وانّ الساعة آتية لا ريب فيها وانّ الله
يبعث من في القبور وانّ الحساب حقّ وانّ الجنّة حقّ وما
وعدت فيها من النعيم والمأكل والمشرب والنكاح حقّ
وانّ النار حقّ وانّ الدين كما وصفت وانّ الاسلام كما شرعت
وانّ القول كما قلت وانّ القرآن كما انزلت وانّك انت الله
الملك الحقّ المبين وانّي اعهد اليك في دار الدنيا انّي رضيت
بك ربّاً وبالاسلام ديناً وبمحمّد صلّى الله عليه وآله نبيّاً و
بعليّ وليّاً واماماً وبالقرآن كتاباً وانّ اهل بيت نبيّك عليه
وعليهم السلام ائمّتي اللّهم انت ثقتي عند شدّتي ورجائي
عند كربتي وعدّتي عند الامور التي تنزل بي وانت وليّي
في نعمتي والهي واله آبائي صلّ على محمّد وآله ولا تكلني الى

نفسی طرفة عین ابدا و انس فی القبر وحشتی و اجعل لی عندک
یوم القاک منشورا و سنت است که وصیت نامه شخص در حین خواب
بر سر کش نکند و توبه نماید کل لیله و از ادای مظالم عباد را و محتضر است است
بروایت حضرت باقر استشهاد شهادتان و اقرار بائمه طاهرین و کلمات فرج و رو بش
بقبله کردن بر پشت بخوابانند که باطن قدمهایش بسوی قبله باشد و جنب و
حایض نزد او نیایند سوره یس و الصافات نزد کش بخوانند و چشمهایش را
با دهنش به بندند و دستهایش بر پهلوهایش بکشند اگر مرکش دشوار شود بجای
نمازش او را نقل کنند و در تجهیزش تعجیل نمایند مگر در حال اشتباه موت او و
در این جا چند امر است و سنت است که محتضر در حین احتضار بگوید اللهم اغفر
لی الکثیر من معاصیک و اقبل منی الیسیر من طاعتک و حاضرین
بمحتضر گویند که همان کلمات را بگوید و لا اله الا الله را محتضر بگوید و کلمات فرج را

بین

نیز که همان به و در روایات است و چون چشم میت را به بندند بگویند اللهم
اغفر لفلان و ارفع درجته فی المهدیین و اخلف علی عقبه
فی الغابرین و اغفر لنا و له یا رب العالمین و افسح له فی قبره
و نور له فیه و اهل میت بگوید اللهم اغفر لی و له و اعقبنی منه
عقبی حسنة و چون جنازه ببینی بگو الحمد لله الذی لم یجعلنی من
السواد المخترم و باز بگوید الله اکبر هذا ما وعدنا الله و رسوله
اللهم زدنا ایمانا و تسلیما الحمد لله الذی تعزز بالقدرة و
قهر عباده بالموت و در تشییع جنازه بسم الله الرحمن الرحیم بگوید
و در حین غسل دادن میت بگوید اللهم هذا بدن عبدک المؤمن
و قد اخرجت روحه و فرقت بینهما فعفوک عفوک و میت
رو بقبله بشوید و نماز میت است و آن مشتمل است بر پنج تکبیر بنیت نماز میت

خارمیت

کنند تکبیر اول که بگوید و بعد از تکبیر بگوید کہ اشهد ان لا اله الا الله وحده

لا شریک له الهاً واحداً احداً صمداً فرداً وتراً حیاً قیوماً ابداً

دائماً لم یتخذ صاحبة ولا ولداً واشهد ان محمداً عبده ورسوله

ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله ولو

کره المشرکون ونشهد ان مولینا علیاً امیر المؤمنین ولی

الله ووصی رسوله من بعده بلا فصل واشهد ان الائمة

من ولد علی حجج الله وامنائه علی العباد الله اکبر این تکبیر دوم است

و بعد بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد وبارک علی محمد وآل محمد و

ترحم علی محمد وآل محمد وتحنن علی محمد وآل محمد وتفضل علی محمد

وآل محمد وتکرم علی محمد وآل محمد کافضل ما صلیت وبارکت

وترحمت وتحننت وتفضلت وتکرمت علی ابراهیم وآل

ابراهیم

لا اله الا الله الواحد القهار ربنا ورب اباءنا الاولین

ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة

ابراهیم انک حمید مجید الله اکبر این تکبیر سوم است و بعد بگوید اللهم

اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء

منهم والاموات تابع اللهم بیننا وبینهم بالخیرات انک مجیب

الدعوات انک قاضی الحاجات انک رافع الدرجات انک

کاتب الحسنات انک ماحی السیئات انک غافر الخطیئات انک

معطی المسئلات انک علی کل شیء قدیر الله اکبر این تکبیر چهارم

[illegible]

و بعد بگوید اگر میت مرد باشد اللهم ان هذا عبدک وابن عبدک وابن

امتک نزل بک وانت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا خیراً

وانت اعلم به منا اللهم ان کان محسناً فزد فی احسانه وان

کان مسیئاً فتجاوز عن سیئاته واحشره مع من کان یتولاه

من الائمة الطاهرین اللهم انک قد قبضته وروحه الیک وهو

[illegible]

عبدك الضعيف فقد فارق الاحباء وحرس من النجوى وصم
عن النداء ويحل اطباق الثرى فتمزقه البلاء وانت الرب الجواد
بالمغفرة تجد من تعذبه غيره وهو لا يجد من يغفر له غيرك وانت
غني عن عذابه وعذابنا وهو ونحن فقراء الى رحمتك فنسألك
بفقره وفقرنا اليك وغناك عنه وعنا وبقدرتك عليه
وعلينا وقلة امتناعه وامتناعنا منك ان تغفر له ولنا
بكرمك يا اكرم الاكرمين وبرحمتك يا ارحم الراحمين الله اكبر
و این تکبیر پنجم است و اگر میت مخالف باشد بگوید بعد از تکبیر چهارم اللهم العن
عبدك الف لعنة مؤتلفة غير مختلفة اللهم اخز عبدك
بلادك واصله حر نارك واذقه اشد عذابك فانه كان يتولى
اعدائك ويعادي اوليائك ويبغض اهل بيت نبيك و اگر مستضعف

بود

اللهم اجعله عندك في اعلى عليين واخلف على اهله في الغابرين وارحمه برحمتك يا ارحم الراحمين في عبادك ثم اللهم عفوك عفوك

بوده باشد بگو اللهم اغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك وقهم عذاب
الجحيم و اگر ندانی چه مذهب دارد بگو اللهم ان هذه النفس انت احييتها
وانت امتها وانت اعلم بسرها وعلانيتها فاحشرها مع من
تولت و اگر طفل باشد بگو اللهم اجعله لنا ولابويه فرطا وسلفا
واجرا آنگاه تکبیر پنجم بگوید و بگو اللهم عفوك عفوك و از جای خود امام حرکت
نکند تا میت را از جای برگیرند و چون نزد قبر آرند اگر مرد باشد در پایان قبر
سوی قبله بنهند پس ولی میت یا مأذون از ولی از پایان قبر داخل شود
بسر و پای برهنه و گره جامه‌ها بگشاید و بگوید اللهم اجعل قبره روضة
من رياض الجنة ولا تجعله حفرة من حفر النيران پس
میت را داخل قبر کند و بگوید بسم الله وبالله وعلى ملة رسول
الله اللهم ايمانا بك وتصديقا بكتابك هذا ما وعدنا الله

تلقین دوم [illegible]

ورسوله وصدقا الله ورسوله اللهم زدنا ایمانا وتصدیقا

اگر مرده را بجانب راست بخوابانند رو بقبله وگرههای کفن او باز کنند و

رو ریش را برهنه کرده بر خاک گذارند و قدری از تربت امام حسین علیه السلام با وی

در قبر نهند بجهت روشنی قبر تا قیامت و پیش از آنکه خشت بر لحد بچینند سنت است

که میت را تلقین ملا نماید باین نحو که بگوید یا عبد الله بن عبد الله

اسمع افهم سه مرتبه و بعد بگوید اذکر العهد الذی خرجت علیه

من دار الدنیا الی دار الآخرة شهادة ان لا اله الا الله وحده

لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله وان مولینا علیا امیر

المؤمنین والحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی

وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی

وعلی بن محمد والحسن بن علی ومحمد بن الحسن صاحب الزمان

تلقین دویم است در لحد قبل از خشت چیدن لحد سنت

ائمتک

ائمتک ائمة الهدی الابرار انوار الله فی البلاد وحججه علی العباد

من یوم الذر الی یوم التناد وهم علیهم السلام المعلون لمعرفة

الرحمن علی جمیع الخلق فی عالم الانوار وعالم الدنیا بهم عرف الله

وبهم عبد الله وبهم وحد الله لانهم ارکان توحیده ومعادن

علومه ومحال مشیته یا عبد الله اکبر ما نسیت واحفظ

ما ذکرت و پس خشت بچینند و چینندهٔ خشت بگوید اللهم صل وحدته

وانس وحشته وارحم غربته واسکن الیه من رحمتک

رحمة یستغنی بها عن رحمة من سواک واحشره مع من کان

یتولاه و سنت است که بعد از چیدن خشت حاضرین غیر ذی رحم به پشت

دست خاک در قبر ریزند و هر یک بگویند انا لله وانا الیه راجعون

هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله اللهم

رزقنا ایماناً و تسلیماً و از پایان قبر بیرون آید و قبر را محکم کند و مقدار چهار
انگشت قبر را مرتفع سازند و خاک غیر قبر بر او نریزند و بر بالین کسی که خشت
گذارند و آب بر قبر پاشی بریزند ابتدا بجانب سر قبر کنند و بر چهار جانب قبر
بریزند و ختم کنند بجانب سر و آنچه زیاد آید بر میان قبر بریزد و آنکه حاضرین
بعد از اتمام قبر دست بر قبر گذارند بنحوی که سر انگشتان بر قبر فرو رود و انگشتان
را گشاده دارد و بگوید که اللهم آنس وحشته و ارحم غربته و
آمن روعته و صل وحدته و اسکن الیه من رحمتک
رحمة یستغنی بها عن رحمة من سواک و احشره مع من
کان یتولاه و هفت مرتبه انا انزلناه بخواند و این دعا را بخواند اللهم جاف
الارض عن جنبیه و اصعد الیک روحه و لقه منک رضوانک
و اسکن قبره من رحمتک ما تغنیه عن رحمة غیرک و چون

خلایق

تلقین سوم

خلایق متفرق شوند ولی میت یا ما ذون از قبل ولی میت بس در حق خود را
نزدیک قبر برد و او را تلقین نماید بایس نحو که یا فلان بن فلان اگر شخص را
نداند بگوید الحمد لله الذی لا یبقی الا وجهه و لا یدوم الا ملکه له
الحکم و الیه ترجعون یا عبد الله بن عبد الله اسمع افهم مرتبه
و بگوید هذا آخر یوم من ایام الدنیا و اول یوم من ایام العقبی
اذکر العهد الذی فارقتنا و خرجت علیه من دار الدنیا الی
دار الآخرة من شهادة ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الهاً
واحداً احداً صمداً فرداً وتراً حیاً قیوماً دائماً ابداً لم یتخذ صاحبة
و لا ولداً و ان محمداً صلی الله علیه و آله عبده و رسوله و
خاتم انبیائه و سید رسله ارسله بالهدی و دین الحق
لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون و ان مولینا امیر

أمير المؤمنين عليًا ولي الله ووصي رسوله وخليفته من
بعده والقائم بأمره وأن الأوصياء من ولده الحسن والحسين
وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر ابن محمد وموسى
بن جعفر وعلي ابن موسى الرضا ومحمد ابن علي وعلي بن محمد
والحسن بن علي ومحمد بن الحسن صاحب الزمان صلوات
الله عليه وعليهم اجمعين حجة الله على الخلق اجمعين هم ائمتك
ائمة الهدى الأبرار واعلم يا عبد الله اذا جاءك الملكان المقربان
الرسولان الكريمان من عند الله عز وجل ويسئلانك
عن ربك وعن نبيك وعن دينك وعن كتابك وعن
قبلتك وعن امامك لا تخف ولا تحزن وقل في جوابهما الله
ربي ومحمد نبيي والاسلام ديني والقرآن كتابي والكعبة قبلتي

وعلي امامي والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد
بن علي وجعفر بن محمد وموسى ابن جعفر وعلي ابن موسى
ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي ومحمد بن الحسن
صلوات الله عليهم اجمعين هم ائمتي وحججي وساداتي وقادتي
بهم اتولى ومن اعدائهم اتبرء ثم اعلم بان الله تعالى نعم
الرب وهو المقصود في العبادات ورفع الحاجات وان محمدًا
نعم الرسول وان عليًا نعم الامام وان الائمة من ولد علي نعم الائمة
وان فاطمة سيدة نساء العالمين نعم الشفيعة وهم الوسائط
بين الله وبين خلقه وهم الولاة والهداة ولولاية حفظ
الثغور وتدبير الامور وتعديل الايام والشهور ثم اعلم يا
عبد الله ان الله نعم لم يزل فردًا منفردًا في الوحدانية ثم

خلق محمداً وعلياً وفاطمة فمكثوا الف دهر ثم خلق الاشياء واشهدهم
خلقها واجرى عليها طاعتهم وجعل فيهم ما شاء وفوض امر الاشياء
اليهم في الحكم والتصرف والارشاد والامر والنهي في الخلق لانهم الولاة
فلهم الامر والولاية والهداية فهم ابوابه ونوابه وحجابه يحللون
ما شاء ويحرمون ما شاء ولا يفعلون الا ما شاء عباد مكرمون
لا يسبقونه بالقول وهم بامره يعملون فهذه الديانة التي من تقدمها
غرق في بحر الافراط ومن نقصهم عن هذه المراتب التي رتبهم الله
فيها زهق في بر التفريط ولم يوف آل محمد حقهم فيما يجب على
المؤمن من معرفتهم ثم اعلم ان ما جاء به محمد حق وان الموت
حق والقبر حق ومنبه حق ورومان فتان القبور الذي يملي
الاعمال على الشخص للكتابة حق وضغطة القبر حق وسؤال منكر

ونكير

ونكير في القبر حق وظهور القائم حق ويرجع في ظهوره الى الدنيا
من محض الايمان محضاً ومن محض الكفر محضاً وكرة محمد وآل
محمد ورجعتهم حق والذي يلي حساب الخلق الحسين في
كرته والبعث حق والنشور حق والحساب حق والوسيلة
حق ولواء الحمد بيد علي حق ومقام المحمود حق والحوض حق و
الشفاعة حق والميزان وميزان الاعمال آل محمد وتطاير الكتب
حق والافق المبين حق وسدرة المنتهى فيها كتاب الابرار في
السماء السابعة حق والصراط حق وكؤود الصراط حق والسؤال
في الصراط حق من حقوق الوالدين وحقوق محمد وآل محمد ورجال
الاعراف هم آل محمد يعرفون كلا بسيماهم حق والجنة وحظائرها
حق والنار وحظائرها حق وان الساعة آتية لا ريب فيها

ولان الله یبعث من فی القبور هذا ما وعدنا الله ورسوله
وصدق الله ورسوله وما زادنا الا ایمانا وتسلیما پس
دستها را بر داشته بگوید اللهم صل وحدته وانس وحشته وارحم
غربته واحشره مع من کان یتولاه من الائمة الطاهرین اللهم
اجعل قبره روضة من ریاض الجنة ولا تجعله حفرة من
حفر النیران برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد
وآله اجمعین روایت در کامل الزیارة از حضرت صادق که فرمودند چون
بزیارت حضرت امام حسین بروی غسل کن در کنار فرات پس جامهای پاک
بپوش و پای برهنه روانه شو بدرستی در حرمی هستی از حرمهای خدا و رسول خدا
و در وقت رفتن الله اکبر و لا اله الا الله و هر ذکر یکه متضمن تعظیم و تمجید حق است
بسیار بگو و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرست و چون بدر حایر و رواق

الی.

اقر علی الدیار دیار لیلی   اقبل ذا الجدار و ذا الجدارا
وما حب الدیار شغفن قلبی   ولکن حب من سکن الدیارا

برسی پس بایست و بگو السلام علیک یا حجة الله وابن حجته
السلام علیکم یا ملئکة الله وزوار قبر ابن نبی الله پس بگو
الله اکبر کبیرا والحمد لله کثیرا وسبحان الله بکرة واصیلا
الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا
الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق پس بگو السلام علیک
یا رسول الله السلام علیک یا نبی الله السلام علیک یا خاتم
النبیین السلام علیک یا سید المرسلین السلام علیک یا
حبیب الله السلام علیک یا امیر المؤمنین السلام علیک
یا سید الوصیین السلام علیک یا قائد الغر المحجلین السلام
علیک یا ابن فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین السلام
علیک وعلی الائمة من ولدک السلام علیک ایها الصدیق

زیارت لا(؟) حسین(؟)

چو زیر بگوید و بر بسیار جان یکیدر
که مبادا بار دیگر نرسی باین مقصد

الشَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللهِ الْمُقِيمِينَ فِي هٰذَا الْمَقَامِ
الشَّرِيفِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ رَبِّيَ الْمُحْدِقِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ مِنِّي أَبَداً مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ پس بگو السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ
الْمُقِرُّ بِالرِّقِّ وَالتَّارِكُ لِلْخِلَافِ عَلَيْكُمْ وَالْمُوَالِي لِوَلِيِّكُمْ وَالْمُعَادِي لِعَدُوِّكُمْ
قَصَدَ حَرَمَكَ وَاسْتَجَارَ بِمَشْهَدِكَ وَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقَصْدِكَ ءَ
أَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللهِ ءَ أَدْخُلُ يَا نَبِيَّ اللهِ ءَ أَدْخُلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
ءَ أَدْخُلُ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ ءَ أَدْخُلُ يَا فَاطِمَةُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
ءَ أَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ ءَ أَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ يَا ابْنَ رَسُولِ
اللهِ پس اگر دلت خاشع گردد و دیده ات گریان شود علامت رخصت است

بس

پیوسته بر بلا دل بیخود ام عشق بخاک حسین کفن بیخود ام از بهر نثار مرقد پاک حسین صد جان اگر بجسم بیخود ام

پس دو گام برو و الله اکبر بگو پس باایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس داخل حرم
عالی شو و بگو الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الَّذِي هَدَانِي لِ
وِلَايَتِكَ وَخَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ وَسَهَّلَ لِي قَصْدَكَ پس برو نزد سر
و پشت بقبله بکن و رو برو حضرت بایست و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
حُجَّةَ اللهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللهِ وَابْنَ قَتِيلِهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللهِ وَابْنَ ثَارِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وِتْرَ اللهِ
الْمَوْتُورَ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ وَ
اقْشَعَرَّتْ لَهُ أَظِلَّةُ الْعَرْشِ وَبَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ وَبَكَتْ لَهُ
السَّمٰوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرَضُونَ السَّبْعُ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَنْ
يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبِّنَا وَمَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى وَ
أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللهِ وَابْنُ

نیست ... ببار
از دو سیل دولاب
و چشمه دو رکاب
زخون دل درجوش
فراخ شده در زیر لب
سید ... دولاب
... ابا عبد الله
...

قتيله واشهد انك ثار الله في الارض وابن ثاره واشهد انك
وتر الله الموتور في السموات والارض واشهد انك قد بلغت
ونصحت ووفيت واوفيت وجاهدت في سبيل ربك و
مضيت للذي كنت عليه شهيدا ومستشهدا وشاهدا
ومشهودا انا عبد الله ومولاك وفي طاعتك والوافد اليك
التمس كمال المنزلة عند الله وثبات القدم في الهجرة اليك
والسبيل الذي لا يختلج دونك من الدخول في كفالتك التي
امرت بها من اراد الله بدا بكم من اراد الله بدا بكم من اراد الله
بدء بكم وبكم يبين الله الكذب وبكم يباعد الله الزمان الكلب
وبكم فتح الله وبكم يختم الله وبكم يمحو الله ما يشاء وبكم يثبت
وبكم يفك الذل من رقابنا وبكم يدرك الله ترة كل مؤمن يطلب

بكم

بكم وبكم تنبت الارض اشجارها وبكم تخرج الاشجار اثمارها وبكم
تنزل السماء قطرها ورزقها وبكم يكشف الله الكرب
بكم ينزل الله الغيث وبكم تسيح الارض التي تحمل ابدانكم وتستقل
جبالها على مراسيها ارادة الرب في مقادير اموره تهبط
اليكم وتصدر من بيوتكم والصادر عما فصل من احكام العباد لعنت
امة قتلتكم وامة خالفتكم وامة جحدت ولايتكم وامة ظاهرت
عليكم وامة شهدت ولم تستشهد الحمد لله الذي جعل النار
مثويهم وبئس ورد الواردين وبئس الورد المورود و
الحمد لله رب العالمين پس سه مرتبه بگو صلى الله عليك يا
ابا عبد الله و سه مرتبه انا الى الله ممن خالفك برئ پس ميروى
نزد قبر على ابن الحسين كه پايين پاى آنحضرت است ميايستى و ميگوئى السلام

علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن امیر المؤمنین
السلام علیک یا ابن الحسن والحسین السلام علیک یا ابن
خدیجة الکبری وفاطمة الزهراء پس سه مرتبه میگوئی صلی الله
علیک و سه مرتبه لعن الله من قاتلک لعن الله من قتلک
انا الی الله منهم بریء پس بر میخیزی و اشاره میکنی بسوی شهدا و میگوئی
السلام علیکم سه مرتبه فزتم والله فزتم والله فزتم والله
فلیت انی معکم فافوز فوزا عظیما پس میگردی و میروی بر پشت
قبر و قبر را برابر خود میگیری و شش رکعت نماز میکنی پس زیارت تمام میشود
اگر خواهی الحال و اگر خواهی برگرد ابن قولویه در کامل الزیارة بسند بسیار
معتبر از ابو حمزه ثمالی روایت کرده که حضرت صادق ع فرمودند که چون اراده
نمائی که زیارت کنی قبر عباس ابن علی را که در کنار فرات است محاذی حایر
میایستی

میایستی بر در روضه و میگوئی سلام الله وسلام ملائکته المقربین
وانبیائه المرسلین وعباده الصالحین وجمیع الشهداء
والصدیقین والزاکیات الطیبات فیما تغتدی وتروح
علیک یا ابن امیر المؤمنین اشهد لک بالتسلیم والتصدیق
والوفاء والنصیحة لخلف النبی المرسل والسبط المنتجب والدلیل
العالم والوصی المبلغ والمظلوم المهتضم فجزاک الله عن رسوله
وعن امیر المؤمنین وعن الحسن والحسین افضل الجزاء
بما صبرت واحتسبت فنعم عقبی الدار لعن الله من قتلک
ولعن الله من جهل حقک واستخف بحرمتک ولعن الله
من حال بینک وبین ماء الفرات اشهد انک قتلت مظلوما
وان الله منجز لکم ما وعدکم جئتک یا ابن امیر المؤمنین

والفداء لكم وقلبي مسلم لكم وانا لكم تابع ونصرتي لكم
معدة حتى يحكم الله وهو خير الحاكمين فمعكم معكم لا مع
عدوكم اني بكم وبايابكم من المؤمنين وبمن خالفكم وقتلكم
من الكافرين قتل الله امة قتلتكم بالايدي والالسن پس
داخل روضه شود وخود را بضريح بچسباند وبگو السلام عليك ايها
العبد الصالح المطيع لله ولرسوله ولامير المؤمنين والحسن
والحسين صلى الله عليهم وسلم السلام عليك ورحمة
الله وبركاته ومغفرته ورضوانه على روحك وبدنك
اشهد واشهد الله انك مضيت على ما مضى عليه ال
البدريون والمجاهدون في سبيل الله والمناصحون له
في جهاد اعدائه الذابون عن احبائه فجزاك الله افضل

الجزاء

الجزاء واكثر الجزاء واوفر الجزاء واوفى جزاء احد ممن وفى
ببيعته واستجاب له دعوته واطاع ولاة امره اشهد انك
قد بالغت في النصيحة واعطيت غاية المجهود فبعثك الله
في الشهداء وجعل روحك مع ارواح السعداء واعطاك
من جنانه افسحها منزلا وافضلها غرفا ورفع ذكرك في
عليين وحشرك الله مع النبيين والصديقين والشهداء
والصالحين وحسن اولئك رفيقا اشهد انك لم تهن
ولم تنكل وانك مضيت على بصيرة من امرك مقتديا با
بالصالحين ومتبعا للنبيين فجمع الله بيننا وبينك و
بين رسوله واوليائه في منازل المخبتين فانه ارحم
الراحمين پس برو بالای سر دو رکعت نماز بکن ودعا بسیار بکن وبگو

اللهم لا تدع لي في هذا المكان المكرم والمشهد المعظم ذنبا
الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا مرضا الا شفيته ولا عيبا
الا سترته ولا رزقا الا بسطته ولا خوفا الا آمنته ولا شملا
الا جمعته ولا غائبا الا حفظته ولا دينا الا اديته ولا حاجة
من حوائج الدنيا والآخرة لك فيها رضى ولي فيها صلاح
الا قضيتها يا ارحم الراحمين پس برگرد بسوی ضریح نزد پاهای حضرت
بایست و بگو السلام عليك يا ابا الفضل العباس ابن امير
المؤمنين السلام عليك يا ابن سيد الوصيين السلام
عليك يا ابن اول القوم اسلاما واقدمهم ايمانا واقومهم بدين
الله واحوطهم على الاسلام اشهد لقد نصحت لله ولرسوله
ولاخيك فنعم الاخ المواسي فلعن الله امة قتلتك ولعن الله
امة

امة ظلمتك ولعن الله امة استحلت منك المحارم وانتهكت
في قتلك حرمة الاسلام فنعم الصابر المجاهد المحامي الناصر
والاخ الدافع عن اخيه المجيب الى طاعة ربه الراغب فيما
زهد فيه غيره من الثواب الجزيل والثناء الجميل فالحقك الله
بدرجة آبائك في دار النعيم اللهم اني تعرضت لزيارة
اوليائك رغبة في ثوابك ورجاء لمغفرتك وجزيل احسانك
فاسئلك ان تصلي على محمد وآله الطاهرين وان تجعل
رزقي بهم دارا وعيشي بهم قارا وزيارتي بهم مقبولة
وحياتي بهم طيبة وادرجني ادراج المكرمين واجعلني
ممن ينقلب من زيارة مشاهد اوليائك منجحا مفلحا
قد استوجب غفران الذنوب وستر العيوب وكشف

الکریم انک اهل التقوی واهل المغفرة وچون خواهی که وداع
کنی برو نزد قبر و بایست و بگو استودعک الله واسترعیک و
اقرء علیک السلام امنا بالله وبرسوله وبکتابه وبما
جاء به من عند الله اللهم اکتبنا مع الشاهدین اللهم لا
تجعله اخر العهد من زیارتی قبر ابن اخی رسولک و
ارزقنی زیارته ابدا ما ابقیتنی واحشرنی معه ومع
ابائه فی الجنان وعرّف بینی وبینه وبین رسولک و
اولیائک اللهم صل علی محمد وال محمد وتوفنی علی الایمان
بک والتصدیق برسولک والولایة لعلی ابن ابیطالب و
الائمة من ولده والبرائة من عدوهم فانی قد رضیت یا رب
بذلک و دعا کن برای خود و برادران مؤمن و مسلمانان را هم دعا کن خواهی کرد

تمام شد [illegible] ١٢٤١

بجهت حفظ ایات سبعه بخوانند   بی باب زیارت بعد بسم الله الرحمن الرحیم قل لن یصیبنا اول
الا ما کتب الله لنا هو مولینا وعلی الله فلیتوکل المؤمنون   بجانب چپ بعد (٢)
وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان یردک بخیر فلا راد لفضله یصیب
به من یشاء من عباده وهو الغفور الرحیم   پیش رو بعد وما من دابة ٣
فی الارض الا علی الله رزقها ویعلم مستقرها ومستودعها کل فی ٤
کتاب مبین   پشت سر بعد (عقب سر بعد) انی توکلت علی الله ربی وربکم وما من دابة
الا هو اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم   بجانب راست بعد ٥
وکاین من دابة لا تحمل رزقها الله یرزقها وایاکم وهو السمیع العلیم
بجانب زیارت بعد ما یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک لها وما ٦
یمسک فلا مرسل له من بعده وهو العزیز الحکیم   بالای سر بعد ولئن ٧
سألتهم من خلق السموات والارض لیقولن الله قل افرأیتم ما تدعون

سورة الحشر

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ وازنیه در جمیع اوقات حسن نزد الله الفعل ما کهدران

من دون الله ان ارادني الله بضر هل هن كاشفات ضره او ارادني

برحمة هل هن ممسكات رحمته قل حسبي الله عليه يتوكل المتوكلون

و از مشایخ رسیده خواندن این حرز در ... ادعت نفسي واهلي

ومالي وولدي ومن معي وما معي في ارض محمد سقفها وعلي بابها

وفاطمة والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي

والحسن والحجة المنتظر حيطانها والملئكة حرسها والله من ورائهم

محيط بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ و بطریق دیگر ... رسیده

اودعت نفسي ومالي واهلي وولدي في ارض الله سقفها ومحمد

حيطانها وعلي بابها والحسن والحسين والائمة المعصومون والملئكة

حرسها والله من ورائهم محيط بها بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ و بطریق

دیگر از بزرگان رسیده محمد رسول الله صلى الله عليه وآله امامي وفاطمة

بنت رسول الله صلوات الله عليها فوق راسي وامير المؤمنين علي

بن ابيطالب وصي رسول الله وصلوات الله وسلامه عليه عن يميني والحسن والحسين

وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والحجة المنتظر امامي

صلوات الله وسلامه عليهم عن شمالي وابوذر وسلمان ومقداد وحذيفة

وعمار واصحاب رسول الله رضي الله تعالى عنهم من ورائي والملئكة

عليهم السلام حولي والله ربي تعالى شانه وتقدست اسمائه

محيطي وحافظي وحفيظي والله من ورائهم محيط بل هو قرآن

مجيد في لوح محفوظ فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين

حضرت رسول صلعم فرمودند که هر که خواهد از شر ... محفوظ ... صباح بگو

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم خداوند تو را از شر ... محفوظ ... و هر که خواهد که از

غرق ... محفوظ ... بسم الله ما شاء الله لا يصرف

السّوءَ اِلّا اللهُ بِسمِ اللهِ ما شاءَ اللهُ لا يَسوقُ الخَيرَ اِلّا اللهُ بِسمِ اللهِ
ما شاءَ اللهُ ما يَكونُ مِن نِعمَةٍ فَمِنَ اللهِ بِسمِ اللهِ ما شاءَ اللهُ لا حَولَ وَلا
قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ بِسمِ اللهِ ما شاءَ اللهُ وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّيِّبينَ کسیکه سه مرتبه در صبح بخواند ایمن گردد از حرق و غرق و سرق تا شام و کسیکه
سه مرتبه در شام بخواند ایمن گردد از حرق و غرق و سرق تا صباح و حضرت خضر و الیاس هر
ملاقات یکدیگر نمایند با این کلمات از یکدیگر جدا گردند و این کلمات شعار شیعیان آل محمد ص است

و این کلمات از اعمال مجرب است یابنده [illegible] ز خروج قایم علیه السلام

ختم تجربه صفای باطن

در بیان کشف قلوب و صفای باطن در مدت یکصد و بیست روز ختم این آیات تا یا نام رسد
و بعد دیگر او قیام نماید و بعد دیگر او یکصد و شصت و پنج از روز و یکصد و شصت بار و باید که این
ایام هر روز پیش صبح صادق تا بعد از طلوع آفتاب یکصد و چهل و سه بار بخواند و ایام ختم تمام
تا رسید ابواب علوم غریبه از مکاشفات و غیبیات بروی مفتوح گردد و اگر بیشتر نکرد و عدد
وسیط او زنیک مجلس کرد نفی چهار بار در خلوت بخواند و نکو رسوا شد از علم ادریس
و دانیال عم با بهره گردد و اگر بیشتر نکرد در خلوت و عزلت و صوم و سکوت لازم آید و اگر نتواند
بعد ختم هر روز چهارده بار بخواند تا چهل روز از کنوز غیبیات و کیمیا و هندسه و رد ب

ارواح

ارواح و ظهور عجایب و غرایب بباطن او جلوه کند و از جهت کشف حجاب معقولات
و وقوف بر ضمایر الناس و خبر از عالم غیب و فتح مشکلات کلی بنویسد بر ورق زیتون نمک
و زعفران فرو شوید با آب باران نیسان در شیشه کند و چهل روز هر روز از آن قدری بجای
در شربت یا در طعام کند با آنکه بعد از آنکه عدد صغیر کرده بار حب بران طعام یا شربت خوانده باشد
چنانچه بیان باتمام رسد شب چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه این آیات را هفت مرتبه که عدد ختم است
بخواند چون از عالم غیب برو ظاهر گردد و در امور مشکلات ره جوش کشته دیرگاه بعد
ختم هر روز بخواند مفید باشد و خواص این آیات زیاد از شرح است اختصار یافت و عامل ...
بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ الم اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الحَيُّ القَيّومُ نَزَّلَ عَلَيكَ الكِتابَ بِالحَقِّ
مُصَدِّقًا لِما بَينَ يَدَيهِ وَاَنزَلَ التَّوراةَ وَالاِنجيلَ مِن قَبلُ هُدًى لِلنّاسِ وَاَنزَلَ
الفُرقانَ اِنَّ الَّذينَ كَفَروا بِآياتِ اللهِ لَهُم عَذابٌ شَديدٌ وَاللهُ عَزيزٌ
ذُو انتِقامٍ قُلِ اللّهُمَّ مالِكَ المُلكِ تُؤتِي المُلكَ مَن تَشاءُ وَتَنزِعُ المُلكَ
مِمَّن تَشاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشاءُ بِيَدِكَ الخَيرُ اِنَّكَ عَلى
كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ تولِجُ اللَّيلَ فِي النَّهارِ وَتولِجُ النَّهارَ فِي اللَّيلِ وَتُخرِجُ
الحَيَّ مِنَ المَيِّتِ وَتُخرِجُ المَيِّتَ مِنَ الحَيِّ وَتَرزُقُ مَن تَشاءُ بِغَيرِ حِسابٍ
وَعِندَهُ مَفاتِحُ الغَيبِ لا يَعلَمُها اِلّا هُوَ وَيَعلَمُ ما فِي البَرِّ وَالبَحرِ وَما
تَسقُطُ مِن وَرَقَةٍ اِلّا يَعلَمُها وَلا حَبَّةٍ في ظُلُماتِ الاَرضِ وَلا رَطبٍ
وَلا يابِسٍ اِلّا في كِتابٍ مُبينٍ الر كِتابٌ اُحكِمَت آياتُهُ ثُمَّ فُصِّلَت
مِن لَدُن حَكيمٍ خَبيرٍ وَاَمَّا الجِدارُ فَكانَ لِغُلامَينِ يَتيمَينِ فِي المَدينَةِ

ختم صفات الهی

وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا
أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ
وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ
فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ
مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ
وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ
اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ختم از برای حصول حوائج و هلاک
شدن دشمن و رفع خوف و عقد لسان جمیع خصمان هزار و یک بار بخوانند إِنَّا نَحْنُ
نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ختم از برای فرج و روزی و استجابت دعا و نزدیک
شدن به الله تعالی و برآمدن حاجت بود پنج آیات قیام نماید و بعد از وضو هفت بار و بعد
از هر نماز پیش از آنکه کسی گوید هفت بار بخواند مراد یابد وَإِذَا سَأَلَكَ
عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا
لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ختم بجهت ادای قرض و برآمدن
مرادات کلی و جزوی و خلاص از حبس و رفع مرض و دشمن و رفع حزن و اندوه
این آیه کریمه را هفتاد هزار بار بخواند هیچ روز کم نخواند مگر زیادت کند
اول یا آخر لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

بلغ [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

بدانکه این حزب البحر امام شاذلی قدس سره در جمیع مهمات دینی و دنیوی مجربست
و مشایخ طریقت و پیران حقیقت فرموده‌اند که در هر مهمی عدد معین دارد و
شرایط میان و این معنی از اسرار خفیه و حقایق علیه است و اولیای کبار
و اتقیای ابرار مبالغه فرموده اند که این حزب را بجهت هر مهمی که بخوانند و شرایط آنرا
رعایت کنند تخصیص در دوستی و هلاک دشمن و عقد اللسان و شفای امراض
و امن راه و سلامتی سفر و حفظ کشتی و تسخیر سلاطین و ادای قرض و کشایش
بخت و توانگری و زیادتی فهم دل و کمال معرفت حق و سلامتی ایمان از غارت
شیطان و گفته اند که زنهار صد هزار زنهار که این حزب را بغیر اهل نگویند
رخصت کسی راست که صفای باطن داشته باشد و در هر مهمی عددی از صغیر
معین کرده اند که عدد کبیر و وسط هر کس را میسر نشود و شرط مختصر آنست

که دوازده روز روزه دارد و دعوت کند از یک باب که اختیار کند
تا دشمن روان گردد بعد ازان بهر مهمی که خواند اجابت شود و اگر هر روز خواند
و ورد خود سازد چون یکسال بخواند بعد ازان بهر چیزی که یکبار یک سه بار بخواند
مهم کفایت شود و هر کار که هست بسعی حاصل شود و رعایت شرایط از
واجبات است اما بجهة دوستی چهل و یکبار بر گلاب خواند و چون باین محل
رسد که وَهَبْ لَنَا رِيحًا طَيِّبَةً هفتاد بار بگوید يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ
الا حُبًّا لِلَّهِ بعد ازان بگوید خداوندا محبت و الفت و مودت فلان بن
فلانه در دل و جان و روح و روان و جمیع جوارح و مغز و استخوان فلان بنت
فلان بن فلان پدید کنی چنانکه یک لحظه و یک ساعت بی یکدیگر نتوانند بود
آیان آیان آیان و در هر وقتی که آیان گوید کف دست راست بر زبان زند
و حاجت را گوید و باد بران گلاب دمد و چون دعوت سه روز بسر

طریق

[illegible]

طریق تمام شود گلاب را در شیشه کند و هر روز قدری بجامه خود ریزد و بر کف
دست کند و بروی خود فرود آورد اما بجهت دفع دشمن و عقد اللسان
روز سی و سه نوبت بخواند و چون باین لفظ رسد که وَاطْمِسْ عَلَىٰ وُجُوهِ
أَعْدَائِنَا هفتاد بار بگوید که یا قاهر ذا البطش الشدید یا من لا
يطاق انتقامه بعد ازان بگوید خداوندا بمکر و قهر و غضب فلان بن فلا
از فلان بن فلانه باز دار و او را مشغول گردان و چشم و زبان و گوش او را بسته
دار روز و او را هلاک گردان فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ اما بجهة شفای امراض هر روز دوازده بار بخواند و چون به
بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و هو
السمیع العلیم رسد هفتاد بار بگوید وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ
وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ یا شافی شفا ده فلان بن فلان را از جمیع رنج و الم

کر باشد بگوی بسم الله الرحمن الرحیم اما بجهت امن راه و سفر و سلامتی پیش
از آنکه سفری پیش آید و مسافر خواهد شد سه روز هر روز دوازده بار بخواند
و چون بدین محل رسد که بحول الله لا یقدر علینا هفتاد بار بگوید یا حفیظ
احفظنی من جمیع الآفات یا ارحم الراحمین و چون مسافر شود در هر
منزلی که فرود آید یکبار بخواند و در راه هر مقامی که مخوف باشد یکبار بخواند ایمن
شود اما بجهت حفظ کشتی پیش از آنکه بکشتی بنشینند سه روز هفده بار بخوانند
و چون بدین محل رسد که وسخر لنا هذا البحر هفتاد بار بگوید خداوند خود را
و مال خود را و رفیقان خود را و مال ایشان را بودیعت بتو سپاردم بسلامت مارا
بساحل برسان و چون بکشتی نشیند بعد از هر نماز پنجگانه بخواندن این حزب
قیام نماید و اگر عیاذا بالله طوفان در دریا واقع شود بجهت تمام و بتضرع بسیار بخوانند
که بتوفیق الله تعالی نجات یابد اما بجهت تسخیر قلوب سلاطین و حکام و اهل دولت

سه روز

سه روز هر روز بیست و یکبار بخواند و چون بدین محل رسد که یا من بیده
ملکوت کل شیء هفتاد بار بگوید یا عزیز یا عزیز یا عزیز عزیز گردان
مرا در چشم فلان بن فلانه و نام آن بزرگ را بر زبان راند و بعد از آن سه نوبت
سوره انا انزلناه بخواند و چون دعوت تمام کند هرگاه که بجانب آنکس رود در راه
بخواند که چون تمام شود عجایب مشاهده کنند اما بجهت اداء قرض سه روز هر روز
پانزده بار بخواند و چون بدین محل رسد که وارزقنا فانک خیر الرازقین
هفتاد بار بگوید اللهم اکفنی بحلالک عن حرامک واغننی بفضلک
عمن سواک که باندک روزی قرض گذارده شود ان شاء الله تعالی اما بجهت کشایش
بخت هر روز سی و یکبار بخواند و بر آب دمد و اگر آب باران بهم باشد
بهتر و الا آب چاه که آفتاب ندیده باشد و چون بدین محل رسد که
وافتح لنا فانک خیر الفاتحین هفتاد بار بگوید قل اللهم مالک الملک

لِابْتِغٰی حِسٰابٍ آنکه بدان آب دست و پای و روی خود را بشوید و آنرا
بجای پاک ریزد که دست و پای بدان کسی نرسد و یا بر آب روان ریزد که عنقریب
مراد حاصل شود اما بجهة تحصیل مال و توانگری سه روز هر روز بیست و هفت
بار بخواند و چون بدین محل رسد که وَانْشُرْهَا عَلَیْنَا مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَتِکَ
هفتاد بار بگوید یا غَنِیُّ اَعْطِنِی رِزْقًا حَلَالًا طَیِّبًا وَاسِعًا بِغَیْرِ حِسَابٍ
و هر روز سعی کند که هفت کس از فقرا و مساکین را نان و شیرینی دهد
که مراد بیابد اما بجهة زیادتی فهم هر روز پانزده بار بخواند و چون بدین محل زیادتی فهم
رسد که بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِیدٌ فِی لَوْحٍ مَحْفُوظٍ هفتاد بار بگوید یا رَبِّ
اشْرَحْ لِی صَدْرِی وَیَسِّرْ لِی اَمْرِی وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِی
یَفْقَهُوا قَوْلِی و بر آن شیرینی و چیز لطیف خواند و هر روز ناشتا از آن بیاشامد
و قدرت حق به بیند اما بجهة کمال معرفت حق و غلبه حال هر روز نوزده کمال معرفت

نوبت

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون هو الذی خلقکم من طین ثم قضی اجلا واجل مسمی عنده ثم انتم تمترون

نوبت بخواند و چون بدین محل رسد که مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ یَلْتَقِیَانِ بَیْنَهُمَا بَرْزَخٌ
لَا یَبْغِیَانِ هفتاد بار بگوید که لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ
الظَّالِمِینَ و در آخر بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ کَمَالَ الْمَعْرِفَةِ وَحَقِیقَةَ
الْیَقِینِ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اما بجهة سلامتی ایمان از غارت
شیطان هر روز ده نوبت بخواند و چون بدین محل رسد که حَسْبِیَ اللّٰهُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ هفتاد بار بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ اِیمَانًا صَادِقًا وَیَقِینًا کَامِلًا وَقُلْ رَبِّ اَعُوذُ
بِکَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّیَاطِینِ وَاَعُوذُ بِکَ رَبِّ اَنْ یَحْضُرُونِ و بدانکه
فواید و خواص این حزب بسیارست این قدر بجهة سالکان ثابت قدم بقلم
آمد و اگر کسی از رعایت دعوت و شرایط آن بیرون نیاید دیگری که حزب
خوان باشد و اجازت بدو رسیده باشد تعلیم کند تا بنیابت او بخواند

وبی اجازت بهیچ وجهی نخواند تا فایده ان بدان کس برسد و آخر دعوت مقصودی
ذبح کند خواه کوسفند و خواه مرغ و خواه گاو در اکثر تواند و در محل دعوت سه
روز هر روز چیزی بدرویشان دهد تا مقصود زود بحصول پیوندد و دیگر اگر
بنیت دوام عمر و کارهای کلی خواند در آخر دعوت سه نوبت اِنَّا كَفَيْنَاكَ
الْمُسْتَهْزِئِينَ تا آخر سوره بخواند و اگر بنیت چشم زخم خواند و دفع عداوت سه نوبت
آیه وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ
يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ بخواند و چهار قل بخواند و اگر
به نیت ضعف دشمن خواند سه نوبت سوره اِذَا زُلْزِلَتْ بخواند و اگر مهم کلی دست
دهد هر آیه که در این حزب بهست سوره آن آیه اختیار کند و بتمام بخواند که مراد حاصل شود
و چون خواهد که حزب البحر بخواند اول باید که از جهت شیخ ابو الحسن شاذلی و بجهت استاد اول
سوره فاتحة الکتاب یکبار و آیة الکرسی یکبار و توحید سه بار بخواند و ده بار صلوات

فرستد

فرستد و از حضرت شاه مردان امیر المؤمنین علیه السلام همت و مدد طلبد بتضرع و ابتهال
پس از آن شروع در اعتصام کند پس فاتحه بخواند و این آیه بخواند ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم
مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَىٰ طَائِفَةً مِّنكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ
أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا
مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ
لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُل لَّوْ كُنتُمْ
فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ
مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ
بعد از آن بگوید مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ
بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ
فِي وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي

صد بار صلوات بفرستد و صد بار استغفر الله بگوید و صد نوبت سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و با وضو و رو به قبله بنشیند

الانجيل كزرع اخرج شطأه فآزره فاستغلظ فاستوى على سوقه
يعجب الزراع ليغيظ بهم الكفار وعد الله الذين آمنوا وعملوا
الصالحات منهم مغفرة واجرا عظيما پس بگوید رب یسر وسهل
ویسر ولا تعسر علینا یا رب پس حروف تهجی بیک نفس بخواند ودر وقت
خواندن بهر حرفی انگشتی عقد نماید وابتدا از انگشت کوچک دست راست کند و
بترتیب عقد کند و چون پنج انگشت دست راست عقد کرده باشد انگشت کوچک
از دست چپ عقد کند بطریق مذکور و بعد از ان دیگر بهر حرفی انگشتی را که بد
بطریقی که عقد نموده یعنی ابتدا از انگشت کوچک دست راست کند و با بهام دست
چپ برساند باز بدستور سابق بهر حرفی انگشتی عقد کند و لام الف را نیز بگوید
و بعد از یا الف را بگوید تا سی حرف تمام شود و تمام انگشتها عقد شود بعد از ان شروع
در خواندن حزب نماید و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا الله یا علی

یا عظیم

يا عظيم يا حليم يا عليم انت ربي وعلمك حسبي فنعم الرب ربي
ونعم الحسب حسبي تنصر من تشاء وانت العزيز الرحيم نسألك
العصمة في الحركات والسكنات والكلمات والارادات والخطرات
من الشكوك والظنون والاوهام الساترة للقلوب عن مطالعة
الغيوب فقد ابتلي المؤمنون وزلزلوا زلزالا شديدا واذ
يقول المنافقون والذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله
الا غرورا فثبتنا وانصرنا وسخر لنا هذا البحر كما سخرت البحر لموسى و
سخرت النار لابراهيم وسخرت الجبال والحديد لداود وسخرت الريح
والشياطين والجن والانس لسليمن وسخرت البراق لمحمد
صلى الله عليه وآله وسلم وسخر لنا كل بحر وبر هو لك في
الارض والسماء والملك والملكوت وبحر الدنيا وبحر الآخرة و

وسخر لنا كل شيء يا من بيده ملكوت كل شيء كهيعص كهيعص
كهيعص انصرنا فإنك خير الناصرين وافتح لنا فإنك خير الفاتحين
واغفر لنا فإنك خير الغافرين وارحمنا فإنك خير الراحمين وارزقنا
فإنك خير الرازقين واهدنا ونجنا من القوم الظالمين وهب لنا
ريحا طيبة كما هي في علمك وانشرها علينا من خزائن رحمتك
واحملنا بها حمل الكرامة مع السلامة والعافية في الدين والدنيا
والآخرة إنك على كل شيء قدير اللهم يسر لنا أمورنا مع الراحة
لقلوبنا وأبداننا والسلامة والعافية في ديننا ودنيانا و
كن لنا صاحبا في سفرنا وخليفة في أهلنا واطمس
على وجوه أعدائنا وامسخهم على مكانتهم فلا يستطيعون المضي
ولا المجيء إلينا ولو نشاء لطمسنا على أعينهم فاستبقوا الصراط

فأنى يبصرون ولو نشاء لمسخناهم على مكانتهم فما استطاعوا
مضيا ولا يرجعون فقل رب احكم بالحق وربنا الرحمن المستعان
على ما تصفون بسم الله الرحمن الرحيم يس والقرآن الحكيم إنك
لمن المرسلين على صراط مستقيم تنزيل العزيز الرحيم لتنذر
قوما ما أنذر آباؤهم فهم غافلون لقد حق القول على أكثرهم
فهم لا يؤمنون إنا جعلنا في أعناقهم أغلالا فهي إلى الأذقان
فهم مقمحون وجعلنا من بين أيديهم سدا ومن خلفهم سدا
فأغشيناهم فهم لا يبصرون شاهت الوجوه شاهت الوجوه
شاهت الوجوه وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل
ظلما طس طسم حم عسق مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا
يبغيان حم حم حم حم حم حم حم اللهم لا تقتلنا بغضبك ولا تهلكنا

حزب بحر

بعدلك وعافنا قبل ذلك اللهم لا تؤاخذنا بسوء عملنا ولا
تسلط علينا من لا يرحمنا وكف أيدي الظالمين وألسنتهم
عنا يا حفيظ احفظنا ويسر أمورنا وحصل مرادنا حم
الأمر وجاء النصر فعلينا لا ينصرون حم تنزيل الكتاب من الله
العزيز العليم غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي
الطول لا إله إلا هو إليه المصير بسم الله بابنا تبارك حيطاننا
يس سقفنا كهيعص كفايتنا حمعسق حمايتنا فسيكفيكهم
الله وهو السميع العليم ستر العرش مسبول علينا وعين الله
ناظرة إلينا بحول الله لا يقدر علينا والله من ورائهم محيط
بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ فالله خير حافظا وهو
أرحم الراحمين إن وليي الله الذي نزل الكتاب وهو يتولى

الصالحين

الصالحين حسبي الله لا إله إلا هو عليه توكلت وهو رب
العرش العظيم سبع مرات ويقول ثلث مرات ولا حول ولا قوة إلا
بالله العلي العظيم ثم يقول إن الله وملائكته يصلون على النبي يا
أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما وصلى الله على
خير خلقه محمد وآله أجمعين سبحان ربك رب العزة عما يصفون
وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين يا الله يا نور يا
حق يا مبين اكسني من نورك وعلمني من علمك وفهمني عنك
وأسمعني منك وأبصرني بك وأفنني بشهودك وعرفني الطريق
إليك وهونها علي بفضلك إنك على كل شيء قدير يا سميع يا
عليم يا حليم يا عظيم اسمح علي بخصائص لطفك آمين آمين
آمين يا رب العالمين

أعوذ بكلمات الله التامات كلها

من شر ما خلق يا عظيم السلطان يا قديم الاحسان يا دائم النعم
يا باسط الرزق يا واسع العطاء يا دافع البلاء يا سامع الدعاء
يا حاضراً ليس بغائب يا موجوداً عند الشدائد يا خفي اللطف
يا لطيف الصنع يا حليماً لا يعجل يا جواداً لا يبخل اقض حاجاتنا
ومراداتنا بحق محمد وآله اجمعين برحمتك يا رب ثلث مرات

ختام حزب البحر بطرح ق الداماد ره أعوذ بكلمات الله التامات
كلها من شر ما خلق وذرأ وبرأ يا عظيم السلطان يا قديم
الاحسان يا دائم النعم يا باسط الرزق يا واسع العطاء يا دافع
البلاء يا سامع الدعاء يا حاضراً ليس بغائب يا موجوداً
عند الشدائد يا خفي اللطف يا لطيف الصنع يا مجمل الستر
يا حليماً لا يعجل يا جواداً لا يبخل اقض حاجتي ومرادي الف

مهماتنا

مهماتنا وانجح طلبتنا بحرمة محمد وآله اجمعين وصلى الله
على سيدنا محمد وآله اجمعين الطيبين الطاهرين برحمتك
يا ارحم الراحمين اللهم هذا الدعاء منا ومنك الاجابة و
منا الجهد وانت المستعان وعليك التكلان ولا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم يا رحمن يا رحيم ارحم علينا وعلى
آبائنا وامهاتنا وآباء جميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين
والمسلمات الاحياء منهم والاموات تابع بيننا وبينهم بالخيرات
انك مجيب الدعوات ودافع الدرجات يا حي يا قيوم يا الله
يا عزيز يا عزيز يا عزيز عززني بعزتك وجلالك وقدرتك
وعلمك آمين يا رب العالمين حرز وآيات حجاب بروايت از
حضرت امير المؤمنين علي بن ابيطالب كه هر كس اين حجاب در هر صباح بخواند

هیچ نوع المروآفت بوی نرسد وانواع فایده وخاصیت بسیار دیده شد در بین حرز بسیار است
که اگر از ذکر نماید موجب اطناب میشود وی باید که در عقب نماز بامداد
روی بقبله با طهارت وخضوع وخشوع تلاوت نماید ودست از خواندن
باز ندارد تا خاصیت بیند وملالت نبیند از شیاطین وجن وانس بسم
الله الرحمن الرحيم احتجبت بنور وجه الله القديم الكامل و
تحصنت بحصن الله القوي الشامل ورميت من بغى علي بسم
الله وسيفه القاتل اللهم يا غالبا على امره ويا قائما فوق
خلقه ويا حائلا بين المرء وقلبه حل بيني وبين الشيطان
ونزغه وبين ما لا طاقة لي به من احد من عبادك كف
عني السنتهم واغلل ايديهم وارجلهم واجعل بيني وبينهم
سدا من نور عظمتك وحجابا من قوتك وجندا من

سلطانك

سلطانك انك حي قادر على ما تشاء اغش عني ابصار
النور وابصار الظلمة حتى لا ابالي عن ابصارهم يكاد سنا
برقه يذهب بالابصار وهو حسبي بسم الله الرحمن الرحيم
كهيعص بسم الله الرحمن الرحيم حمعسق كماء انزلناه من
السماء فاختلط به نبات الارض فاصبح هشيما تذروه
الرياح هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة
هو الرحمن الرحيم يوم الازفة اذ القلوب لدى الحناجر كاظمين
ما للظالمين من حميم ولا شفيع يطاع علمت نفس ما
احضرت فلا اقسم بالخنس الجوار الكنس والليل اذا
عسعس والصبح اذا تنفس ص والقرآن ذي الذكر بل
الذين كفروا في عزة وشقاق شاهت الوجوه شاهت

الوجوه شاهت الوجوه عميت الابصار وكلّت الالسن وعنت
الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما اللهم اجعل خيرهم
بين عينيهم وشرهم تحت قدميهم وخاتم سليمان بين اكتافهم
سبحان الله القادر القاهر الكافي فسيكفيكهم الله وهو السميع
العليم صبغة الله كهيعص كفينا حمعسق حمينا واحسنا هو
الله القادر القاهر الكافي وجعلنا من بين ايديهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون اولئك الذين
طبع الله على قلوبهم وسمعهم وابصارهم واولئك هم الغافلون
وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطيبين وعترته الطاهرين

لقضاء الحوائج

بسم الله الرحمن الرحيم

در کتاب حرز الامان مذکور است جهت تسخیر اسباب دنیا و آخرت اَلْباعِثُ هر که دست
الله او زنده کرده هر که بر فراش دست بر سینه نهاده بگوید این اسم را صد بار دل مرده او زنده گردد
و اگر بعدد مجمل که پانصد و هفتاد و سه است یا بعدد مفصل که هفتصد و چهل و پنج است
بخواند اولی و اقرب است اَلْغَفُورُ هر که در سجود [illegible] روایت است سه بار بعدد
مجمل یا هر روز سیصد و پنجاه و پنج بار بعدد مفصل این اسم شریف را بگوید ظلمت و تاریکی از دل وی
زایل گردد و صفای ظاهر و باطن روی دهد اَلْفَتّاحُ هر که بعد از نماز فرض دست بر سینه
نهد و هفتاد بار بگوید یا فتّاح ظلمت از دل او برطرف شود و باطن او روشن گردد و اگر بعدد
مجمل که چهارصد و هشتاد و نه است مداومت کند یا مفصل که [illegible] اثر آن قوی‌تر باشد
اَلْقُدُّوسُ هر که بعد از زوال صد و هفتاد بار بعدد مجمل یا سیصد و چهل و نه بار بعدد مفصل
بخواند دل وی پاک گردد و اگر هر روز [illegible] مداومت نماید صفات تمام حاصل کند اَلْمَلِكُ

هر که این اسم را هر روز هزار و بیست و هشت بار بعدد مفصل وی بخواند دل وی روشن شود و حجر
در طواف کعبه و هر که بعد از نماز فریضه بر این ذکر بعدد مذکور مواظبت نماید نور و صفا مضاعف
شود و صاحب دار النظیم گفته که هر که دائم نظر افکند بر حروف این اسم بعد از آنکه کتابت کرده باشد
بر این صورت ال م ل ك و باید که از این جمله که حروف وسط اکه میم است منظور دارد
و هر روز چهل بار نظر بر حرف میم کار دو در این حال باید که بر طهارت کامل باشد و هر بار
این قل اللهم مالک الملک تا الی قوله تعالی بغیر حساب قراءت کند حق تعالی اسباب دنیا و آخرت
بر وی ارزان گرداند عنه و جهه و در برهان کتابت بجهت تحصیل علوم و تکمیل فهوم الحق
هر که بعد از فریضه صد و هشت بار بعدد مجمل وی یا صد و الف بار بعدد مفصل وی بخواند حق تعالی
علم فرقان وی ارزانی گرداند و در این باب خلاف خاص داده که همیشه حق را از باطل جدا کند
و در شرح اسماء الله آورده که هر که اجزاء کم شود بنویسد بر چهار گوشه کاغذ مربع این اسم شریف را
و در نیمه شب بدست گرفته رو به آسمان کند و ساعتی نگاه دارد و در این اثنا صد الف

بار بگوید

بار بگوید آن گم شده بزودی یافت شود الخالق الشریع صاحب النظیم آورده
که ذو القوة متین فرموده که اسم اعظم الله تعالی این اسم بزرگوار است که بوی دعا کنند به آن ب
مقرون کهف صاحب کشف المعارف آورده که این اسم را در سرعت اجابت دعوات اثر عظیم تمام است
و هر که این اسم را دائم گوید هرچه از امور خفیه و اسرار دقیقه خواهد حق تعالی بر وی ظاهر گرداند و هر که
خواهد که بجائی بزرگ مشرف شود که غیر در او راه در نیافته باشد این اسم شریف را بر بازوی خود بت
حف بنویسد و یک هفته هر روز به قصد چهل و چهار بار بخواند که الشریع گوید بالو ذالام توقیف
که عدد مفصل اوست یا با لفظ الشافی چهار بار بخواند بجای آنکه یا سریع گوید و هر روز
بعد از اتمام ذکر این دعا را بخواند که اللَّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِاِسْمِکَ السَّرِیعِ الْمُجِیبِ
الْقَرِیبِ الَّذِی جَرَتْ بِهِ فَوَاتِحُ رَحْمَتِکَ وَخَوَاتِیمُ اِرَادَتِکَ وَسُرْعَةِ
اِجَابَتِکَ یَا سَرِیعُ لِمَنْ قَصَدَهُ یَا قَرِیبُ لِمَنْ سَأَلَهُ یَا مُجِیبُ لِمَنْ دَعَاهُ
اَسْرِعْ بِی لِقَضَاءِ حَاجَتِی وَبُلُوغِ اِرَادَتِی یَا سَمِیعُ یَا مُجِیبُ

یا سَمیعُ یا قَریبُ آمین و چنین نیز دعا را با شرایط و آداب تقدیم رسانند حق تعالی
ویرا حاجتی بزرگ مشرف سازد و اگر خواهد که ارواح اهل ارواح کند و با ایشان سخن گوید
و از ایشان سخن شنود بهمین عمل قیام نماید تا حق تعالی دیده دل وی کشف شود و بدان دیده روحانیان
روحانیان را مشاهده کند و با ایشان مکالمه نماید و هر سؤالیکه از ایشان کند جواب با صواب
شنود و هر مرادیکه از ایشان خواهد به لحظه بیابد الْقَرِیبُ صاحب التفهیم آورده که
بعضی از اکابر دین گفته اند که اسم اعظم الله تعالی این اسم بزرگوار است و خواص وی عظیم است و صاحب
المعارف آورده که مداومت بر این اسم شریف بعدد مجمل که سیصد و دوازده است یا بعدد مفصل وی
که سیصد و الف و شصت است موجب فتح باب مکاشفه و اسرار است مشروط که رعایت آداب و شرایط کاملا
کرده باشد و اگر بعد از فریضه بر عدد مفصل مواظبت نماید در حصول مقصود اتم باشد الْمُبِینُ
در شمس المعارف آورده که هر که هر روز این اسم را هزار بار در خلوت و خلوص معنی بخواند و در
حال ذکر که صورت لایقه بکار برد و سایر شرایط که در طریق کلام مقرر شده رعایت کند

ارواح

ارواح بروی ظاهر شوند و بر صفت انقیاد پیش آیند و از انقیاد ایشان باشد که عامل را کار
مشکل سهل شود با انواع حکم و دقایق و معارف حقایق که عزیز کسی ادراک آن نکرده باشد و در
همان کتاب است بجهة اطلاع بر خفیات علوم و اسرار و رسائل انوار و مافات جوانب و دفع
خواطر بر این الْعَلِیمُ صاحب شمس المعارف آورده که اگر مداومت کنند بر ذکر اللهم انی اسالک
اهل اسم ربوبیت العلیم ظاهر شود بر وی خفیات علوم چنین صناعت الکم عبارت از علم
اکسیر و غیر آن از علوم غریبه و فنون عجیبه و از چراغ حق تعالی طلبه سهولت میسر گردد و در شرح
اسماء آورده که اگر کسی این اسم شود در دل بسیار گوید صاحب معرفت گردد و اگر بعد از
فریضه صد و پنجاه بار که عدد مجمل او است یا سیصد و دو بار که عدد مفصل او است تکرار نماید مقصود
بر وجه اتم ظهور کند الْخَبِیرُ هر که این اسم را از برای اطلاع بر مغیبات و اخبار کند و نه
در فایب بخواند مناسب است و کسیکه بر ذکر او مواظبت و مداومت نماید اگر غایب را داشته باشد
در خواب یا بیداری از حال وی اطلاع یابد و اگر کسی هفت روز این اسم را در دل خواند

بعد از فصل وی که مستعد دست از زده حضرت روحانیت این اسم ویرا خبر دهد از امور یکه
در آن سال حادث خواهد شد از احوال ملوک و انقلابات زمان و امور کلیه عالم علّام الغیوب
در کتاب شمس المعارف آورده که هر که هفت روز این اسم را ورد خود سازد و مداومت
کند بر این اسم بحرف ندا که یا علّام الغیوب بگوید تا وقتیکه تاثیر کند این اسم در باطن
وی و در باطن وی کشف یابد و در آن حال امور غیبیه بر زبان وی جاری گردد و آنچه در خارج
بر وی منکشف گردد و روح وی ترقی کند بر عالم علوی و در آن نماید النّور هر که این اسم را در مواضع
مظلم ورد کند هر روز بعد از فصل وی که مستعد و بیست بار بخواند مرد اهل انوار عظیمه نماید
در عالم حس و طهارت بواسطه غلبه این نور بر باطن وی هر گاه در امری متحیر شود و
ثواب و خطا را نداند یا در سفر راه را گم کرده باشد و ولیت و پناه ... بار بعدد
مجمل وی بخواند راه مراد و طریق رشد بر تو ظاهر گردد و هر که این اسم را بنج
بر این صورت کتابت کند ن و ر و ک ... حامل این گردد متصل به رد معده ... باشد

باخفقان

با خفقان حق تعالی آن مرض را رفع کند و اگر این نوشته را بر عضوی از اعضای دردناک نهد
درد فرو نشیند والله اعلم ... یا فعّال هر که مغلوب خواطر بد بوده باشد و بس ... باید
که مداومت کند بر تکرار این اسم و هر بار که بعمل مشغول شود صد و پنجاه و یکنوبت بعد از نماز
پانصد و ... بار بعد از فصل وی بشرط طهارت کامل بخواند که در این قولی و فعلی اجتناب از وی
صادر شود دل وی از وسواس خواطر و اندیشهای پراکنده و حزن و انده خلاص یابد
و جمعیت باطن و سرور پیدا شود و یا حیّ یا قیّوم برحمتک استغیث مداومت
بر آن در رسانیده و قضای حوائج تاثیر قوی دارد و مداومت بر یا حیّ یا قیّوم موجب حیات
قلوب عقلیه گردد و بلا حضرت خضر بسیار جاری میشود این یا حیّ یا
قیّوم یا لا اله الا انت اسئلک ان تحیی قلوبنا بنور معرفتک
ابداً و هر که چهل روز بر تکرار این دو اسم شریف مداومت نماید بر این وجه که در میان
سنت و فریضه بامداد چهل مرتبه بگوید یا حیّ یا قیّوم یا من لا اله الا انت

بحقک استغیث دل وجان و سرا حیات تازه حاصل کند اگر بعزد
واکر روز سه‌شنبه وچهارشنبه وپنجشنبه روزه دارد وهر صبح که در روز هم
در اول وقت بگذارد و بعد از سلام مثل ازانکه بشغل از اشغال بپردازد پس قول
دفعه ذکر یا حی یا قیوم قیام واقدام نماید متصل بگوید تا وقتیکه آفتاب طلوع
کند بر آنکه در میان ساکت شود یا مکث کند پس دوات و قلم حاضر کند وکاغذ
عقب این ذکر در اول طلوع آفتاب بنویسد یا حی یا قیوم و بر بخور لایق
داشته بر بام بچسپد و بالای نگاه دارد عجایب ... کند از برکت او جمیعت
دوسعت رزق واقبال جزات چنانکه موجب تعجب شگفت مردمان شود

بخور لایق چنین عود و عنبر و عطر ... خوش بو

وار سفها ... محفوظ ...

دعای علی کبیر از برای بر آمدن حاجات از روز یازده بار بخوانند بعد از نماز صبح با کسی گفت
نگوید تا میت برم بجوب وا ... بسم الله الرحمن الرحیم الهی حمدی وثنی عندی کرس دی
وعلیک معتمدی بحق ایاک نعبد وایاک نستعین نادِ علیا مظهر العجائب
تجده الاسماء الحسنی بصفاته وهو علی کل شیء قدیر یا عزرائیل ساعیا
مطیعا بحق قل هو الله احد ان کلها بحق ها ها هو هو هو
عونا لک فی النوائب الذی کل ف ربع ... وقلب بتقویتیر یا
رحمان یا سماعیل ساعیا مطیعا بحق هذه الاسماء الاعظم ان تغفر لنا
حاجاتنا ان کلها کل هم وغم سینجلی الذی لا اله الا هو الحی القیوم
بجی الموتی یا قامت السموات والارضون یا قمرائیل ساعیا مطیعا
بحق هذه الاسماء الاعظم ان تغفر لنا حاجاتنا ان کلها بعظمتک یا الله
یا الله یا الله بنبوتک یا محمد یا محمد یا محمد بولایتک یا علی یا علی یا علی

تا حجابل ... مسموع ...

ان تقضی ...

ان تغفر لنا حاجاتنا

انْ كلّها بو لا منيك ادهيكني ادهيكني يا علي الذي لا اله الا
هو الرحمن الرحيم هو المسكة كل شيء عند له يا طائيل سامعا
مطيعا بحق هذه الاسماء الاعظم ان تغفر لنا حاجاتنا الى كلها
بصفائه واحفظنا من آفات الدنيا والآخرة برحمتك يا ارحم الراحمين ﻫ

شجرة يقال لها سور ريحان شبه الهندبا لونها احمر تبسط على الارض ليس لها ساق لها ورق وسنبل
احمر ولها ماء احمر مثل سنبها اذا عصرها ثمّ وذوب الرصاص الاسود ثم صب فيه الى خمس
مرات يصير زنجفرا احمر الق الواحد منه على مائة مثقال من الاسرب يقوم شمسا باذن الله
وآخر شجرة اسمها لسان تشبه شجرة البك وماء لها ورق صفار واصلها
دقيق فكانها لا انها سرعة الذبول الق الواحد منها على مائة من القلع يصير اقراصا
وآخر شجرة يقال لها الجعق ويقال لها المعدن اصلها واحد طولها ثلثة اذرع
تتفرع منها قضبان صفر الى السواد فيس بقضبانها ورق توخذ وتجفف
وتدق على زيبق محرّ في معرفة حديدة تعقده باذن الله ﻫ

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين يا عليا مظهر العجائب تجده عونا لك
في النوائب كل هم وغم سينجلي بعنايتك يا الله بنبوتك يا محمد بولايتك
يا علي يا علي يا علي الغوث اغثني يا علي ادركني انا من اعدائك ابرء
يا الله وعنت الوجوه للحي القيوم اياك نعبد واياك نستعين وصلى
الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين الطيبين الطاهرين وسلم تسليما
كثيرا كثيرا تا چهل روز اربروز سی زده مرتبه مداومت کند از بکم
دارد برسد انشاء الله ﻫ خذ درهم قمرا وعلا انقائم لجعل في بوتقة وينفخ
عليه قليلا حتى ينسبك فضة بيضاء لا شك فيها مجربة والعمل ان يؤخذ الكبريت
ويلغم بالزيبق فاذا برد يحق بالكندر وكعقاب يحق بالبنفاه للشمس ويسحق
الشنوة بماء السواد الاسود المقطور ويسوى يكمن اكثر اللقم كحل ذهبا احمر

هر که را مهمی باشد و خواهد که زود بر آید ...

فی حدیث الشیخ

از حضرت صادق علیه السلام روایت است که اگر رقعه‌ای به سوی خدا نویسی و مطلب داشته باشی

و ان شاء الله خواهی که برآید و مطلب حاصل شود قلم را بر کتب سیاه نکرده باشی

بکاغذ بنویس بسم الله الرحمن الرحیم وعد الله الصابرین المخرج مما یکرهون والرزق

من حیث لا یحتسبون وجعلنا الله وایاکم من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون

بعد مطلب خود را بنویس که ان شاء الله تعالی مطلب بر آید

در بیت بکر و نهار روز هفت مرتبه بخوانند که مطلب برآورده شود در روز ... ده

مرتبه بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم اذا جاء نصر الله والفتح یا الله یا جبرئیل

ورأیت الناس یدخلون یا عفو یا میکائیل فی دین الله افواجا فسبح

یا احد یا اسرافیل بحمد ربک واستغفره انه کان توابا یا عزرائیل اللهم

المسخر کل موجودات بحق یا بدوح

شیخ مرحوم ... بجهت ... یا مبلح یا مصلح

... بسم الله الرحمن الرحیم ... ۱۱۱۱ ...

۱۱۱۱ ... ۱۱۱۱ ...

[illegible]

طریقه اربعائی لشتائی بجهت قضای حاجات بجهت علی نام

اولا فاتحه بجهت شیخ مرحوم بخوان و بعد دو بیست مرتبه سوره فاتحة الکتاب و البته دو

مرتبه سوره الم نشرح و دویست مرتبه یا حی یا وهاب یا ولی یا جواد یا علی را بخوان

پس بگو یا حی یا وهاب یا ولی یا جواد یا علی صل علی محمد و آل محمد و افعل بی کذا

و در حال ذکر یا حی ملاحظه حیات ... و در یا وهاب ... عطا ... و در یا ولی ...

... و در یا علی علو ... حاجت ... و در یا جواد ... ذکر ...

از جهت هر مطلبی از مطالب ... روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه گرفته شروع بختم نماید

روز چهارشنبه ... مرتبه و روز پنجشنبه ... مرتبه و روز جمعه ... مرتبه بگوید

و در پای ... تحت ... بگوید که مطلب حاصل است بسم الله الرحمن الرحیم قل هو

الله احد یا جبرائیل الله الصمد یا میکائیل لم یلد ولم یولد یا اسرافیل

ولم یکن له کفوا احد یا عزرائیل ... سبحان الله ...

یا مصلح یا مصلح

یا الکنز ... یا حفیظ ... یا حافظ

یا ناصر ... ۱۱۱۱ ...

[illegible]

دوازده امام من کلام سید قوام

وصلوا ازلی مجد بصلواتکم وسلامکم | وعلی اکرم الاولیاء ومنظم انتظامکم
وحدیقة ملک امام وصحیفة ولد کرم | وبکوکب فلک کرم بابکم وحاکم
وبعابد وبباقر وبطیب وطاهر | وبصادق وبفاخر وبحافظ لزمامکم
وبکاظم وبنوره وبشمس طوس سروره | وبطوره وبطوره ولزمکم وعصامکم
وجواد کرمی وده ومکین عرش سیادة | ونقی مصر نقاوة تبامکم واماکم
وبنان الحسن الزکی وبمهدی ستق الوفی | وبهادی الامام المخفی بمقیمکم وقوامکم
وبجود کرم نعمة السماء وبیمنکم رزق الوراء | وبعطفکم نه در الهدی بجلالکم وحرامکم
وبکم جهل وبکم علم وبکم وجه وبکم عدم | وبکم حلل وبکم حرم کذ وانه بدوامکم
عدد العباد باعدد عدد الالاء باعدد | بقدیم باحمد بقیامکم ومقامکم

قد تبرأت من الطاغوت والجبت الشقی | ومن اللات لا تثل الخائن الشر ...
وثمان بعد من ینلوه فی الظلم الجلی | من بنی العباس بعض بعضهم من اموی
بولاء المحبة الحق الحقیق المکوی | وبتبع بعدهم کل وصی للنبی

[illegible]

روزی که صید کرکس مردار خوار گشت | عرش آشیانه های همایون کربلا
کافور باش خاک که کفن پوش گشت چنین | بر کشتگان ناشده مدفون کربلا
گر زنده اندم ارشنم زار حال توان | رو سوی خیمه لیک سپه آن کربلا

نگار چه لیک مخالفت از چرخ پیر شد
انسم حرم بدست مخالف اسیر شد

چین رحمت جنین خلق ز تشنه لب هلاک | نالان که شیعه خاک زدل آه دردناک
ان جنین هلاک در شده دره بافت تا سمک | وان آه شعله ور شده بر بافت تا سماک
از کینه اهل ان ره دین کشیده رخت | لیک رهنمای خلق چه در ورطه هلاک (زدان از بسیط خاک)
اندم بهار گشته عدم عالم وجود | پی اختیار جامه طاقت کنند چاک
کاش آن زمان که شد خلق مرتضی شهید | از دور چرخ وجور مخالف [illegible]
نه چرخ وار جنین چو فاروان ... | تا نغمهای زبان اهمه رفت در مغاک
ترسم جهانیان اهمه سوزند کحشر | از دامن جهان نشود لیک گناه پاک

گر جنین بها کسی طلبه از براو
کالای صد جهان نشود جنین بهار او

[illegible]

روزی که از جفا سر آن امام انس و جان | طالع چه آفتاب شد از مشرق سنان
هم ماه شب ز خجلت حق گشت ناپدید | هم مهر روز گشت ز شرمندگی نهان
هم برکشید برق ز دل آه آتشین | هم بانگ رعد غلغله افکند در جهان
هم بر وزید باد مخالف ز شش جهت | هم چشم گریست ابر صفت هفت آسمان
هم زد کلاه مهر ز سر بر زمین فلک | هم تا بپا درید گریبان ز کهکشان
هم رست در زبسینه دو سر خار دخاره دُر | هم کرد کوه کوه ز دریا موج بر کران
هم وهم گفت خواب بیا رود ز رستخیز | هم عقل گفت رفت جهان زالبرز زمان

بس بیکسان آل نبی را ز کربلا
بردند سوی کوفه به جور و صد جفا

بر جرح بکاد چنین ره لنی کاروان غم | افتاد از جفای لعینان پر ستم
رخها کجنی خضاب بیکبار رنگشنه | از ناقها کناره و رنسان محترم
هر کس کشید تنگ تر از بر چو جان | سر کرد شکوه از دل مجروح پر الم
از ناله زنان وز افغان کودکان | پیچیده در دوران گردون نه خیم
از روز پشت نه فلک از بار این گنا | چنین قامت هلال بیکبار گشت خم

باسبل

باسبل اشک دیدهٔ زینب بدان زمان | در جستجوی آل نبی جلیل دو چشم
تا که بجای دیده که با جسم چاک چاک | پیر فتاده سبط محمد بچرم

جنش جگر چو اشک شد از دیده عارض روان
رو در مدینه کرد که ای خاک جهان

لیس پاره پاره گشت کهارت حسین تو | لیس گشته سپاه ضلالت حسین کشت
لیس سر به نیزه رفته و تن مانده بر زمین | کو از رسیده جور بغایت حسین کشت
لیس تشنه لب که آه جگر سوز تشنگیش | در هفت چرخ کرده سرایت حسین کشت
لیس حامی شریعت دین را که این گروه | یکبار بی نگرده حمایت حسین کشت
لیس بیکرش که زخم ز تیغ و سنان و تیر | دارد فزون ز حد و نهایت حسین کشت
لیس بی بهانه که بستور اشقیا | بی جرم در جهان جنایت حسین کشت
لیس کز طلوع شمس تا تاریک روزگار | هر رشته آسمان و لایت حسین کشت

با حجر خویش گفت چه حال است [illegible]
آورد روی [illegible] بر [illegible]

که بار ستم زده [illegible] ستم [illegible] | کاینه ز جور چرخ بها [illegible]

دردم شکسته گشت آل رسول را   از بار جور غرقهٔ دریای غم چه باک

تیر از کمان کینهٔ بی‌دین مسلمان بسی   تا بر گذشته بر تن صد جرم بیباک

در دست ظلم فرقهٔ نامی مان اسیر   شد شاهدان راه محترم بیباک

هر کودکی دیگر صد پارهٔ پدر   با ضرب تازیانه جدا شده ز هم بیباک

بر لوح کربلا نقش اولاد خویش را   از تیغ بسته جدا چنین قلم بیباک

سالار کاروان دیار حجاز را   بر بسته بار رسوی سرای قدم چه باک

با چه وبال رسن چه شکایت به سر رسید

پس بیکر برادر در خون را به بر کشید

گفتا که ای برادر با جان برابرم   دیدی چگونه کرد فلک بی برادرم

بی غسل و بی کفن تو منی از پی علاج   بیچاره مانده‌ام چکنم خاک بر سرم

ایوب عهد چشم درد هجرم بمیرد   بهر علاج از غم تو جز بی کاظم

ما میرویم از ستم کوفیان به شام   از کالبد به یاری شام دوستان مرم

از پا در آمدی تو کجا که هلاک گردد   با خاک راه کربلا دوران برابرم

شد بی عمامه سر تو بر سر سنان   بردند لشکر سیاه تاراج معجرم

ماندی

[illegible]

[illegible margin note] در سایه روز حشر تو بر عالم
[illegible] اکنون در آفتاب از بی سر

ماندی به کربلا و بر سیدی از وفا   بیمی بسوی کوفه چرا رفت خواهرم

چنین سینت چاره میروم میبکیارست

از طوره پاره تن که امید بیارمت

والی بسوی کوفه روان از جفا شده   از کشتگان خویش به حسرت جدا شده

چنین کاروان کرب بلا رو بکوفه کرد   از ناله کودکان و زنان چهره زرد شده

با اینکه از قفا به بن نیزه میزدند   هر دم به کشتگان نگران از قفا شده

در بند ما جرای اسیری فکنده شان   چرخ فلک چه فارغ از آن ماجرا شده

از گرد آن لباس تباراج رفته گان   تا کوفه در لباس بستر ما بها شده

در دست و دور فرقت گلهای باغ دین   در شان راحه بلبل بستان سرا شده

تا حشر زان الم که بآل نبی رسید   بیگانه ز آن شاه غم آشنا شده

رفتند چنین بکوفه ور لشکر عیش و رود

لبیک زبان خیل الم را طلب نمود

بر دند چنین بمجلس ابن زیاد شان   غمها که نشد زان غم نوشته زیاد شان

ای مرد آن رهگذر که بگویم بکینه گشت   دور فلک چسان بخلاف مراد شان

مسکین ارشاد [illegible]

در پیش لعلهای سر شاه شهید را کردند لعنت یزید چون لب باز داشتند

از چشمها سرشک بهفتم زمین رسید تا آسمان سپهر سیاه از نهاد شان

چندین چوب خیزران بلبش زد و زند دار آن بیکس و کس نرسید بداد شان

جامها بکار چو رگهای سر برید بر سر زدند و سینه فلک چنین فتاد شان

گفتا یکی با این زیاد اخراز شرمی بکن که داد جفایت بباد شان

پس چنین جفا هر آنکس بآل رسول تمام کرد

ثانی روان ستم زنان را بشام کرد

آن کاروان روان چو بشام خراب شد گردون ز رنگ کوه زمین قدر سحاب شد

از ازدحام خلق بر و بام و در شام چندین هجوم شام برا انقلاب شد

سرها بر نیزه‌ها دیران چو صف زدند ظلمت شام را بر نیزه آفتاب شد

در طلعت زر سر خلق مرتفع چو دید یا دوست شد و طعن چنین خطاب شد

میخواست خلیفه روز شاه تخت خوش خرابی انتساب شد

کوفی ز ابتدا قبیلهان ز انتقام میشد چهل کشته چنین بسر بوتراب شد

ثانی بنز کسی و سؤال کرد نفرین اهلبیت بجانش جواب شد

چندی

چندی بشام در کشت یزید پلید شان پس یاد سوی رفاقت یثرب بنوید شان

هودج بر آن اهل حرم زرنگار کرد کفر نهان خویش بخلق آشکار کرد

از کربلا بکوفه و از کوفه تا بشام شان بیکسی که ازستم همه را دل فگار کرد

اموالها که جمله بتاراج رفته بود بگرفت و داد معذرت بیشمار کرد

اندم بشیر را طلبید و در این سفر بر بیکسان فاطمه خدمت گذار کرد

روضه الجنان مبارک که حسین در دو میکی بر بیکسان شام و در این روزگار کرد

خم گشت بانه قامت گردون ز بار غم روزی که کاروان غم از شام بار کرد

ره دیار خویش گرفتند روزگار با صد الم چه فارغ ز زنان دیار کرد

افغان که فلک نه بکوه کمر خروش

امروز سیلها نتمان بود بر بکوش

چندی راه شام بهر باره بکربلا افتاد تا افغان که بکنبه گردون هزار افتاد

از شور شال اهل حرم باز شور شاه در اهل قدس و در حرم کبریا فتاد

ناگاه دیدها بر آن آب اهلبیت بر خاک آن شهیدسران تن جدا فتاد

خرگهان لاله گنبد چه صف بر کشیده — از گریه سالها مگر به صف انبیا فگار

فریاد از آن دمیکه زمحمل برون خاک — بی اختیار در حرم آل انبیا فگار

بنهاد سر بتربت شه سنه چه گفت — زان دم که سر دقامتش از غم زپا فگار

تا لاله فسرده شمع رخت ای ضیاء عالم — در بزم چرخ مشعل مهر از ضیا فگار

اندم اگر ز گونه شکایت ز شام کن
پس باد زبان ز خویش شکایت تمام کن

بر ناقه‌ها چه با غم آن کاروان زدند — سوی مدینه آتش از آن در جهان زدند

هر منزل از نشان ازان راه دور و دور — وگاه تعزیت زیکران ناکران زدند

از دور چو چشم سواد مدینه پدیده گشت — با اضطراب چشم چه بس از دل فغان زدند

با مردم مدینه چه منزل رسیده کاران — نقش کفن ز کربلا مانده کان زدند

شد شور آنکه شور رستی روز شور را — از دور از حوادث دوران نگار زدند

اهل حرم چه در حرم مصطفی شدند — هر یک از آن ناله ز دل ناکهان زدند

پس شکوه‌ها ز جور جفای که رفته بلند — از آنها که سبه حیدر که در دل امتحان زدند

کرانه

در آن روز حشر مقام — بدل داغ انتقام

کوینده شرح حال جفای تمام شان — تا روز حشر مانده دلی انتقام شان

خرم زبان نه بنده که گردون سیاه شد — از بار دلی شکسته روان خرد آه شد

خرم زبان ببنده که از سیل دیده‌ها — بر خلق تیره بحر جهان اشتباه شد

خرم زبان ببنده که آرام در اضطراب — منفعل ز ماه‌ها ز ماه شد

خرم زبان ببنده که کار جهانیان — یکباره زین مصیبت عظمی تباه شد

خرم زبان ببنده که انگور در جهان — میلاد خلق جهان داد خواه شد

خرم زبان ببنده که از دوزخ بر خلق — از این عمل بجنت حق سند راه شد

خرم زبان ببنده که در روز رستخیز — مستوجب عذاب جهان زین گناه شد

تا زخم باین گناه ندانم که چنین کنند
در ملک سرنهان چه فلک دائم کمین کنند

[illegible]

... روز سه شنبه هفتم ماه رجب [illegible]
[illegible] شعبان المعظم [illegible]

کتاب [illegible]
بسم الله تعالی

طالع اگر مدد کند دامنش آورم به کف | گر بکشم زهی طرب ور بکشد زهی شرف
طرف کرم ز کس نبست این دل پر امید من | وه که درین خیال کج عمر عزیز شد تلف
از خم ابروی توام هیچ گشایشی نشد | گرچه سخن همی برد قصه من به هر طرف
چند به ناز پرورم مهر بتان سنگدل | یاد پدر نمی‌کنند این پسران ناخلف
من به خیال زاهدی گوشه نشین و طرفه آنک | مغبچه‌ای ز هر طرف می‌زندم به چنگ و دف
ابروی دوست کی شود دستکش خیال من | کس نزده است ازین کمان تیر مراد بر هدف
بیخبرند زاهدان نقش بخوان و لاتقل | مست ریاست محتسب باده بده و لاتخف
صوفی شهر بین که چون لقمه شبهه می‌خورد | پاردمش دراز باد آن حیوان خوش علف

حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان به صدق
بدرقه رهت شود همت شحنه نجف

[illegible]

در وصف بیت الاحزان گوید [illegible]

چه گویم وصف این غمخانه زار | کز آن زخم عالمی را دیده خونبار | چنان این بزم اندوه غم افزاست
[illegible] | [illegible] از خوناب دیده | [illegible] چیده
زهر خشتش خروش ناله پیدا | زهر جزوش صدای وای ویلا | [illegible] بر آسمان [illegible]
[illegible] | [illegible] ناله [illegible] | [illegible] حضرت زهرا [illegible]
درش [illegible] مصیبت | [illegible] کلید [illegible] جنت | [illegible]
دلی از هجران سوزان [illegible] | نمایان چار چوبش [illegible] | ز آه و ناله اندوه [illegible]
صدای ناله از هر سو [illegible] | روان [illegible] گلستان [illegible] | سرشک [illegible]
[illegible] | درین غمخانه [illegible] | [illegible] گیسو [illegible] سینه
[illegible] آید [illegible] | صدای ناله زهرا [illegible] | که [illegible] ذکر الله
[illegible] | [illegible] | [illegible]
[illegible] | [illegible] | [illegible] جان [illegible]
[illegible] | [illegible] | [illegible]
[illegible] | [illegible] | [illegible]
[illegible]

ب س م ا ل ل ه ا ل ر ح م ا ن ا ل ر ح ی م
۲ ۶۰ ۴۰ ۱ ۳۰ ۳۰ ۵ ۱ ۳۰ ۲۰۰ ۸ ۴۰ ۱ ۵۰ ۱ ۳۰ ۲۰۰ ۸ ۱۰ ۴۰

[illegible]

الحمد لله الذي جعل جامعاً لنسخ في كتابه والتعبير ... مرة

خطبة

الحمد لله الذي زين السموات بلا عمد بقدرته وثبت الارضين بكلمته ودبر الامور بامره
ونور الاكوان بظهوره ودور الادوار بتدويره ونور الانوار بنوره وطوى الاطوار بطوله وعدله
ولستر الرياح برحمته واجرى السحاب باسمه وملأ الدهر بقدرته واخرج الليل بنوره
واشرق كل شيء بقلوبه واذاق كل ذي لب بدينه

نافله ده ركعت در رجب از شب رمضان ان شاء الله
اربع بصبح ... ركعتان بصبح ... اربع بصبح جمعه ...

في سورة سبا وما اموالكم ولا اولادكم بالتي تقربكم عندنا زلفى الا من آمن
وعمل صالحا فاولئك لهم جزاء الضعف بما عملوا وهم في الغرفات آمنون

في سورة ص كتاب انزلناه اليك مبارك ليدبروا آياته وليتذكر اولو الالباب

خطبة

الحمد لله الذي ... السلطان
الحمد لله العلي المكان والرفيع البنيان الشديد الاركان العزيز السلطان
العظيم الشان الواضح البرهان الرحيم الرحمن المنعم المنان الحمد لله الذي
احتجب عن كل مخلوق ليراه بحقيقة الربوبية وقدرة الوحدانية فلم تدركه
الابصار ولم تحط به الاخبار ولم تعبه مقدار ولم يتوهمه اعتبار
لانه الملك الجبار والحمد لله على حكمته البالغة على جميع من خلقه [illegible]
وحججه ... فان ... فمن ... ان ... الدهر وما الله
بظلام للعبيد المنان ... الحمد لله الذي لم يخل كافراً النعمة ولا جاحداً
لفضله ... والحمد ... لا يبلغ ... ثم الصلوة والسلام على اشرف
بعد الذات ... واعلى ... السلام ... الموجودات من خلق
المخلوقات والمبدعات وعلى ... البالغة ... ولا ...
وآله ... وذريته

